

به نام خدای مهربان



• برای دریافت امتحان نهایی اخیر
این کد رو اسکن کن.



همکاران گرامی و دانش‌آموزان عزیز سلام ...

مقدمه خود را با دو فکت مهم و جالب شروع می‌کنم: اولاً میانگین نمره معدل کتبی دانش‌آموزان دوازدهم در آزمون نهایی خرداد ۱۴۰۲ نسبت به امتحانات خرداد ۱۴۰۱، دو نمره افت داشته!! یعنی مثلاً میانگین نمره معدل کشور از حدود ۱۳ به حدود ۱۱ رسیده، ثانیاً در امتحانات نهایی ۱۴۰۲ در مجموع سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی فقط یک معدل ۲۰ داشته‌ایم!! که البته در امتحانات نهایی ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ همان یک نفر معدل ۲۰ را هم نداشتیم! چرا؟ چون امتحان نهایی سخت شده و هر سال هم دشوارتر می‌شود! علت و کم و کیف ماجرا را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

همان‌طور که می‌دانید با تغییرات اخیر، یعنی حذف دروس عمومی از کنکور و قطعی شدن تأثیر نمرات امتحان نهایی در قبولی دانشگاه، کسب نمره کامل در امتحان نهایی بسیار سخت‌تر از قبل خواهد شد، هرچند که تا قبل از این هم گرفتن نمره ۲۰ کار سختی بود! بله می‌دانیم که گرفتن نمره بالای ۱۹ چندان سخت نبوده، ولی گرفتن نمره کامل یا همان ۲۰ همواره دشوار بوده است، چرا که با یک سهل‌انگاری ۲۰ تبدیل به ۱۹/۵ می‌شود؛ بنابراین اگر در سال‌های قبل مثلاً پنج هزار نفر در درس عربی نمره ۲۰ گرفتند، امسال تعداد نمرات کامل باید بسیار کمتر شود؛ ممکن است بگویید چرا باید؟ به این خاطر که اگر قرار باشد طوری سؤال بیاید که تعداد نمرات ۲۰ زیاد شود، عملاً نمره امتحان نهایی تراز بسیار پایینی می‌دهد که دیگر امکان سنجش دانش‌آموزان و تفکیک آن‌ها از یکدیگر را فراهم نخواهد کرد و دانش‌آموزان در دو دسته صفر یا صد قرار می‌گیرند؛ یعنی یا باید ۲۰ بگیرند یا هر نمره دیگری، که باعث کسب تراز قابل قبولی نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر خیلی خوب درس بخوانند و نمره کامل بگیرند، تازه می‌روند جزو چند هزار نفری که ۲۰ شده‌اند و عملاً هیچ اتفاق مثبتی برایشان نمی‌افتد و اگر کمتر درس بخوانند و مثلاً نمره ۱۸ بگیرند، چند ده هزار نفر عقب می‌افتادند.

جالب است بدانید تا قبل از این، که نمرات امتحان نهایی دارای تأثیر مثبت بود و عملاً نقش خاصی در قبولی کنکور دانش‌آموزان نداشت و طرف با معدل کتبی ۱۵ رتبه سهرقمی می‌آورد، هر سال حداقل بالای ده هزار معدل بالای ۱۹ داشتیم، چه برسد به امسال که این نمرات تأثیر قطعی و مستقیم ۵۰ درصدی در قبولی شما خواهد داشت، پس اولاً حتماً سوالات سخت‌تر خواهد شد، بنابراین گول ظاهر ساده و منطقی سوالات سال‌های قبل از ۱۴۰۲ را نخورید. ثانیاً، ملت خیلی بیشتر درس خواهند خواند، چون یک‌سری از دانش‌آموزان در تست چندان موفق نیستند و چشم امیدشان به همین نمرات تشریحی است، مثلاً کسی که ماه‌ها دروس تخصصی را خوانده و تست زده، چندین کتاب خریده و کلاس کنکور هم رفته، ولی هنوز نتوانسته در آزمون‌های آزمایشی به میانگین ۴۰ درصد در این درس‌ها برسد، طبیعتاً بعد از عید تمرکز و زمان و توان خود را صرف امتحان نهایی خواهد کرد، چون اگر قرار بود فَرَجی بشود تا عید می‌شد. این‌ها همگی باعث شدیدتر شدن رقابت در امتحانات نهایی خواهد شد، البته یک نکته بسیار مهم را فراموش نکنید، وقتی می‌گوییم سوالات سخت‌تر خواهد شد، به این معنا نیست که تمام ۲۰ نمره دشوار می‌شود؛ خیر! چون اگر این‌گونه شود میانگین نمرات کل کشور به شدت افت می‌کند و در نهایت میزان ترک تحصیل افزایش می‌یابد و نهایتاً یک بحران جدید به بحران‌های کشور اضافه می‌شود! بنابراین پیش‌بینی می‌شود ۱۷، ۱۸ نمره مثل همیشه باشد؛ یعنی از دل کتاب و فنی ولی در سطح متوسط؛ اما ۲، ۳ نمره از سوالات در سطح بالاتر و سخت‌تر خواهد بود که عملاً کسب این ۲، ۳ نمره باعث تفکیک بچه‌های خوب از عالی خواهد شد، پس ممکن است ۲۵ صدم نمره هم در قبولی و در آینده شما تأثیر بسزایی بگذارد. مثلاً اگر سه هزار نفر نمره ۲۰ بگیرند و نمره شما بشود ۱۹/۷۵، در این درس، به اندازه سه هزار نفر عقب افتادی! و باید در درس‌های دیگر، چه تستی چه تشریحی، جبران کنی؛ یعنی آن دانش‌آموزی که نمره ۲۰ گرفته باید جایی بلغزد و نمره از دست بدهد تا تو بتوانی به آن برسی یا از آن جلو بزنی که این اتفاق در ده هزار نفر اول هر رشته، مخصوصاً رشته تجربی، خیلی سخت خواهد بود، چون داوطلبان با چنگ و دندان مراقب نمره خود هستند و از آنجایی که امتحانات معمولاً ۹۰ دقیقه وقت دارد، بچه‌ها دو سه بار برگه خود را مرور و بررسی می‌کنند که مبادا ۲۵ صدم از دست بدهند. خلاصه که فشردگی رقابت بسیار بیشتر از قبل خواهد شد.

یکی دیگر از مسائلی که باعث نمره از دست دادن می‌شود تشریحی بودن است! یعنی چی؟ یعنی اینکه در آزمون تستی اگر نکته‌ای را فراموش کرده باشی، خیلی راحت به گزینه‌ها نگاه می‌کنی و یک‌سری موضوع و نخ و گرا به دست می‌آوری و یا شاید بتوانی با رد گزینه و حرکات دیگر به جواب برسی؛ ولی در امتحان تشریحی چیزی برای مقایسه و یادآوری نیست و همه مطالب را باید خودت بنویسی؛ پس اگر معنای کلمه یا ساختاری را به یاد نداشته باشی، طبیعتاً ابزاری برای یادآوری و بازیابی اطلاعات نداری و نمره از دست می‌دهی.

البته که از دو اصل هم غافل نشوید: اولاً هر آزمون تستی یا تشریحی ویژگی‌های مثبت و منفی خود را دارد؛ مثلاً در آزمون تستی غالباً با کمبود وقت مواجهیم، ولی در آزمون تشریحی ندرتاً مشکل زمان خواهیم داشت. ثانیاً، از نظر بنده و به طور کلی، هر آزمون تشریحی در هر درسی از آزمون تستی آن درس ساده‌تر است؛ به شرط دقت و حوصله و شناخت روش صحیح رفتار با سؤالات. ولی خُب کسی که عجل است و دقت در نوشتن و حوصله بررسی دقیق جملاتش را ندارد، قطعاً در آزمون تشریحی آسیب خواهد دید. با توجه به تمام این توضیحات و اتفاقات، شما کتابی نیاز دارید که هم مطالب اصلی و روتین کتاب درسی را پوشش بدهد و هم سؤالات سطح بالا و سخت‌تری داشته باشد که شما را برای نمره کامل آماده کند، ضمناً این کتاب نباید در حال و هوای تستی گذشته باشد و حتماً باید با چهارچوب امتحان تشریحی تطابق داشته باشد.

تلاش ما در انتشارات مهرماه، این بوده که کتاب حاضر هر آنچه که نیاز شما برای بیست شدن است را تأمین کند، کافی است کتاب را یک توزّق ساده کنید، خواهید دید که کلمه کلمه کتاب درسی ترجمه، بررسی و نقش‌یابی شده، تمام نکات تدریس شده، همه بخش‌های کتاب درسی، حل تمارین، آموزش و... را برایتان آورده‌ایم.

ساختار کتاب برای ۲۰ شدن شما باید از هر جهتی مجهّز باشید؛ چه درسنامه چه سؤالات، چه آزمون و... . بریم ببینیم در دل این **بیست‌پی** چه خبر است و چه ساختاری دارد.

کتاب پرسؤال قسمت‌های متنوع و کاربردی دارد که مختصراً در زیر با آن‌ها آشنا می‌شویم.

۱) **درسنامه:** در هر درس ابتدا قواعد آن به طور کامل و با مثال‌های فراوان و توجیهی بررسی شده که مسیر حرکت ما دقیقاً محتوای کتاب و چهارچوب امتحان نهایی بوده نه بیشتر یا کمتر. در ادامه درسنامه نیز تمام لغات، مترادفات، متضادها و جمع‌های مکسر کل درس، به طور منظم و الفبایی دسته‌بندی شده‌اند.

۲) **کتابنامه:** کلمه کلمه کتاب درسی چه متن چه تمارین و... ترجمه و نقش‌یابی شده و از نظر قواعدی، کاملاً کالبدشکافی شده است؛ این ویژگی خاص و منحصر به فرد در سایر کُتب بازار وجود ندارد و به تسلط شما بر کتاب بسیار کمک می‌کند.

۳) **سؤالات تشریحی:** حدود ۳۰۰۰ سؤال با کیفیت و استاندارد، اعم از آدرس‌دار و تألیفی در کل کتاب داریم. این سؤالات هم شامل سؤالات امتحانات نهایی تمام پایه‌ها و رشته‌هاست تا آنجایی که به مطالب پایه دوازدهم مرتبط بوده، هم شامل سؤالات تألیفی است. سؤالات سخت‌تر نیز با علامت **۰۰۰** مشخص شده‌اند.

نکته مهم بعدی چینش و طبقه‌بندی و تقسیم موضوعات مختلف در سؤالات است؛ یعنی شما در هر درس از انواع موضوعات سؤالات متنوع دارید چه لغات و ترجمه چه متضاد و مترادف چه قواعد پایه و...؛ با این حساب شما به راحتی می‌فهمید که در چه موضوعی ضعیف هستید و در چه مسئله‌ای قوی.

۴) **پاسخ‌نامه:** در بخش پایانی کتاب پرسؤال، به تمامی سؤالات مطرح‌شده در کتاب، پاسخ کاملاً و واقعاً تشریحی داده‌ایم. علاوه بر آن، هر جا که نیاز بوده و در خلال پاسخ‌ها با عناوینی همچون «**یادآوری**»، «**تذکره**»، «**نکته**» و... به بررسی مجدد مطالب پرداخته‌ایم. حتی به چگونگی پاسخ‌نویسی در امتحان نهایی نیز پرداخته‌ایم.

کتاب کاربرگ امتحانی ۱- آزمون‌های درس به درس: آزمون‌های درس به درس را به سبک و سیاق امتحان نهایی طراحی کرده‌ایم؛ همچنین سعی کرده‌ایم تمام نکات مهم و امتحان خیز هر درس، در قالب این آزمون‌ها بیاید. بنابراین پس از خواندن هر درس، یک امتحان نهایی در حد همان درس در انتظارتان است.

۲- آزمون‌های جامع: پس از آزمون‌های درس به درس، هفت آزمون جامع قرار داده‌ایم. از این هفت آزمون، دو آزمون تألیفی برای نیم‌سال اول، دو آزمون تألیفی برای پایان سال و سه آزمون نهایی است: خرداد ۱۴۰۳، شهریور ۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۴. حتماً پس از مطالعه کل کتاب به این آزمون‌ها بپردازید.

کتابچه خلاصه کپسولی یک خلاصه کپسولی، اتمی خفن داریم که در آن هر چیز فزّاری را برایتان خلاصه‌نویسی کرده‌ایم. از لغات تا قواعد پایه، از تکنیک‌های ترجمه تا قواعد دوازدهم، صورت سؤالات امتحانی و... به‌طور کلی این بخش بسیار کاربردی و شب امتحانی است، بخوانید و ما را دعا کنید.

سپاسکده

برای آماده شدن این کتاب افراد مختلفی زمان و انرژی صرف کردند که در اینجا از همه عزیزان تشکر و قدردانی می‌کنم:

- جناب آقایان دکتر محمد مهدی طاهری و روح‌الله گلشن که با تلاش شبانه‌روزی خود زحمت تألیف قسمتی از کتاب را به عهده داشتند.

- جناب آقای احمد اختیاری مدیرعامل انتشارات مهرماه که با نظرات خلّاقانه خود در کنار ما بودند.
 - جناب آقای امیر محمد بیگی مدیر تألیف پروژه و محمد جواد حیدر مشاور علمی واحد علوم انسانی
 - جناب آقای سید علی صادقی سروراستار محترم گروه عربی که نقش مهمی در بازخوانی و بهبود محتوای کتاب ایفا کردند.
 - تیم بازخوانی علمی و ویراستاری آقایان: استاد وهاب اصغری، استاد محمد نقده‌دوز طهرانی، پرویز یوسلیانی، استاد امیر شکوری، احسان کلاته (رتبه ۶ کشوری رشته انسانی در سال ۱۴۰۱) و علیرضا بابایی (رتبه ۲ کشوری رشته انسانی در سال ۱۴۰۲)
 - تیم خوب و حرفه‌ای واحد تولید که با همراهی خوبشان در به ثمر رسیدن این بسته تلاش بسیاری کردند.
 - مسئول پروژه کاردرست و پیگیر این کتاب سرکار خانم مهشید بشیری
 - گروه دقیق و متعهد ویراستاری فنی: خانم‌ها احمدی و سبحانی
 - همکاران خوبم در واحد فروش به‌ویژه برادر عزیزم جناب آقای عباس گودرزی مدیر واحد فروش
- در آخر از تمام خوانندگان و همراهان عزیز صمیمانه تقاضا داریم که ما را از نظرات و راهنمایی‌های خود بهره‌مند سازند و پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق پیامک (SMS) به سامانه ۹۶۸۸۴ اعلام فرمایند.

مهران ترکمان

 arabi.mehran.torkaman

 araabiensani

فهرست

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ: حُرُوفٌ مَشَبَّهَةٌ وَ «لَا» نَفْيٌ جِنْسٌ



درس نامه	۸
لغات	۱۱
کتابنامه	۱۳
حل و بررسی تمرین	۱۵
سؤالات امتحانی	۲۸
پاسخ نامه	۲۳۰

الدَّرْسُ الثَّانِي

الْوَجْهُ النَّافِعُ، وَ الْوَجْهُ الْمُضِرُّ: حَالٌ



درس نامه	۶۰
لغات	۶۳
کتابنامه	۶۶
حل و بررسی تمرین	۶۹
سؤالات امتحانی	۸۱
پاسخ نامه	۲۴۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ: أَسْلُوبُ اسْتِثْنَاءٍ وَ كَارِبَرْدُ «إِلَّا»



درس نامه	۱۱۰
لغات	۱۱۳
کتابنامه	۱۱۶
حل و بررسی تمرین	۱۱۹
سؤالات امتحانی	۱۲۹
پاسخ نامه	۲۵۴

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

نِظَامُ الطَّبِيعَةِ: مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ



درس نامه	۱۵۸
لغات	۱۶۰
کتابنامه	۱۶۳
حل و بررسی تمرین	۱۶۶
سؤالات امتحانی	۱۷۶
پاسخ نامه	۲۶۵

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

يَا إِلَهِي: مَنَادَا



درس نامه	۲۰۶
لغات	۲۰۷
کتابنامه	۲۰۹
حل و بررسی تمرین	۲۱۰
سؤالات امتحانی	۲۱۷
پاسخ نامه	۲۲۸

بخش ویژه

یادآوری



قواعد پایه دهم	۲۸۴
قواعد پایه یازدهم	۳۱۲
فوت و فن ترجمه جملات	۳۲۶

أُسلوب استثناء و کاربرد «إِلَّا»

مشاوره: این درس دربارهٔ کاربرد «إِلَّا» است؛ یعنی استثناء و انحصار. در کتاب درسی فقط اسم استثناء آورده شده، ولی جملاتی نیز داریم که بیانگر انحصار هستند؛ پس اگر نمرهٔ کامل (۲۰) را می‌خواهید، حتماً هرچه را که در این درس گفته‌ایم بخوانید، در واقع کتاب درسی به هر دو محتوا و کاربرد اشاره کرده، ولی گویا با اسم انحصار مشکل داشته و فقط به اسم استثناء اشاره کرده که در ادامه کمی توضیح می‌دهیم. اما در امتحان نهایی به‌طور ثابت نیم نمره از شناخت مستثنی و مستثنی‌منه سؤال داریم و حداقل نیم نمره نیز از کاربرد «إِلَّا» در ترجمه سؤال می‌آید. لازم به ذکر است که یکی از مباحث پایه که در این درس بسیار مهم است، شناخت ارکان جمله (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و...) می‌باشد؛ زیرا جدی‌ترین تفاوت استثناء و انحصار، کامل بودن یا ناقص بودن جمله قبل از «إِلَّا» است.

درسنامه قواعد درس سوم

جمع‌بندی: احتمالاً با بررسی مثال‌های قبلی متوجه شدید که مستثنی‌منه بودن، نقش (محل اعرابی) نیست و می‌تواند نقش‌های مختلفی بگیرد، ولی مستثنی نقش است. فراموش نکنید که اصولاً موارد زیر نقش نیستند و با توجه به جایگاهشان نقش می‌گیرند:

- ۱ موصوف ۲ مضاف ۳ صاحب حال ۴ مستثنی‌منه

نکته نهایی: دقت کنید که مستثنی‌منه نسبت به مستثنی باید کلی‌تر باشد؛ زیرا مستثنی‌منه، مرجع و گروه است، ولی مستثنی زیرگروه؛ پس مستثنی‌منه معمولاً اسم‌های کلی یا مثنی و جمع یا نکره است و یک اسم مفرد معرفه نمی‌باشد.

مثال: لَا أَسَاعِدُ أَحَدًا إِلَّا مُحَقِّدًا. ← به برادرم کمک نمی‌کنم به‌جز محمّد.

← «أَحَدًا» بیانگر یک نفر است، «مُحَقِّدًا» نیز بیانگر یک نفر است، پس این جمله غلط است و به‌جای آن کلمه «إِخْوَانًا» برادرانم می‌تواند مناسب باشد.

• مَا حَضَرَتِ الطَّالِبَةُ فِي الصَّفِّ إِلَّا حَمِيدَةٌ. ← دانش‌آموز در کلاس حاضر نشد به‌جز حمیده.

← «الطَّالِبَةُ» و «حَمِيدَةٌ» هر دو بیانگر یک اسم و شخص هستند؛ پس گروه (مستثنی‌منه) نداریم و این جمله غلط است. کلمه مناسب برای مستثنی‌منه بودن در این جمله «الطَّالِبَاتُ» یا «طالِبَةٌ» است.

تذکره: اگر مستثنی‌منه، هم به‌شکل اسم و هم به‌شکل ضمیر در جمله آمده بود، آن اسم را که مرجع ضمیر است به‌عنوان مستثنی‌منه در نظر می‌گیریم:

مثال: الْفَلَّاحُونَ يَحْصُدُونَ الْأَرْضَ إِلَّا أَبِي. ← کشاورزان زمین را درو می‌کنند به‌جز پدرم.

← «الْفَلَّاحُونَ» و ضمیر «وَاو» در «يَحْصُدُونَ» در جمله آمده‌اند، ولی اسم (الْفَلَّاحُونَ) مستثنی‌منه است.

• أَخَوَاتِي يَجْتَهِدْنَ فِي دُرُوسِهِنَّ إِلَّا سَعِيدَةً. ← خواهرانم در درس‌های خود تلاش می‌کنند به‌جز سعیده.

← «أَخَوَاتُ» و ضمیرهای «نَ» و «هُنَّ» در جمله وجود دارد که مستثنی‌منه، «أَخَوَاتُ» است نه آن ضمایر.

در این درس با دو کاربرد کلمه «إِلَّا» به‌جز، مگر آشنا می‌شویم؛ اصولاً هدف از آوردن «إِلَّا» در جمله دو چیز است و این کلمه دو کاربرد کاملاً متفاوت دارد و دو نوع ساختار می‌سازد که در ادامه با آن آشنا می‌شویم:

الف) ایجاد ساختار استثناء

استثناء عبارت است از جدا کردن یک اسم از یک حکم کلی؛ مثلاً در جمله «دانش‌آموزان رفتند به‌جز شهلا»، دانش‌آموزان رفتند، ولی شهلا نرفته است؛ یعنی عده‌ای کاری را انجام داده و عده‌ای انجام نداده‌اند که به این موضوع، ساختار استثناء می‌گوییم. اکنون به ارکان استثناء توجه کنید:

- **مُستثنی‌منه:** گروه یا جمعی که کار را انجام می‌دهند. (دانش‌آموزان)
- **مُستثنی:** شخص یا چیزی که کار را انجام نداده است. (شهلا)
- **ادات استثناء:** «إِلَّا»، بیانگر این است که ساختار استثناء داریم.

مثال: جَاءَ الطُّلُبُ إِلَّا عَلِيًّا.

فعل مستثنی‌منه (فاعل) ادات مستثنی

← دانش‌آموزان آمدند به‌جز علی.

• شَاهَدْتُ الْمُؤْمِنَاتِ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا مَرْيَمَ.

فعل و فاعل مستثنی‌منه ج.م ادات مستثنی (مفعول)

← مؤمنان را در مسجد دیدم به‌جز مریم.

• كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.

مستثنی‌منه فعل و فاعل ج.م ادات مستثنی (مبتدا، ماله) (خبر)

← هر چیزی با انفاق کم می‌شود به‌جز علم.

تذکره: در تمام مثال‌های بالا یک گروه، کاری را انجام داده‌اند (مستثنی‌منه) و یک نفر انجام نداده (مستثنی) و ما به‌خاطر حضور «إِلَّا» متوجه این موضوع شده‌ایم. به این اتفاق «أُسلوب استثناء» می‌گویند.



ب) ایجاد ساختار حصر (انحصار)

دقت کنید که در کتاب درسی اسمی از «حصر» نیامده، ولی در تمرین‌ها به نکات آن نیاز داریم و باید با این ساختار آشنا شویم، پس اسم آن مهم نیست، بلکه کاربرد و مفهوم آن اهمیت دارد.

این کاربرد «إلا» دقیقاً نقطه مقابل کاربرد قبلی (استثناء) است؛ در استثناء می‌گفتیم اسم قبل از «إلا» (مستثنی منه) کار را انجام داده، ولی اسم بعد از «إلا» (مستثنی) کار را انجام نداده و از آن استثناء شده؛ یعنی هر دو طرف در جمله حضور داشتند، اما در حصر (انحصار) اصلاً مرجعی قبل از «إلا» نداریم و جمله فاقد مستثنی منه است و فقط یک اسم بعد از «إلا» می‌آید که کار را انجام می‌دهد؛ پس در ساختار حصر (انحصار) جمله مورد نظر مستثنی منه ندارد. نکته بسیار مهم دیگر این است که ساختار حصر حتماً باید در جمله منفی بیاید، ولی ساختار استثناء در هر جمله‌ای که دلش بخواهد می‌آید، چه مثبت چه منفی؛ پس اگر جمله قبل از «إلا» جمله مثبت باشد، قطعاً حصر نیست و در آن عبارت، مستثنی منه وجود دارد.

مثال: لَا يَنْهَبُ إِلَّا عَلِيٌّ. ← (کسی) نمی‌رود مگر علی. / فقط علی می‌رود. ← مشخص نیست «علی» از چه کسانی قبل از «إلا» جدا می‌شود و حصر داریم. • لَمْ أَقْرَأْ إِلَّا كِتَابًا. ← نخواندم مگر یک کتاب را. / فقط یک کتاب را خواندم. ← مشخص نیست که «کتاباً» از چه گروهی قبل از «إلا» جدا می‌شود و انحصار داریم.

• مَا تَصَرَّيْتُ إِلَّا لِلَّهِ. ← (کسی) مرا یاری نکرد به جز خداوند. / فقط خداوند مرا یاری کرد. ← مرجع «الله» قبل از «إلا» نیامده، پس حصر داریم. • لَيْسَ الْفَرَّانُ إِلَّا هَادِيًا. ← قرآن (چیزی) نیست به جز هدایتگر. / قرآن فقط هدایتگر است. ← معلوم نیست که «هادیاً» از چه گروهی قبل از «إلا» جدا شده، پس انحصار داریم.

جمع‌بندی: هرگاه جمله مثبت باشد، حتماً در آن جمله «مستثنی منه» وجود دارد و استثناء داریم نه انحصار، ولی جمله منفی را باید بررسی کنیم که مستثنی منه دارد یا ندارد.

یادآوری: همان‌طور که گفتیم، ساختار انحصار (حصر) حتماً در جملات منفی می‌آید؛ بد نیست ادات منفی ساز در عربی را مرور کنیم:

- لا +
 - مضارع
 - نهی ← لَا تَأْكُلُونَ إِلَّا الْخُبْزَ.
 - نهی ← لَا تَأْكُلُوا إِلَّا الْمَاءَ.
 - اسم ← نفی جنس ← لَا صَدِيقَ لِي إِلَّا إِبْرَاهِيمَ.
- ما +
 - ماضی ← مَا صَبَّحَ عُمَرُكَ إِلَّا نَفْسُكَ.
 - اسم ← مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ.
- تَن + مضارع ← تَن أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ.
- لَمْ + مضارع ← لَمْ يَتَحَدَّثْ كَثِيرًا إِلَّا جَعْفَرٌ.
- لَيْسَ + اسم ← لَيْسَتِ الْأَطْعَمَةُ جَاهِزَةً إِلَّا الدَّجَاجُ.

تذکر: ساختار حصر (انحصار) در جملات منفی را می‌توان به صورت مثبت و با قید «فقط، تنها» ترجمه کرد.

مثال: مَا شَاهَدْتُ إِلَّا عَلِيًّا.

- ندیدم مگر علی را. ✓
- (کسی) جز علی را ندیدم. ✓ فقط علی را دیدم. ✓
- علی را، فقط دیدم. ✗ فقط علی را ندیدم. ✗

اولاً مراقب باشید که قید «فقط، تنها» را دقیقاً به جای «إلا» بیاورید، نه در جای دیگری از جمله. ثانیاً «فقط» با فعل منفی نادرست است. **مثال:** لَا يَبْنِي الْأَغْنِيَاءُ فِي مَدِينَتِنَا إِلَّا الْمَدْرَسَةَ.

- ثروتمندان در شهر ما نمی‌سازند مگر مدرسه. ✓
- ثروتمندان در شهر ما [چیزی] به جز مدرسه نمی‌سازند. ✓
- ثروتمندان در شهر ما فقط مدرسه می‌سازند. ✓
- ثروتمندان در شهر ما فقط مدرسه نمی‌سازند. ✗
- ثروتمندان فقط در شهر ما مدرسه می‌سازند. ✗
- فقط ثروتمندان در شهر ما مدرسه می‌سازند. ✗

جمع‌بندی: همه «فقط» ها در حیطه کتاب درسی:

- ۱ خود «فقط» **مثال:** دَرَسْتُ فَقَط. ← فقط درس خواندم.
- ۲ إِنَّمَا **مثال:** إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ. ← سرپرست شما، فقط خداست.
- ۳ جمله منفی + إلا (در ساختار انحصار) **مثال:** مَا جَاءَ إِلَّا عَلِيٌّ. ← فقط علی آمد.
- ۴ جار و مجرور اول جمله، قبل از فعل **مثال:** إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ. ← فقط به سوی خدا بازمی‌گردیم.

سه روش اصلی برای تشخیص حصر و استثناء

می‌دانیم که هر جمله مثبتی قطعاً استثناء است و نیازی به بررسی ندارد، ولی جملات منفی می‌توانند حصر یا استثناء باشند، پس این روش‌ها برای زمانی است که جمله منفی باشد:

۱ **ترجمه:** پایه‌ای‌ترین و عمومی‌ترین راه برای تعیین حصر و استثناء ترجمه کردن جمله است. اگر بتوانیم بدون حذف و اضافه کردن کلمات، جمله را با قید «فقط، تنها» و به صورت مثبت ترجمه کنیم، انحصار داریم (یعنی مستثنی منه نداریم) ولی اگر نتوانیم بدون تغییر از قید «فقط» در ترجمه استفاده کنیم، استثناء داریم (مستثنی منه داریم). دقت کنید که در این حالت فقط می‌توانیم ادات منفی ساز را برداریم و به جای «إلا» قید «فقط، تنها» بیاوریم و حق تغییر دیگری نداریم.

- مثال:** لَا نَعْمَلُ إِلَّا لِلَّهِ. ← فقط برای خدا کار می‌کنیم. ← حصر داریم.
- لَا يَشْرَبُ الْجُنُودُ الْمَاءَ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ. ← فقط کمی از سربازان آب می‌نوشند.
 - ← «مِنْهُمْ» در ترجمه حذف شده، پس چنین ترجمه‌ای غلط است و استثناء داریم. («الْجُنُودُ» مستثنی منه است.)
 - لَا يَشْعُرُ بِالْخَوْفِ إِلَّا مَنْ يَكْذِبُ. ← فقط کسی که دروغ می‌گوید، احساس ترس می‌کند. ← حصر داریم.
 - لَنْ يَبَاسَ إِنْسَانٌ إِلَّا مَنْ لَا يَسْعَى. ← فقط انسانی که تلاش نمی‌کند، مأیوس خواهد شد. ← «مَنْ» در ترجمه حذف شده، پس چنین ترجمه‌ای غلط است و استثناء داریم. («إِنْسَانٌ» مستثنی منه است.)



مثال: لَا تَذْهَبْ إِلَّا وَاحِدًا مَّنَا. ← استثناء ← نمی‌رویم به‌جز یکی از ما.
نحن
ضمایر بارز (شناسه فعل) مثنی یا جمع هم که طبیعتاً می‌توانند
مستثنی منه باشند.

• مَا فَهِمْتُمْ كَلَامِي إِلَّا يَوْسُفَ. ← شما سخن مرا نفهمیدید به‌جز یوسف.
فاعل مفعول م. آیه مستثنی
(مستثنی منه)

انواع «إلا»

این کلمه در پنج حالت مختلف خوانده می‌شود و کاربرد دارد:

۱) إِلَّا ← بعد از آن، اسم یا جار و مجرور می‌آید و بیانگر «حصر یا استثناء» است.

مثال: أَكْرَمْتُ الْجَمِيعَ إِلَّا اللَّيْمَ. ← همه به‌جز فرومایه را گرامی داشتم.

۲) إِلَّا ← مخفف «أن + لا» است و بعد از آن همیشه فعل مضارع می‌آید.

مثال: أَحِبُّ إِلَّا تَذْهَبْ. ← دوست دارم که نروی.

۳) إِلَّا ← به معنای «آگاه باشید، هان» است و ابتدای جمله می‌آید.

مثال: أَلَا قَدْ وَصَلَ الشَّتَاءُ. ← آگاه باشید، زمستان رسیده است.

۴) أَلَا (أ) ← پرسشی + «لا نفی» ← به معنای «آیا نه...» است و بعد از آن مضارع می‌آید.

مثال: أَلَا تَفْهَمُ؟ ← آیا نمی‌فهمی؟

۵) و إِلَّا ← به معنای «وگرنه»، مخفف «و إن لا» و همچنین بیانگر ساختار «شرط» است.

مثال: أَدْرُسُ وَلَا أَخْرُؤُ. ← درس بخوان وگرنه ناراحت می‌شوم.

۶) اگر کلمه بعد «إلا» مرفوع باشد (أَنْ، إِنْ، وَنَ)، حصر داریم؛ چون استثناء قطعاً و همیشه منصوب می‌آید (أَنْ، إِنْ، يَنْ).

مثال: لَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا الْمُقَاتِلُونَ الْمُسْلِمُونَ.

• لَنْ يُدْرِكَ الْحَيَاةَ إِلَّا إِنْسَانٌ يُطَالِعُ كَثِيرًا.

۷) اگر جمله قبل از «إلا» جمله اسمیه بود یا به همراه فعل‌های ناقصه آمده بود، این‌گونه عمل کنید: اگر قبل «إلا» یک رکن (مبتدا یا خبر) داشتیم، حصر و اگر دو رکن داشتیم استثناء است.

مثال: لَيْسَ النَّاسُ إِلَّا مُجْتَهِدِينَ. ← حصر است. ← مردم فقط کوشاهستند.
ارکن

• مَا الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ. ← حصر است. ← دنیا فقط سرگرمی است.
ارکن

• لَيْسَ الطُّلَابُ حَاضِرِينَ إِلَّا جَعْفَرًا. ← استثناء است.
رکن ۱ رکن ۲

← دانش‌آموزان حاضر نیستند به‌جز جعفر.

• مَا الثَّرْوَةُ شَيْءٌ إِلَّا وَسِيلَةٌ. ← استثناء است.
رکن ۱ رکن ۲

← ثروت چیزی نیست مگر یک وسیله.

۸) تنها ضمیر مستتری که می‌تواند مستثنی منه باشد، ضمیر «نَحْنُ» در صیغه ۱۴ (متکلم مع‌الغیر) مضارع است.

لغات

• أمير: پادشاه، فرمانده «جمع: أمراء»
• انزعج: آزرده شد
• انفتح: گشوده شد
• انفض (ينفض): پراکنده شد
• باكية: گریان
• البداية: ابتدا، آغاز
• بسط: گستراند
• تظاهر: وانمود کرد
• تعلق: وابستگی
• تعليم: یاد دادن، آموزه «جمع: تعاليم»
• تفاح: سیب
• تفقه: دانا شد، دانش فراگرفت
• تناول: خوردن
• توكل: توکل کرد
• جذع: تنه «جمع: جذوع»
• جعل: قرار داده شد
• جماعة: گروه
• جور: ستم
• جوز: گردو
• خبيب: دوست «جمع: أجبة، أجباء»
• حتى أراء: تا او را ببینم (أرى + هـ)
• خجر: سنگ «جمع: أحجار»
• حر: آزاده «جمع: أحرار»

• أسلم: اسلام آورد، مسلمان شد
• أسود: شیرها «مفرد: أسد»
• أشد: شدیدتر، سخت‌تر
• أصبغ: شد، گردید
• أضعف: ضعیف‌ترین
• اعتذر: پوزش خواست
• أعتق: آزاد کرد
• أعجب: شگفت‌زده کرد
• إعزاز: گرامی داشتن «باعزاز: باعزت»
• أعطى: داد
• أعوام: سال‌ها «مفرد: عام»
• إغراق: زباده روی
• أفراس: اسب‌ها «مفرد: فرس»
• أفضل: برتر، برترین «جمع: أفاضل»
• إفاقة: ماندن
• إقترح: پیشنهاد داد
• أقدم: قدیمی‌ترین
• أكابر: بزرگ‌ترها «مفرد: أكبر»
• أكرم: گرامی داشت
• أمرد: پسر نوجوانی که سبیلش درآمده، ولی هنوز ریش در نیآورده است.
• أمل: امید داشت
• أقارة: بسیار دستوردهنده

• آبار: چاه‌ها «مفرد: بئر»
• آخرون: دیگران
• أبقي (أبقى - يُبقى): نگه دار
• ابن: فرزند، پسر «جمع: أبناء، بنين»
• اتسع: فراخ شد
• إثمار: میوه دادن
• أثمر: میوه داد
• أجب: پاسخ بده
• أجلس: نشانید، نشاند
• احتفل: جشن گرفت
• أحسنت: آفرین بر تو
• إختار (يختار): برگزید
• أخذ: گرفت
• أخرج: خارج کرد، بیرون آورد
• إخوة: برادران «مفرد: أخ»
• أرسل: فرستاد
• أرسلت: برانگیخته شدم، فرستاده شدم
• استطاع: توانست
• استكثر: خود را بزرگ یافت
• استمتع: گوش فرا داد
• استهلك: مصرف کرد
• أسر: اسارت، بندگی
• أسرغ: شتافت

• کِلَاب: سگ‌ها «مفرد: کَلَب»
 • لَاعِب: با ... بازی کرد
 • لَان (يَلِين): نرم شد
 • لَعِب: بازی
 • لَعِب: بازی کرد
 • لِنَت: نرم شدی
 • لَهو: سرگرمی
 • مَا أَسْرَعَ: چه شتابان است!
 • مَا مِنْ ...: هیچ ... نیست
 • مَجْلِس: جایگاه «جمع: مَجَالِس»
 • مَحَارِم: حرام شده‌ها «مفرد: مَحْرَم»
 • مُدَارَاة: مدارا کردن
 • مَدَح: ستایش کردن
 • مَرَاة: زن
 • مَرَّ (يَمُرُّ): گذر کرد
 • مَرَّة: دفعه، بار
 • مُشَجَّعة: تشویق کننده
 • مَصَادِر: منابع «مفرد: مَصْدَر»
 • مَظْلُوم: ستم دیده
 • مُعَرَّز: گرمی
 • الْمُعَقَّل: کارگاه «جمع: الْمُعَامِل»
 • مُعَيَّن: مشخص شده
 • مَكْتَبَة: کتابخانه «جمع: مَكَاتِب»
 • مَلَابِس: لباس‌ها
 • مَلَاعِب: ورزشگاه‌ها «مفرد: مَلْعَب»
 • مَنصُور: یاری شده
 • نَجَح: موفق شد
 • نَبِم: پشیمان شد
 • نَصَرَ: یاری کرد
 • نَقَش: کنده کاری «جمع: نُقُوش»
 • هَالِك: نابودشدنی، از بین رفتنی
 • وَجْهَة: ذات او (چهره او)
 • وَقَعَ: واقع شد، افتاد، قرار داشت
 • وُعاء: ظرف «جمع: أَوْعِيَة»
 • يَافِع: جوان کم سال
 • يَتَعَلَّمُون: یاد می گیرند
 • يَدْعُون: دعا می کنند
 • يُعْطَى: داده می شود
 • يُفْقَهُون: دانا می کنند
 • يُلبَس: پوشیده می شود
 • يَمِين: راست
 • يَنْقُص: کم می شود

• ضَعُف: ناتوان شد
 • طُفُولَة: کودکی
 • ظَلَب: خواسته
 • ظَالِم: ستمگر
 • عَادَة: معمولاً
 • الْعُبُودِيَّة: بندگی
 • عَجُوز: پیرمرد، پیرزن «جمع: عَجَائِر»
 • عَمِل: کار کرد
 • عَنَب: انگور
 • عَوْدَة: برگشتن
 • عَيَّن: مشخص کرد
 • غَرَس: کاشتن نهال، نهال «جمع: أَغْرَاس»
 • غَرَس (يَغْرِس): کاشت
 • غَزْوَة: جنگ
 • غُصْن: شاخه «جمع: أَغْصَان، عُصُون»
 • غَضَّ غَبْنَه: چشم بر هم نهاد
 • غَفَر: آمرزید
 • غَفَّار: بسیار آمرزنده
 • غَلَا (يَغْلُو): گران شد
 • غَلِيظُ الْقَلْب: سنگدل
 • فَاض (يَفِيض): لبریز شد
 • فَاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»
 • فَرَّق: فرق گذاشت
 • فَسَّق: پسته
 • فَسِيلَة: نهال «جمع: فَسَائِل»
 • فَظ: تندخو
 • فَقَّه: دانا کرد، دانش آموخت
 • فَلَاح: کشاورز
 • قَاتِل: جنگید
 • قَتَلَ: بوسید
 • قَدَر: اندازه
 • قَدَر: توانست
 • قِشِر: پوست
 • قِصَص: داستان‌ها «مفرد: قِصَة»
 • قَصِيرَة: کوتاه
 • قَعَد: نشست
 • قُمَاش: پارچه
 • قَوْل: گفتار، سخن «جمع: أَقْوَال»
 • كَبُر: بزرگ شد
 • كَتَمَ: پنهان کردن
 • كَثُر: زیاد شد
 • كَلَا: هر دو

• حَضَرَ: حاضر شد
 • حَضَن: در آغوش گرفت
 • حَل: حل کرد
 • حُمَق: نادانی
 • خُول: پیرامون، اطراف
 • حُسْر: زیان
 • خَشِيَة: پروا
 • خَيَّر (يُخَيِّر): اختیار داد
 • دَافِع: دفاع کرد
 • دَرَس (يُدْرَس، تَدْرِيس): درس داد
 • دَعَا: مونث «دَعَا» (دعوت کرد)
 • ذَات يَوْم: یک روز، روزی
 • ذَم: سرزنش کردن
 • ذُنَاب: گرگ‌ها «مفرد: ذُنَب»
 • رَاخ (يَرُوخ): رفت
 • رَجَعَ: بازگشت
 • رَخَص: ارزان شد
 • رِداء: روپوش بلند و گشاد روی دیگر جامه‌ها
 • الرِّصِيد: شارژ
 • رِضَاعَة: شیرخوارگی
 • رُوح: مهربانی، رحمت
 • سَأَلَ: درخواست کرد
 • سَجَد: سجده کرد
 • سِر: راز «جمع: أَسْرَار»
 • سَلَّمَ: سلام کرد
 • سَن: سال، سن، دندان
 • سَنِين: سال‌ها «مفرد: سَنَة»
 • سَهَر: بیدار ماند
 • شَارَكْتُ: شرکت کردم
 • شَجَّع: تشویق کرد
 • شَدِيدُ التَّعَلُّق: بسیار وابسته
 • شَرَاء: خریدن
 • شِمَال: چپ
 • شَيْخ: پیرمرد، پیشوا «جمع: شُيُوخ»
 • صَار: شد
 • صَالِحٌ لِلْأَكْلِ: قابل خوردن
 • صَدَّق: باور کرد
 • صَدِيق: دوست «جمع: أَصْدِقَاء»
 • صَغُر: کوچک شد
 • صُلَب: سخت و سفت
 • ضَاق: تنگ شد
 • ضَع: قرار بده (فعل امر از «وَضَعَ»)

واژه‌های مترادف

• اِمْتِحَان = اِختِبَار (آزمایش)
 • اَمَل = رَجَا (امید داشت)
 • اِنَاء = وُعاء (ظرف)
 • اِنزَعَج = خَزِن (ناراحت شد)

• اَصْبَح = صَار (شد، گردید)
 • اَعْتَق = اَطْلَق = فَكَّت = خَرَّر (آزاد کرد)
 • اِعْزَاز = تَكْرِيم = تَبْجِيل (گرامی داشتن)
 • اَعْوَام = سَنِين (سال‌ها)

• اَحْسَن = اَفْضَل (برتر)
 • اِخْتَار = اِنْتَخَب (برگزید)
 • اُرْسِلْتُ = بُعِثْتُ (فرستاده (برانگیخته) شدم)
 • اَسْرَعَ = عَجَل (شتافت)



• قَعَدَ = جَلَسَ (نشست)	• شَيْخ = عَجُوز (پیرمرد)	• انْفَضَّ = تَفَرَّقَ (پراکنده شد)
• قَوْل = كَلَام = حَدِيث (سخن)	• صَارَ = أَصْبَحَ (شد)	• تَفَقَّهَ = تَعَلَّمَ (آگاه شد، یاد گرفت)
• كَيْتَمَان = إِخْفَاء = سِتْر (پنهان کردن)	• ضَبِيح = وَلَد = طِفْل (فرزند)	• تَنَاوَلَ = أَكَلَ (خوردن)
• لَعِبَ = لَهْو (بازی، سرگرمی)	• ضَلَب = تَدِيد = مَرُصُوص (سخت، محکم)	• ثَمَر = فَاكِهَة (میوه)
• مَا مِنْ = لَا نَفِي جَنْس (هیچ ... نیست)	• غَرَسَ = فَسِيلَة (نهال)	• خَشِيَة = خَوْف = تَقْوَى (ترس، پروا)
• مَرَّ = غَبَرَ = مَضَى (گذر کرد، عبور کرد)	• غَرَسَ = زَرَعَ (کاشت)	• دَاء = مَرَض (بیماری)
• مُعَزَّز = مُكْرَم (گرامی، بااحترام)	• فَاضَ = اِمْتَلَأَ (لبریز شد، پُر شد)	• دَعَا = نَدَبَ (فراخواند)
• هَالِك = فَانِي (نابودشونده، فناپذیر)	• فَلَاح = مُزَارِع = زَارِع (کشاورز)	• ذَهَبَ = رَاخ (رفت)
• هِجْرَة = رِحْلَة (کوچ کردن)	• قَاتَلَ = حَارَبَ (جنگید)	• رُجُوع = عَوْدَة (برگشتن)
	• قَدَرَ = اِسْتَطَاعَ (توانست)	• رَدَاء = عِبَاء (روپوش بلند و گشاد)
	• قَشَرَ = جِلْدَ (پوست)	• زَوْح = زَحْمَة (مهربانی، رحمت)

واژه‌های متضاد

• غَلِيظُ الْقَلْبِ (سنگدل) ≠ خَنَوْن، خَنَانَة (مهربان، بسیار مهربان)	• حَزْ (آزاد) ≠ عَبْد، أَسِير (بنده، اسیر)	• اِبْتَعَدَ (دور شد) ≠ اِقْتَرَبَ (نزدیک شد)
• فَاضَ (لبریز شد) ≠ فَرَغَ (خالی شد)	• خَزَنَ، اِنزَعَجَ (ناراحت شد) ≠ فَرِحَ (خوشحال شد)	• اِنْتَسَعَ (فراخ شد) ≠ ضَاقَ (تنگ شد)
• قَعَدَ، جَلَسَ (نشست) ≠ نَهَضَ، قَامَ (بلند شد، برخاست)	• خُسِرَ (زیان) ≠ نَفَعَ (سود)	• اَخَذَ (گرفت) ≠ اَعْطَى، مَنَحَ (داد، عطا کرد)
• كَبُرَ (بزرگ شد) ≠ صَغُرَ (کوچک شد)	• رَخِصَ (ارزان شد) ≠ غَلَا (گران شد)	• اُدْخَلَ (وارد کرد) ≠ اَخْرَجَ (خارج کرد)
• لَانَ (نرمی کرد) ≠ قَفَظَ (تندخوبی کرد)	• سَهَرَ (بیدار ماند) ≠ نَامَ (خوابید)	• اُعْتَقَ (آزاد کرد) ≠ اَسْرَ (اسیر کرد)
• لَيِّنَ (نرم) ≠ ضَلَبَ (سفت و سخت)	• شَرَاءَ (خریدن) ≠ بَيْعَ (فروختن)	• اِفْاَقَمَ (ماندن) ≠ ذَهَابَ (رفتن)
• هَالِك (نابودشونده) ≠ باقِي (ماندگار)	• شِمَال (چپ) ≠ يَمِين (راست)	• اَمَل (امید داشت) ≠ يَئِسَ (ناامید شد)
• تِنَقَّضَ (کم می‌شود) ≠ يَكْتُمُ (زیاد می‌شود)	• شَيْخ (پیر) ≠ يَافِعَ، فَتَى، شَاب (جوان)	• اِنْفَضَّ (پراکنده شد) ≠ تَجَمَّعَ (جمع شد)
	• غَرَسَ (کاشت) ≠ خَصَدَ (درو کرد)	• جَاءَ (آمد) ≠ ذَهَبَ، رَاخ (رفت)

جمع‌های مکسر

• فَسَائِل ← فَسِيلَة (نهال)	• أَفْرَاس ← فَرَس (اسب)	• آبَار ← بَثَر (چاه)
• فُسَاتِين ← فُسْتَان (پیراهن زنانه)	• أَقْوَال ← قَوْل (سخن)	• اَبْنَاء، تَبْنِين ← اِبْن (فرزند)
• فَوَاكِه ← فَاكِهَة (میوه)	• أَقْوَام ← قَوْم (قوم، مردم)	• اَنْمَار، ثِمَار ← ثَمَر (میوه)
• قَبَائِل ← قَبِيلَة (قبیله)	• أَكَابِر ← أَكْبَر (بزرگ‌تر)	• اَجْدَاد ← جَدّ (نیاکان، پدر بزرگ)
• قِصَص ← قِصَة (داستان)	• أَمَاكِن ← مَكَان (مکان)	• أَجُور ← أَجْر (مزد، پاداش)
• قِطَع ← قِطْعَة (تکه)	• أَمْرَاء ← أَمِير (فرمانده)	• أَجَبَة، أَجَبَاء ← حَبِيب (یار)
• قُلُوب ← قَلْب (دل، قلب)	• أَنْبِيَاء ← نَبِيّ (پیامبر)	• أَحْجَار ← حَجَر (سنگ)
• كُتُب ← كِتَاب (کتاب)	• أَوْعِيَة ← وِعَاء (ظرف)	• أَحْرَار ← حُرّ (آزاده)
• كِلَاب ← كَلْب (سگ)	• أَيْدِي ← يَد (دست)	• أَخْلَاق ← خُلُق (خوی)
• مَجَالِس ← مَجْلِس (جایگاه)	• تَعَالِيم ← تَعْلِيم (آموزش)	• إِخْوَان، إِخْوَة ← أَخ (برادر)
• مَحَارِم ← مَحْرَم (حرام)	• جُذُوع ← جَذَع (تنه)	• أَسْئَلَة ← سُؤْال (پرسش)
• مَسَائِل ← مَسْأَلَة (مسئله)	• جُهَال ← جَاهِل (نادان)	• أَسْرَار ← سِرّ (راز)
• مَسَاجِد ← مَسْجِد (مسجد)	• ذُنَاب ← ذَنْب (گرم)	• أَسُود ← أَسَد (شیر)
• مَصَادِر ← مَصْدَر (منبع)	• رُسُل ← رَسول (فرستاده)	• أَشْجَار ← شَجَر (درخت)
• مَكَاتِب ← مَكْتَبَة (کتابخانه)	• سُبُل ← سَبِيل (راه)	• أَصْدِقَاء ← صَدِيق (دوست)
• مَلَائِكَة ← مَلَك (فرشته)	• سُرَاوِيل ← سِرْوَال (شلوار)	• أَطْفَال ← طِفْل (کودک)
• مَلَايِب ← مَلْعَب (ورزشگاه)	• شَبَاب ← شَاب (جوان)	• أَعْدَاء ← عَدُوّ (دشمن)
• مُلُوك ← مَلِك (پادشاه)	• شُيُوخ ← شَيْخ (پیرمرد، پیشوا)	• أَعْوَام ← عَام (سال)
• نُفُوس، أَنْفُس ← نَفْس (نفس)	• طُلَّاب ← طَالِب (دانش‌آموز)	• أَعْيُن، غَيُون ← غَيْن (چشم)
• نَقُوش ← نَقْش (کنده‌کاری)	• عَجَائِز ← عَجُوز (پیرمرد، پیرزن)	• أَغْرَاس ← غَرَس (نهال)
	• غُلُوم ← عِلْم (دانش)	• أَفْاضِل ← أَفْضَل (برتر، برترین)
	• غُصُون، أَغْصَان ← غُصْن (شاخه)	• أَفْرَاد ← فَرْد (فرد، شخص)

کتابنامه

ثلاث قصص قصيرة (بمصرف): سه داستان کوتاه (باتغییر)

﴿ قَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْهُمْ فَظُلُمَاتٌ لَلْغُلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ... ﴾ (آل عمران: ۱۵۹)
ج.م فعل ج.م فعل ناقصه اسم کان خبر کان م.الیه فعل ج.م م.الیه

ترجمه پس به [برکت] رحمتی از سوی خدا با آنان نرمخو شدی، و اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌گمان از اطرافت پراکنده می‌شدند.

کالبر شکافی: نوع «ما» در اینجا موصول است. • «لِنْتَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و لازم است.
• حرف «ک» برای تأکید است. • «انْفَضُّوا» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «انْفِعال» و لازم است.
لغات مشابه: «قَطَّ: تندخو» / «فِضَّة: نقره» / «انْقَضَّ: پراکنده شد»

۱- إِحْتِرَامُ الْأَطْفَالِ

ترجمه احترام به کودکان

کالبر شکافی: «إِحْتِرَامُ» مصدر ثلاثی مزید از باب «إِفْتِعَال» است.

ذات یوم کان رجُلٌ جالِساً عندَ رسولِ اللهِ (ﷺ). وَ بَعْدَ لَحَظَاتٍ جَاءَ ابْنُکُهُ وَسَلَّمٌ عَلَی النَّبِیِّ (ﷺ):
قید م.الیه فعل ناقصه اسم کان خبر کان قید م.الیه فعل م.الیه فعل ج.م

ترجمه روزی مردی نزد رسول خدا نشسته بود و بعد از لحظاتی، پسرش آمد و به پیامبر (ﷺ) سلام کرد:

کالبر شکافی: «جالِساً» اسم فاعل ثلاثی مجرد است. • «عِنْدَ» اسم است و حرف جر نیست. • «جاءَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و لازم می‌باشد.
• «سَلَّمَ» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تَفْعیل» و لازم است.

ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ الْإِیدِ، فَقَبَّلَکَ الْأَبُ وَأَجْلَسَکَ عِنْدَهُ. فَرِخَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) مِنْ عَمَلِهِ.
فعل قید م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه فعل م.الیه

ترجمه سپس به سوی پدرش رفت؛ پس پدر، او را بوسید و وی را نزد خودش نشاند. رسول خدا از کار او خوشحال شد.

کالبر شکافی: «راحَ» و «قَرِخَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و لازم هستند.

• «قَبَّلَ» و «أَجْلَسَ» هر دو فعل ماضی، ثلاثی مزید و متعدی هستند که اولی از باب «تَفْعیل» و دومی از باب «إِفْعَال» است.

و بَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بَنَّتُهُ، وَسَلَّمَتْ عَلَی النَّبِیِّ (ﷺ)، ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ الْإِیدِ هَا. أَمَّا الْوَالِدُ فَلَمْ یُقَبِّلْهَا وَلَمْ یُجْلِسْهَا عِنْدَهُ.
قید م.الیه فعل فاعل م.الیه فعل قید م.الیه مبتدا فعل و فاعل مفعول قید م.الیه

ترجمه و کمی بعد، دخترش آمد و به پیامبر سلام کرد؛ سپس به سوی پدرش رفت، اما پدر، او را نبوسید و او را نزد خودش ننشاند.

کالبر شکافی: «يُقَبِّلُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفْعیل» و متعدی است؛ ضمناً «لَمْ یُقَبِّلْ» خبر برای «الوالد» است.
• «يُجْلِسُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» و متعدی است.

فَانْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) وَقَالَ: «لِمَ تُفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِکَ؟!»
فعل فاعل م.الیه فعل ج.م فعل قید م.الیه

ترجمه پس پیامبر خدا آزاده شد و فرمود: «چرا میان کودکان فرق می‌گذاری؟»

کالبر شکافی: «انْزَعَجَ» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «انْفِعال» و لازم است.
• «قَالَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و متعدی است.

• «لِمَ» سؤالی است نه منفی (لَمْ) و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نکرده است.

• «تُفَرِّقُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفْعیل» و لازم است.

نَدِمَ الرَّجُلُ وَأَخَذَ یَسَدَ بَنَّتِیْهِ وَقَبَّلَکَ هَا وَأَجْلَسَکَ عِنْدَهُ.
فعل فاعل فعل و فاعل مفعول م.الیه فعل و فاعل مفعول قید م.الیه

ترجمه مرد پشیمان شد و دست دخترش را گرفت و آن را بوسید و او را نزد خود نشاند.

کالبر شکافی: «نَدِمَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و لازم است. • «أَخَذَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و متعدی است.

۲- الشَّيْمَاءُ بِنْتُ خَلِیمَةَ

ترجمه شیما - دختر حلیمه -

۱. در این آیه، حرف «ما» راند است؛ البته یادگیری آن برای شما واجب نیست.



ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. (رسول الله ﷺ)

نفی ج.م فعل و فاعل مفعول فعل فاعل ج.م م مفعول م.الیه فعل ج.م م.الیه وابسته

ترجمه هیچ مردی (انسانی) نیست که نهالی را بکارد مگر اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه آن نهال (درخت) بیرون می آید، برایش پاداش نوشته است.

کالبد شکاف: «ما مِنْ» معادل «لا» نفی جنس است. (هیچ... نیست) • «يَغْرِسُ» جمله وصفیه برای «رَجُلٍ» است. • «كَتَبَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و متعدی می باشد. • «يَخْرُجُ» فعل مضارع، ثلاثی مجرد و لازم است.

هُمَا يَغْرِسانِ فَسَائِلٌ فِي بَدَايَةِ حَيَاتِهِمَا الْجَدِيدَةِ.

مبتدا فعل و فاعل مفعول ج.م م.الیه م.الیه صفت

ترجمه آن ها در آغاز زندگی جدیدشان، نهال هایی می کارند.

کالبد شکاف: «يَغْرِسانِ» فعل مضارع، ثلاثی مجرد و متعدی است؛ ضمناً خبر برای «هُمَا» می باشد.

حل و بررسی تمرین

تمرین متن درس

حَوَّلَ النَّصَّ

أ) أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنُّصِّ.

فعل و فاعل ج.م صفت حال ج.م

ترجمه با کمک متن، به سؤالات زیر پاسخ بده.

۱- مَا قَالَتْ الشَّيْمَاءُ لِلْمُسْلِمِينَ حِينَ وَقَعَتْ فِي الْأَسْرِ؟

ترجمه شیما وقتی در اسارت افتاد (اسیر شد)، به مسلمانان چه گفت؟

پاسخ «إِنِّي لَأُحِبُّ النَّبِيَّ (ﷺ) مِنَ الرُّضَاعَةِ»

ترجمه همانا من خواهر هم شیر پیامبر هستم.

۲- كَمْ دِينَارًا أَمَرَ أَنْوَشُ رَوَّانُ أَنْ يُعْطَى الْفَلَاحُ فِي النَّهَائَةِ؟

ترجمه در نهایت انوشیروان دستور داد که چند دینار به کشاورز داده شود؟

پاسخ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَاحُ أَلْفَ دِينَارٍ.

ترجمه دستور داد به کشاورز هزار دینار داده شود.

۳- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ انْتَزَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ)؟

ترجمه رسول خدا از چه چیزی آورده شد؟

پاسخ مِنْ فِعْلِ رَجُلٍ لَمْ يَقْبَلْ بَنَتَهُ وَلَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ وَفَرَّقَ بَيْنَ أَطْفَالِهِ.

ترجمه از کار مردی ناراحت شد که دخترش را نبوسید و نزد خودش ننشاند و بین فرزندان فرق گذاشت.

۴- مَاذَا كَانَ يَغْرِسُ الْفَلَاحُ الْعَجُوزُ؟

ترجمه کشاورز پیر چه چیزی می کاشت؟

پاسخ فَسِيلَةَ جَوْزٍ **ترجمه** نهال گردویی

۵- مَنْ قَتَلَ الْوَالِدَ فِي الْبِدَايَةِ؟

ترجمه پدر در ابتدا، چه کسی را بوسید؟

پاسخ ابْنَهُ **ترجمه** پسرش

۶- مَنْ هِيَ الشَّيْمَاءُ؟

ترجمه شیما کیست؟

پاسخ أُحِبُّ النَّبِيَّ مِنَ الرُّضَاعَةِ

ترجمه خواهر هم شیر پیامبر

ب) عَيْنِي الصَّحِيحَ وَالْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف قيد م.اليه

ترجمه درست و نادرست را براساس حقیقت مشخص کن.

۱- دَعَتِ الشَّيْمَاءُ قَبِيلَتَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْدَ أَنْ أَعْتَقَهَا النَّبِيُّ (ﷺ). ✓

فعل فاعل مفعول م.اليه ج.م قيد فعل مفعول فاعل

ترجمه شیماء بعد از اینکه پیامبر او را آزاد کرد، قبیله خود را به اسلام دعوت کرد.

کالبر شکافی: «دَعَتِ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و متعدی است. • «أَعْتَقَ» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» و متعدی است.

۲- لَوْ كَسَانِ النَّبِيُّ (ﷺ) فَظْلًا لَأَنْقَضَ النَّاسُ مِنْ خَوْلِهِ. ✓

فعل ناقصه اسم «كان» خبر «كان» فعل فاعل ج.م م.اليه

ترجمه اگر پیامبر تندخو بود، قطعاً مردم از اطرافش پراکنده می شدند.

کالبر شکافی: حرف «لَ» در «لَأَنْقَضَ» برای تأکید آمده است. • «أَنْقَضَ» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إنفعال» و لازم است.

۳- أَلْاهْتِمَامُ بِغَرْسِ الْأَشْجَارِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ فَرْسٍ مِنَّا. ✓

مبتدا ج.م م.اليه خبر ج.م م.اليه

ترجمه توجه به کاشتن درختان بر هر فردی از ما واجب است.

کالبر شکافی: «إهتمام» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفتعال» است. • «واجب» اسم فاعل ثلاثی مجرد است. • «مِنَّا» مخفف «مِنْ + نا» است. • «غرس» مصدر ثلاثی مجرد است، آن را با فعل ماضی اشتباه نگیرید.

وزن های «فَعْلٌ»، «فَعَّلٌ» و «فَعَّلَ» فعل ماضی نیستند. مثال: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ ← «نَصْرٌ» برون «فَعْلٌ» و مصدر است نه فعل ماضی.

۴- كَسَانُ أَنْوَشِشِرَوَانَ أَخَذَ مُلْسُوكَ إِيرَانَ قَبْلَ مِئَةِ سَنَةٍ. ✗

فعل ناقصه اسم «كان» خبر «كان» م.اليه م.اليه قيد م.اليه م.اليه

ترجمه انوشیروان صد سال پیش، یکی از پادشاهان ایران بود.

کالبر شکافی: «أنوشیروان» اسم معرفه به علم است.

۵- تُثْمِرُ شَجَرَةُ الْجَوْزِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ عَادَةً. ✗

فعل فاعل م.اليه قيد م.اليه قيد

ترجمه درخت گردو معمولاً پس از دو سال میوه می دهد.

۶- كَسَانِ النَّبِيُّ (ﷺ) يُجِيبُ الْأَطْفَالَ. ✓

فعل ناقصه اسم «كان» فعل و فاعل مفعول

ترجمه پیامبر کودکان را دوست می داشت.

کالبر شکافی: «يُجِيبُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال» و متعدی است، ضمناً خبر برای «كان» است. • «كَانَ ... يُجِيبُ» دوست می داشت» طبق ساختار [كان + مضارع: ماضی استمراری] ترجمه می شود.

اختیار نفسک (۱)

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ.

فعل و فاعل مفعول صفت فعل و فاعل مفعول معطوف ج.م

ترجمه عبارت های زیر را ترجمه کن؛ سپس مستثنی و مستثنی منه را مشخص کن.

۱- ﴿... كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...﴾ (الْقَصص: ۸۸)

مبتدا م.اليه خبر مستثنی م.اليه

ترجمه هر چیزی نابود شدنی است به جز ذات او (خدا).

پاسخ «وجه» مستثنی و «كُلُّ شَيْءٍ» مستثنی منه است.

کالبر شکافی: «هَالِكٌ» اسم فاعل ثلاثی مجرد است.

اگر قبل از اسمی که «مستثنی منه» است، کلمات «كُلُّ»، بعض، جميع، أحد، أنواع و أعداد» بیایند، هر دوی آن ها را با هم

«مستثنی منه» در نظر می گیریم.

مثال: رَجَعَ جَمِيعُ الطُّلَابِ مِنَ الْمَكْتَبَةِ إِلَّا حَامِداً.

مستثنی منه مستثنی





التَّمْدِينُ الْأَوَّلُ

إِنِخْتُ عَنْ كَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ فِي مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

فعل ج م صفت ج م صفت ج م مآليه

ترجمه در واژه نامه درس، به دنبال یک کلمه مناسب برای توضیحات زیر بگرد.

۱- ضَبُّ قَبْلُ بِنِّ الْبُلُوغِ.

قید م.آليه م.آليه

ترجمه پسری قبل از سن بلوغ

پاسخ «الأمرء: پسر نوجوان»

۲- جَعَلْنَاهُ خُرّاً وَ أَخْرَجْنَاهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ.

فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ فعل مفعول ج م

ترجمه او را آزاد ساخت و از بندگی درآورد.

پاسخ «أعتق: آزاد کرد»

کالبد شکاف: «جَعَلَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد و متعدی است. ضمناً جزو افعال دومفعولی می باشد.

• «أَخْرَجَ» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» و متعدی است.

۳- الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِّ.

معتوف صفت ج م

ترجمه مرد یا زن بزرگسال (پیر)

پاسخ «العَجُوز: پیرمرد یا پیرزن»

۴- قِطْعَةٌ مِنْ قُمَاشٍ يُلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعَبَاءَةِ.

ج م فعل مجهول قید م.آليه ج م

ترجمه تکه ای از یک پارچه که مانند عبا روی لباس ها پوشیده می شود.

پاسخ «الرِّدَاء: عبا، روپوش»

کالبد شکاف: «يُلْبَسُ» فعل مضارع مجهول، ثلاثی مجرد و متعدی است؛ ضمناً جمله وصفیه می باشد.

۵- ثَمَرَةٌ قِشْرُهَا صُلْبٌ وَ غَيْسُرُهَا صَالِحٌ لِلْأَكْلِ، يُكْسَرُ لِتَنَاوُلِهَا.

مبتدا م.آليه خبر معتوف م.آليه ج م فعل مجهول ج م م.آليه

ترجمه میوه ای که پوستش سفت است و قابل خوردن نیست، [و] برای خوردنش شکسته می شود.

پاسخ «الجَوَز: گردو»

کالبد شکاف: «الأكْل» مصدر ثلاثی مجرد است.

• جمله اسمیه «قِشْرُهَا صُلْبٌ» جمله وصفیه می باشد.

• «يُكْسَرُ» فعل مضارع مجهول، ثلاثی مجرد و متعدی است.

• «تَنَاوُل» مصدر ثلاثی مزید از باب «تفاعل» است.

التَّمْدِينُ الثَّانِي

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ؛ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْخَفَاءِ.

ترجمه متن زیر را بخوان؛ سپس ترجمه کلمات قرمز رنگ را مشخص کن.

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) فِي مَسْجِدٍ. كَانَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ.

فعل فاعل مآليه ج م فعل ناقصه ج م (خبر، کان) اسم کان

ترجمه پیامبر خدا (ﷺ) وارد مسجدی شد. دو گروه در آن مسجد بودند.

کالبد شکاف: «دَخَلَ» فعل ماضی، ثلاثی مجرد، لازم است.

• «مَسْجِد» بر وزن «مَفْعِل» و اسم مکان است.



۵- اُكْتُبْ مُتَرَادِفَ «جَلَسَ» وَ «بُعِثْتُ» وَ «أَحْسَنُ» فِي النَّصِّ.

ترجمه مترادف «جَلَسَ» و «بُعِثْتُ» و «أَحْسَنُ» در متن را بنویس.

پاسخ «جَلَسَ» = قَعَدَ (نشست) / «بُعِثْتُ» = أُرْسِلْتُ (فرستاده شدم) / «أَحْسَنُ» = أَفْضَلُ (بهتر)

۶- اُكْتُبْ جَمْعَ التَّكْسِيرِ لِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ: «رَسُولٌ» وَ «جَاهِلٌ» وَ «أَفْضَلٌ» وَ «تَعْلِيمٌ».

ترجمه جمع مکسر این اسم‌ها را بنویس: «رَسُولٌ» و «جَاهِلٌ» و «أَفْضَلٌ» و «تَعْلِيمٌ».

پاسخ رُسُل - جُهَال - أَفْضِل - تَعَالِيم

التَّمْدِينُ الثَّالِثُ

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ مَعَ تَيَانِ السَّبَبِ.

فعل و فاعل مفعول صفت ج.م ماله قید م.اليه م.اليه

ترجمه در هر مجموعه، کلمه بیگانه را با بیان دلیل مشخص کن.

- ۱- أَلْبَابُ ☐ السَّابُ ☐ الْأَمْرَدُ ☐ الْعَجُوزُ ☐ الْوَعَاءُ ☒
(جوان کم سن و سال) (جوان) (پسر نوجوان) (پیرمرد و پیرزن) (ظرف)

پاسخ «الْوَعَاءُ»: ظرف، برخلاف بقیه کلمات، بیانگر «سن و مراحل عمر انسان» نمی باشد.

- ۲- الرِّصِيدُ ☒ الرِّدَاءُ ☐ الْفُسْتَانُ ☐ الْقَمِيصُ ☐ السَّرْوَالُ ☐
(شارژ) (روپوش بلند) (پیراهن زنانه) (پیراهن) (شلوار)

پاسخ «الرِّصِيدُ»: شارژ، مانند بقیه، نوعی «لباس» محسوب نمی شود.

- ۳- الْأَفْرَاسُ ☐ الْقَصِيرُ ☒ الْكِلَابُ ☐ الْكُنَابُ ☐ الْأُسُودُ ☐
(اسب‌ها) (کوتاه) (سگ‌ها) (گرج‌ها) (شیرها)

پاسخ «الْقَصِيرُ»: کوتاه، مانند بقیه کلمات، نوعی «حیوان» محسوب نمی شود.

- ۴- الْأَخُوَّةُ ☐ الْأَقْمِهَاتُ ☐ الْأَجْدَادُ ☐ الْأَبَارُ ☒ الْأَخَوَاتُ ☐
(برادران) (مادران) (اجداد) (چاه‌ها) (خواهران)

پاسخ «الْأَبَارُ»: چاه‌ها، مانند بقیه کلمات، مربوط به «خانواده و اعضای آن» نیست.

■ لغات مشابه: «الْأَبَارُ»: چاه‌ها / «الْأَبَاءُ»: پدران

- ۵- الْقِشْرُ ☐ الْفَطْ ☒ الْجَدْعُ ☐ الْغُضْنُ ☐ الْقَمْرُ ☐
(پوست) (تندخو) (تنه) (شاخه) (میوه)

پاسخ «الْفَطْ»: تندخو، مانند بقیه کلمات درباره «قسمت‌های مختلف یک گیاه (درخت)» نیست و صفت محسوب می شود.

- ۶- الْفُسْتَقُ ☐ الْجَوْزُ ☐ النَّوْمُ ☒ الْعَنْبُ ☐ الْتَفَاحُ ☐
(پسته) (گردو) (خواب) (انگور) (سیب)

پاسخ «النَّوْمُ»: خواب، مانند بقیه کلمات «نوعی میوه» محسوب نمی شود.

التَّمْدِينُ الرَّابِعُ

ضَمِّعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف ج.م ماله صفت

(عَلَا / الشُّرَاءُ / اِئْتَسَعَ / قَدَّرَ / آدَاءَ / الصَّبِيَّ / رَاغَ / الْأَعْوَامَ / أَعْطَى / الرُّوحَ / صَارَ / الشُّمَالُ / الْبَيْعَ / رَخَّصَ / ذَهَبَ / السُّنَيْنَ / أَصْبَحَ / الرُّحْمَةَ / الْيَمِينَ / الْمَرَضَ / اِسْتَطَاعَ / أَحَدَ / الْوَلَدَ / ضَاقَ)

ترجمه واژگان مترادف و متضاد را در جای مناسبشان قرار بده.

پاسخ «عَلَا» (گران شد) = «رَخَّصَ» (ارزان شد) / «الشُّرَاءُ» (خرید) = «البَيْعَ» (فروش) / «اِئْتَسَعَ» (گسترده شد) = «ضَاقَ» (تنگ شد) / «أَعْطَى» (داد) = «أَخَذَ» (گرفت) / «الشُّمَالُ» (چپ) = «الْيَمِينَ» (راست) / «قَدَّرَ» = «اِسْتَطَاعَ» (توانست) / «آدَاءَ» = «الْمَرَضَ» (بیماری) / «الصَّبِيَّ» = «الْوَلَدَ» (پسر) / «رَاغَ» = «ذَهَبَ» (رفت) / «الْأَعْوَامَ» = «السُّنَيْنَ» (سال‌ها) / «الرُّحْمَةَ» = «الرُّوحَ» (رحمت) / «صَارَ» = «أَصْبَحَ» (شد)



سؤالات امتحان

لغات (۱۹۴ سؤال)

(۳۷ سؤال)

ترجمة واژه

مشاوره: حُب دیگره همه می‌دونیم که **یک نمره** در امتحان نهایی از لغت سؤال داریم که **شامل اسم و فعل** می‌شود و قبل‌تر نیز اشاره کردیم که مراقب باشید ممکن است **شکل و بافت واژه را عوض کنند** و عیناً مثل کتاب ندهند، مثلاً از کلمه رَحُصْ ارزان شد» لغتِ «رَخِیصْ: ارزان» را بسازند، اما نکته مهمی که باید به آن دقت کنید، **نحوه لغت خواندن است**. خیلی از شما می‌آیید ابتدا تمام لغات درس را می‌خوانید و سپس به سراغ جملات کتاب می‌روید تا آن‌ها را بهتر بفهمید که کار اشتباهی است. بهترین روش این است که **اول جملات متن درس را بخوانید** و هر جا واژه‌ای جدید دیدید، به سراغ لغت‌نامه بروید و **در واقع توأمان و هم‌زمان** این کار را انجام دهید، چرا که صرف خواندن معنای لغت، منجر به ترجمه صحیح نمی‌شود.

۱ ترجم الکلمات الّتی تحتها خطّ:

۱۴۰۴. کانت لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) أَخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ.

۱۴۰۵. راحَ الْوَلَدُ يَوْمًا نَحْوَ وَالِدِهِ.

۱۴۰۶. أَرْسَلَ الرَّسُولُ الشَّيْمَاءَ إِلَى قَوْمِهَا بِاعْزَازٍ.

۱۴۰۷. عَيْنٌ فَاضَتْ مِنَ الرَّجَاءِ.

۱۴۰۸. كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ.

۱۴۰۹. عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ لَيْسَتْ بِاَكِيَّةٍ.

۱۴۱۰. شَاهَدْتُ يَوْمًا فَلَاحًا يَغْرِسُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ.

۱۴۱۱. مَرَّتِ الْأَيَّامُ حَتَّى وَقَعَتِ الشَّيْمَاءُ أُسَيْرَةً بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ.

۱۴۱۲. غَرَسَ الْآخَرُونَ أَشْجَارًا فَأَكَلْنَا مِنْ ثَمَارِهَا.

۱۴۱۳. عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

۱۴۱۴. الشَّيْمَاءُ كَانَتْ تَحْضُنُ النَّبِيَّ صَغِيرًا.

۱۴۱۵. قِشْرُ ثَمَرَةٍ بَعْضِ الْأَشْجَارِ صُلْبٌ.

۱۴۱۶. ﴿بِمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾

۱۴۱۷. عَرَفَ الرَّسُولُ الشَّيْمَاءَ فَأَكْرَمَهَا.

۱۴۱۸. أَقْرَأُ الْكُتُبَ التَّارِيخِيَّةَ إِلَّا مَصَادِرَهَا.

۱۴۱۹. عِنْدَمَا شَاهَدَهَا بَسَطَ لَهَا رِدَاءَهَا.

۱۴۲۰. يَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا.

۱۴۲۱. مَا أَسْرَعَ إِنْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.

۱۴۲۲. أَتَأْمُلُ أَنْ تَعِيشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا؟

۱۴۲۳. طَلَبَ الْحَاجَّةُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ.

۱۴۲۴. قَعَدَ الرَّسُولُ (ص) مَعَهُمْ.

۱۴۲۵. لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَ الشَّيْمَاءِ وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) عَرَفَهَا.

۱۴۲۶. لِمَ تَفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟

۱۴۲۷. يَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا / حَتَّى أَرَاهُ يَافِعًا وَأَمْرًا

۱۴۲۸. ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾

۱۴۲۹. الْوَالِدُ لَمْ يَقْبَلْ بِنْتَهُ فَانْرَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص).

(معارف ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

(خرداد ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

(شهریور ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

(خرداد ۹۸)

(شهریور ۹۸ ریاضی و تجربی)

(شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۹۸)

(خرداد ۹۹)

(دی ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۹ ریاضی و تجربی)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۹)

پُرتکرار (دی ۹۸، شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۲)

(خرداد ۹۸)

۱۴۳۰. إِنَّ أَنْوَشِرَوَانَ كَانَ قَدْ شَاهَدَ شَجَرَةَ لَا تُثْمِرُ إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ.

۱۴۳۱. أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْفَسِيلَةَ لَا تُثْمِرُ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ؟

۱۴۳۲. أَعْتَقَ الرَّسُولُ (ص) أَخْتَهَا عِنْدَمَا وَقَعَتْ أُسِيرَةً.

۱۴۳۳. دَافَعَ الرَّجُلُ عَنْ أُسْرَتِهَا.

۱۴۳۴. الشَّيْمَاءُ كَانَتْ تُلَاعِبُ الرَّسُولَ صَغِيرًا.

۱۴۳۵. لَيْسَتْ مَوْجٌ حَاضِرُونَ بِدَقَّةٍ حَتَّى يُدْرِكُوا كَلَامَهُ.

(معارف ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۸)

(۳۴ سؤال)

شناخت مفرد و جمع مکسر



مشاوره: برای کسب نیم نمره این قسمت، اولاً **کادر جمع‌های مکسر** هر درس را به‌طور کامل بخوانید. ثانیاً **مراقب کلمات شبیه به هم باشید؛ مثلاً** جمع «أخ» می‌شود «إخوان» و «إخوة» و جمع «أخت» می‌شود «أخوات». ثالثاً دقت کنید که در امتحان نهایی اشتباهاً به‌جای جمع مکسر، در جای خالی، **جمع سالم ننویسید.**

۲) اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ الْجَمْعَ الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

(معارف ۱۴۰۲)

۱۴۳۷. الْعَجَائِزُ (المفرد):

۱۴۳۹. الْمَلَانِكَةُ (المفرد):

۱۴۴۱. الْفَسَائِلُ (المفرد):

۱۴۴۳. الْأَعْيُنُ (المفرد):

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

۱۴۴۵. التَّجَارِبُ (المفرد):

۱۴۴۷. الْقِشْرُ (الجمع المكسر): (خرداد ۱۴۰۰)

۱۴۴۹. التَّعْلِيمُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۱. الْمَلِكُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۳. الْأَسَدُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۵. الطُّفْلُ (الجمع المكسر):

۱۴۳۶. الْأَوْعِيَّةُ (المفرد):

۱۴۳۸. الرُّمَلَاءُ (المفرد):

۱۴۴۰. الْقِصَصُ (المفرد):

۱۴۴۲. الْأَغْرَاسُ (المفرد):

۱۴۴۴. الرُّسُلُ (المفرد):

۱۴۴۶. الْمَطَاعِمُ (المفرد):

۱۴۴۸. الْجَاهِلُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۰. الْمَصْدَرُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۲. الشَّيْخُ (الجمع المكسر):

۱۴۵۴. الذَّنْبُ (الجمع المكسر):

۳) اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

۱۴۵۶. مفرد «المَلَابِسُ»:

۱۴۵۷. جمع «الْفَرَسُ»:

۱۴۵۸. جمع «الذَّنْبُ»:

۱۴۵۹. جمع «الْمَحْرَمُ»:

۱۴۶۰. مفرد «الثَّمَارُ»:

۱۴۶۱. مفرد «الأجداد»:

۱۴۶۲. مفرد «المَسَائِلُ»:

۱۴۶۳. جمع «السَّائِحُ»:

۱۴۶۴. جمع «الشَّيْخُ»:

۱۴۶۵. مفرد «الأعوام»:

۱۴۶۶. مفرد «المَلَاعِبُ»:

۱۴۶۷. مفرد «السَّنِينُ»:

۱۴۶۸. جمع «العزیز»:

۱۴۶۹. جمع «الأخت»:

☐ الف (اللباس)

☐ الف (الفرس)

☐ الف (الذئاب)

☐ الف (المحارم)

☐ الف (الإثمار)

☐ الف (الجذ)

☐ الف (المسألة)

☐ الف (السائح)

☐ الف (المشايع)

☐ الف (العم)

☐ الف (اللعب)

☐ الف (السنة)

☐ الف (الإعزاز)

☐ الف (الإخوة)

☐ ب (الملبس)

☐ ب (الأفراس)

☐ ب (الأذئاب)

☐ ب (الأحرام)

☐ ب (الثمر)

☐ ب (الجذ)

☐ ب (السؤال)

☐ ب (السائح)

☐ ب (الشيوخ)

☐ ب (العام)

☐ ب (الملعب)

☐ ب (السنة)

☐ ب (الأعزاز)

☐ ب (الأخوات)

(معارف ۹۹)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)



مشاوره: ۷۵/ از این قسمت سؤال دارید که حُب طبیعتاً کادر متضادها و مترادف‌های همین کتاب را می‌خوانید، اما یک نکته جدید و کلیدی: **رابطه متضاد و مترادف، بین دو اسم یا دو فعل برقرار است** نه بین یک اسم و یک فعل، پس مثلاً «يَكْتُمُ: زیاد می‌شود» با «القليل: کم» متضاد نیستند و یا «الصَّاحِك: خندان» با «ابْتَسَم: لبخند زد» مترادف نیست، ضمناً **مصدرها با صفت‌ها نمی‌توانند** رابطه ترادف و تضاد داشته باشند، مثلاً «الجَمال: زیبایی» با «الكرهيه: زشت» متضاد نیست و با «الكرهه: زشتی» تضاد دارد. به عنوان آخرین توصیه حواستان باشد که **فعل‌های ناگذر و گذرا نمی‌توانند با یکدیگر مترادف یا متضاد باشند**، مثلاً «إزداد: زیاد شد» با «أضاف: زیاد کرد» مترادف نیست و با «كثُر: زیاد شد» مترادف است.

۴. کَمَلِ الْفَرَاعَات:

الف. اِنْتِخِبِ الْمُتَرَادِفِ أَوِ الْمُتَضَادِّ مِنْ بَيْنِ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ (مفردتان زائدتان):

(إِنْفَضَ - إختَارَ - أعتَقَ - راحَ - غَلِيظُ القلبَ - الغرسَ - العجوزَ - جَمَعَ - الصُّغَرَ)

- | | |
|--------------------------|----------------------------|
| ۱۴۷۰. حَنُونٌ = | ۱۴۷۱. الْفَسِيلَةُ = |
| ۱۴۷۲. اِنْتَخَبَ = | ۱۴۷۳. تَجَمَّعَ = |
| ۱۴۷۴. حَزَرَ = | ۱۴۷۵. ذَهَبَ = |
| ۱۴۷۶. الشَّابُّ = | |

(خرداد ۱۴۰۲)

ب. اُكْتُبْ فِي الْفَرَاعِينَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ (کلمتان زائدتان):

(سَهَّلَ - الشِّفاءَ - الضَّمَّتْ - صَغَبَ - الصُّحَّةَ - عَدَّ)

- | | |
|---------------|---------------|
| ۱۴۷۷. = | ۱۴۷۸. = |
| ۱۴۷۹. = | ۱۴۸۰. = |

(شهریور ۹۸)

(خرداد ۹۹ معارف)

۵. اِجْعَلْ عَلَامَةَ التَّرَادِفِ أَوِ التَّضَادِّ بَيْنَ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ (=):

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱۴۸۱. يَغْلُو ○ بِرُخْصٍ | ۱۴۸۲. الصَّبِيُّ ○ الْوَلَدُ |
| ۱۴۸۳. الشُّمَالُ ○ الْيَمِينُ | ۱۴۸۴. أُعْطِيَ ○ أَخَذَ |
| ۱۴۸۵. ضَاقَ ○ اتَّسَعَ | ۱۴۸۶. فَاضَ ○ اِمْتَلَأَ |
| ۱۴۸۷. سَهَرَ ○ نَامَ | ۱۴۸۸. وَجَدَ ○ فَقَدَ |
| ۱۴۸۹. قَدَّرَ ○ اسْتَطَاعَ | |

(دی ۱۴۰۲)

۶. اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرَادِفِ وَ التَّضَادِّ:

- ۱۴۹۰. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «الْطُّفُولَةُ»:
- ۱۴۹۱. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «المُكْرَم»:
- ۱۴۹۲. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «اتَّسَعَ»:
- ۱۴۹۳. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «ظَنَّ»:
- ۱۴۹۴. الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «الإقامة»:
- ۱۴۹۵. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «غَلِيظُ الطَّلْع»:
- ۱۴۹۶. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «إختَارَ»:
- ۱۴۹۷. الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «مَدَح»:
- ۱۴۹۸. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «الفَلَّاح»:
- ۱۴۹۹. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «المسرور»:

- | | |
|---|---|
| ☐ الف (الصُّغَرَ) | ☐ الف (الصُّغَرَ) |
| ☐ الف (العزیز) | ☐ الف (العزیز) |
| ☐ الف (انْبَسَطَ) | ☐ الف (انْبَسَطَ) |
| ☐ الف (حَسِبَ) | ☐ الف (حَسِبَ) |
| ☐ الف (الإذهاب) | ☐ الف (الإذهاب) |
| ☐ الف (الفِضَّة) | ☐ الف (الفِضَّة) |
| ☐ الف (خَيَّرَ) | ☐ الف (خَيَّرَ) |
| ☐ الف (مَذْمُوم) | ☐ الف (مَذْمُوم) |
| ☐ الف (المُزَارِع) | ☐ الف (المُزَارِع) |
| ☐ الف (الْفَرَح) | ☐ الف (الْفَرَح) |

- ☐ ب (الصُّغَرَ)
- ☐ ب (المُعَزَّز)
- ☐ ب (ضَاقَ)
- ☐ ب (سَحَبَ)
- ☐ ب (الدَّهَاب)
- ☐ ب (الْفَطْ)
- ☐ ب (اِنْتِخَبَ)
- ☐ ب (ذَمَّ)
- ☐ ب (المُزَارِع)
- ☐ ب (الْفَرَح)

۱۵۰۰. الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «خُسْر»:

☐ الف (نافع)

☐ ب (نفع)

۱۵۰۱. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «بَنَى»:

☐ الف (حدَث)

☐ ب (صَنَعَ)

۱۵۰۲. الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «خُمُول» أَوْ «كَسَل»:

☐ الف (نَشِيط)

☐ ب (نَشَاط)

۱۵۰۳. عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ (كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً):

(العَجُوز - اليَمِين - الجُودَة - اليافِع - الحُسن)

الف) = ب) ≠

(خرداد ۱۴۰۰ معارف)

۱۵۰۴. عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(الْمَتَاع - الصَّبِي - جَاع - الْبِضَاعَة - اخْتَارَ - شَبِعَ)

الف) = ب) ≠

(شهریور ۱۴۰۱ معارف)

۱۵۰۵. اِنتَخِبْ كَلِمَةً مُرَادِفَةً أَوْ مُضَادَّةً لِمَا تَحْتَهُ خَطًّا:

الف) «سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَ رَاحَ نَحْوَ وَالِدِهِ فَقَبَّلَهُ الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ» مُرَادِفَةً ل: (جَاءَ - ذَهَبَ)

ب) «اِنْسَحَبَ الْعَدُوُّ فِي النَّهَايَةِ خَاسِرًا» مُضَادَّةً ل: (فَانِزًا - يَافِعًا)

۱۵۰۶. اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ:

(الرُّجُوع - الصُّحَّة - سَهَّلَ - الْعُودَة - الْمَرَض - رَاحَ)

الف) = ب) ≠

(دی ۱۴۰۲ معارف)

۱۵۰۷. عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ: «أَسِرَ الْمُسْلِمُونَ الشَّيْمَاءَ وَ اعْتَقَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص)»

(شهریور ۱۴۰۲)

۱۵۰۸. عَيِّنِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ:

«كُلُّ شَيْءٍ يَرُخَّصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ يَغْلُو»

(خرداد ۱۴۰۳ معارف)

۱۵۰۹. عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «يَبْكِي» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «يَقْدِرُ» فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ:

(خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی دهم)

«يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ الدَّلْفِينَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْفَرَ وَ يَضْحَكَ كَالْإِنْسَانِ»

الف) ≠ ب) =

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۱۵۱۰. عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(الْبَيْع - أَطِيبَ - الشُّرَاء - سَعَى - نَفَعَ - حَاوَلَ)

الف) = ب) ≠

(خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

۱۵۱۱. عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «أَسْفَلَ»: «الْكَيْفُ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ»

(شهریور ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

۱۵۱۲. عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «يَتَسَخَّرُ» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «فَرِحًا» فِي الْجُمْلَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ:

الف) «كُلُّ وِعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وِعَاءَ الْعِلْمِ» ب) «اِسْتَعْلَى الْفَلَاخُ فِي الْمَرْزَعَةِ مَسْرُورًا»

(سؤال ۲۳)

ترجمه تکنیکی لغات

مشاوره: مراقب کلمات شبیه به هم باشید، به ریزه کاری‌های قواعدی دقت کنید؛ مثلاً بدانید که ترجمه «إِضْرِبِي: بزن» با «إِضْرِبْنِي: مرا بزن» چه فرقی دارد؟ پس به‌طور کلی این تیپ، چالشی و حساس است و باید با مطالعه دقیق و کامل لغات و ساختارها وارد آن شوید.

۷. اِنتَخِبِ الْجَوَابَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْمُفْرَدَاتِ الْمُعَيَّنَةِ أَوْ الْعِبَارَاتِ:

۱۵۱۳. لِيَأْكُلَ مِنْ ثِمَارِهَا الْآخَرُونَ:

☐ ب) آیندگان

۱۵۱۴. تَعْرِفُ أَحِبَّائِي كُلَّهُنَّ:

☐ ب) دوستانم را همگی

۱۵۱۵. هَذِهِ تَجَارِبُ:

☐ ب) این‌ها تجربه هستند

۱۵۱۶. كُلُّ كِتَابٍ مُفِيدٌ:

☐ ب) هر

۱۵۱۷. أَحْسَنْتَ يَا شَيْخُ:

☐ ب) آفرین بر تو

☐ الف) دیگران

☐ الف) همه دوستانم را

☐ الف) این تجربه‌ها

☐ الف) همه

☐ الف) نیکی کردی



۱۵۱۸. أَهَمُّ الْكُتُبِ:	☐ الف) مهم ترین کتاب ها	☐ ب) به کتاب ها اهمیت می دهم
۱۵۱۹. أَيَّامُ الْعِيدِ الْجَمِيلَةِ:	☐ الف) روزهای عید زیبا	☐ ب) روزهای زیبای عید
۱۵۲۰. مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ:	☐ الف) سریع نیست	☐ ب) چقدر شتابان است
۱۵۲۱. هَذِهِ الْمَصَادِرُ مَوْثُوقَةٌ:	☐ الف) این منابع، مطمئن هستند	☐ ب) این ها، منابع مطمئن هستند
۱۵۲۲. غِذَاءُ الْجِسْمِ الْمُنَاسِبُ:	☐ الف) غذای جسم مناسب	☐ ب) غذای مناسب جسم
۱۵۲۳. أُخِثُ مِنَ الرِّضَاعَةِ:	☐ الف) شیرخواره	☐ ب) شیرخوارگی
۱۵۲۴. أَلْفُ الْعُلَمَاءِ:	☐ الف) هزار	☐ ب) تألیف کردند
۱۵۲۵. جَعَلْتُ اللَّحْمَ الْمَطْبُوعَ:	☐ الف) آشپزخانه	☐ ب) پخته شده
۱۵۲۶. لَا تَيَاسَى:	☐ الف) ناامید نشو	☐ ب) من را ناامید نکن
۱۵۲۷. رُوح:	☐ الف) روح	☐ ب) رحمت
۱۵۲۸. بِحَاجَةٍ:	☐ الف) نیازمند	☐ ب) نیاز
۱۵۲۹. قَبْلَهُ الْأَب:	☐ الف) قبول کرد	☐ ب) بوسید
۱۵۳۰. شَاهَدْتُ بِطَاقَةِ عَجِيبَةٍ:	☐ الف) کارت	☐ ب) با نیرو و توان
۱۵۳۱. الْإِسْتِقْبَالُ:	☐ الف) قبول کردن	☐ ب) به پیشواز رفتن
۱۵۳۲. اِعْلَمْ:	☐ الف) داناترین	☐ ب) بدان
۱۵۳۳. أَجْلَسُهُ عِنْدِي:	☐ الف) نشست	☐ ب) نشاند
۱۵۳۴. سَلَّمْتُ عَلَى النَّبِيِّ:	☐ الف) اسلام آورد	☐ ب) سلام کرد
۱۵۳۵. قِسْم:	☐ الف) تقسیم کرد	☐ ب) قسمتی

(۲۵ سؤال)

شناخت کلمه غریبه (نامرتب)



مشاوره: رایج ترین دام آموزشی در این قسمت استفاده از کلمات متشابه است! مثلاً «مَرَّ: تلخ» به «مَرَّ: گذشت» شباهت دارد؛ برای مثال در کلمات «عَبَّرَ - مَرَّ - مَضَى - مَرَّ» جواب «مَرَّ» است، زیرا بقیه به معنای «عبور کرد - رد شد - گذشت» هستند؛ ضمناً به تمرین های کتاب درسی در این باره دلخوش نباشید، چرا که در امتحان نهایی غالباً طراح، بین لغات مختلف ارتباط ایجاد می کند که کتاب درسی به آن ها توجه نکرده است؛ مانند مثالی که در بالا به آن اشاره کردیم.

عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ:

الف عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ التَّرْجُمَةِ:

۱۵۳۶. الْعُشُّ - الظَّائِرُ - الْفُنْدُقُ - الْفِرَاحُ:	(خرداد ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)	۱۵۳۷. الْيَافِعُ - الشَّابُّ - الْأَمْرَدُ - الْعَجُوزُ - الْوَعَاءُ:	(خرداد ۱۴۰۱)
۱۵۳۸. رَأَى - مَشْهَدَ - شَاهَدَ - نَظَرَ:		۱۵۳۹. الْوَاحِدُ - الْعِشْرِينَ - الْأَلْفُ - أَحَدُ:	
۱۵۴۰. الْيَافِعُ - الشَّابُّ - الْأَمْرَدُ - الْعَجُوزُ:		۱۵۴۱. الْفُنْدُقُ - الْجُوزُ - الْعِنَبُ - التَّفَاحُ - الرُّمَانُ:	
۱۵۴۲. النَّشَاطُ - التَّشْجِيعُ - الْحَمْدُ - الْمَدْحُ:		۱۵۴۳. الرُّعْبُ - الْخَوْفُ - الْأَقْدَمُ - الْخَشْيَةُ:	
۱۵۴۴. اللَّهُو - الْفَرْحُ - التَّفَقُّةُ - اللَّعِبُ:		۱۵۴۵. الْأَمْرَدُ - الْعَجُوزُ - الرِّضَاعَةُ - الشَّيْخُ:	(خرداد ۱۴۰۳ معارف)
۱۵۴۶. الْأَفْرَاسُ - الْقَصِيرُ - الْكِلَابُ - الذُّنَابُ - الْأَسْوَدُ:			پرتکرار (شهریور ۹۹ دی ۱۴۰۰)
۱۵۴۷. الْقِشْرُ - الْفَقْطُ - الْجَذَعُ - الْعُصْنُ:			(خرداد ۱۴۰۰)
۱۵۴۸. الْجِرْبَاءُ - الْقِطْطُ - الْخَرْبُ - الْكَلْبُ:			(خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی دهم)
۱۵۴۹. الْبَعِيدُ - الْإِمَامُ - الْخَلْفُ - الْوَرَاءُ:			
۱۵۵۰. الْفُسْتَانُ - الْقَمِيصُ - السَّرْوَالُ - الرِّصِيدُ - الرِّدَاءُ:			(شهریور ۹۸)

ب. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۱. اللُّغَاتُ - الْأَصْوَاتُ - الْأَبْيَاتُ - الْمَكَاتِبُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۲. الْمُدَارَاةُ - الْمَرَّةُ - الْأَطْعِمَةُ - التَّجْرِیَّةُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۳. جُعِلَ - اُنْتُخِبَ - يُفَكَّرُ - يُحَاسَبُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۴. الْعَمِيقَةُ - الشَّمْسُ - الْفُضْلَى - الْعَالِمُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۵. أَحَبَّ - اِنْتَقَظَ - أُعْطِيَ - يُخَدِّدُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۶. الْآخَرَى - الْأَسْفَلَ - الْعُظْمَى - الْآخِرُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۷. الْأَعْمَالُ - الْعُدْوَانُ - الْأَيْدَى - الْقَوَاكِبُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۸. الذَّالُّ - الْبَاطِلُ - الْمُرْسَلُ - الْمُنْعَطِفُ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۵۹. سُوَيْدٌ - نُوبِلٌ - النَّجْفُ - النَّبِيُّ:
.....: بَيَانِ السَّبَبِ:	: الجواب:	: ۱۵۶۰. الْإِغْرَاقُ - التَّعْلِيمُ - التَّجَمُّعُ - الْحُضُورُ:

(۲۳ سؤال)

ت. تعریف واژه به عربی، انتخاب کلمه مناسب برای کامل کردن جمله

مشاوره: یکی از کلیدی‌ترین موضوعات در تعریف لغت به عربی، توجه به نوع کلمه است؛ یعنی دقت نمایید که جمله مورد نظر اسم را تعریف می‌کند یا فعل یا مصدر و...؛ مثلاً در جمله «شئٌ قُلَّ سعرُهُ» چیزی که قیمتش کم شد، تعریف واژه «رخيص: ارزان» است نه «رخص: ارزان شد» یا وقتی می‌گویید «ارتفعت قيمة شئ»؛ قیمت چیزی بالا رفت، تعریف «علا: گران شد» است نه «الغالى: گران».

۹. ضَعِ فِي الْفَرَاقَاتِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ بَيْنِ الْقَوْسَيْنِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(فُسْتَانٌ - الرِّدَاءُ - الْأُنَانَا - فَاضٌ - أَعْتَقَ - قَعَدَ - جَوَزَ)

.....: ۱۵۶۱. جَلَسَ بَعْدَ أَنْ كَانَ وَاقِفًا. (.....)	: ۱۵۶۲. ثَمَرَةٌ قِشْرُهَا صُلْبٌ وَغَيْرُصَالِحٍ لِلْأَكْلِ، يُكْسَرُ لِتَنَاوُلِهَا. (.....) (خرداد ۹۸)
.....: ۱۵۶۳. كَثُرَتِ الْمِيَاهُ وَزَادَتْ عَنْ حَدِّ الْإِمْتِلَاءِ. (.....)	: ۱۵۶۴. حَرَزَهُ وَأَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ. (.....) (خرداد ۹۹)
.....: ۱۵۶۵. قِطْعَةٌ مِنْ قُمَاشٍ يُلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِسِ، كَالْعَبَاءَةِ. (.....)	: (دی ۹۹)

(حَضَنَ - الصُّلْبَ - دَافَعَ - الْعَجُوزَ - تَفَقَّهَ - الرُّعْلَاءُ - الْيَافِعَ)

.....: ۱۵۶۶. صَبِيٌّ قَبْلَ سِنِّ الْبُلُوغِ. (.....)	: ۱۵۶۷. الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِ. (.....) (شهریور ۱۴۰۱)
.....: ۱۵۶۸. تَعَلَّمَ وَأَخَذَ الْعِلْمَ. (.....)	: ۱۵۶۹. صَمَّ شَخْصًا إِلَى صَدْرِهِ وَأَظْهَرَ حُبَّهُ لَهُ! (.....)
.....: ۱۵۷۰. الَّذِينَ يَعْمَلُونَ مَعًا. (.....)	: (شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یا زدهم)

(يَغْلُو - يُخَفِّضُ - الْإِغْرَاقُ - كِلَا - يَافِعًا - كُلُّ - عَجُوزًا)

.....: ۱۵۷۱. طَالِبَيْنِ يَعْرِفَانِ مَعْنَى جَمِيعِ الْمُفْرَدَاتِ.	: ۱۵۷۲. أَسْعَاؤُ الْبَضَائِعِ غَالِيَةً، أَرْجَوَانُ الْبَائِعِ.
.....: ۱۵۷۳. هَاجَرَ أَخِي حِينَ كَانَ وَعَادَ عِنْدَمَا أَصْبَحَ شَيْخًا.	: ۱۵۷۴. أَكْبَرُ الْحُمُقِ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ.
.....: ۱۵۷۵. لَا أَعْرِفُ، لِمَاذَا سِعْرُ الْقَوَاكِبِ كُلُّ يَوْمٍ؟	

(يَكْثُرُ - النِّعْمَةُ - دَافَعَ - يَسْهَرُ - الشَّدَائِدُ - يَنْقُضُ - سَاهِرُونَ)

.....: ۱۵۷۶. جُنُودُنَا الشَّجْعَانُ عَنْ حُدُودِ بِلَادِنَا.	: ۱۵۷۷. حَارِسُ الْفُنْدُقِ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ رَمِيلِهِ. (خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
.....: ۱۵۷۸. عِنْدَ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ.	: ۱۵۷۹. كُلُّ شَيْءٍ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ. (خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
.....: ۱۵۸۰. بَعْضُ الظُّلَّابِ لِيَالِي الْإِمْتِحَانَاتِ لِمُطَالَعَةِ دُرُوسِهِمْ.	
.....: ۱۵۸۱. يُصْنَعُ مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ. (الْوَعَاءُ - الْحَدِيدُ - الشَّلَالُ)	: (مرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی)
.....: ۱۵۸۲. صَنَعْتُ جَمِيلًا مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ. (وَعَاءٌ - رُجَاجًا - حَدِيدًا - نُحَاسًا)	: (دی ۹۸ معارف)
.....: ۱۵۸۳. الْفَسَائِلُ فِي الْأَرْضِ. (يَزْرَعُ - يَقَعُ - يُثْمِرُ)	: (دی ۹۹ معارف)



صحیح و خطا براساس واقعیت و کتاب درسی

مشاوره: در محور تعاریف و اطلاعات کتاب درسی حرکت کنید و از مفهوم گیری و جمله سازی های جدید غافل نشوید؛ مثلاً براساس محتوای درس سوم می توان گفت پیامبر بر توجه یکسان و اهمیت برابر به فرزندان دختر و پسر تأکید داشتند و از تبعیض ناراحت می شدند.

۱۰ عَيْنِ الْخَطَا وَالصَّحِيحِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ أَوْ الْوَاقِعِ (X ✓):

۱۵۸۴. الإِقَامَةُ تَوَقَّفُ شَخْصٍ فِي مَكَانٍ وَ مُتَضَادَّةُ الْقُعُودِ. (.....)

۱۵۸۵. يُسَمَّى الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِ شَيْخًا. (.....)

۱۵۸۶. الْأَمْرُ هُوَ مَنْ يَكُونُ عُمُرُهُ بَيْنَ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ. (.....)

۱۵۸۷. الْفُظُّ صِفَةٌ لِمَنْ لَا يُعَامِلُ الْآخَرِينَ بِخُشُونَةٍ. (.....)

۱۵۸۸. الرِّدَاءُ هُوَ مَا يُلبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ وَ ضَيْقٌ جِدًّا. (.....)

۱۵۸۹. لَوْ كَانَ النَّبِيُّ (ص) فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانْفَضَّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِ. (.....)

۱۵۹۰. كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. (.....)

۱۵۹۱. نَتَائِجُ الْأَشْجَارِ تُسَمَّى الثَّمَارَ. (.....)

۱۵۹۲. كَانَ أَنْوَشِرَوَانُ أَحَدَ مُلُوكِ إِيْرَانِيَّةٍ قَبْلَ مِئَةِ سَنَةٍ. (.....)

۱۵۹۳. فَقَّهٌ: عَلَمٌ وَ فَهْمٌ الْعِلْمِ وَ صَيَّرَهُ فَقِيهًا. (.....)

۱۵۹۴. الْجَوْزُ ثَمَرَةٌ قَشَرُهَا صُلْبٌ وَ لَا يُكْسَرُ بِسَهْوَةٍ. (.....)

۱۵۹۵. مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَهَوًا وَ لَعِبًا. (.....)

۱۵۹۶. اسْتَكْبَرَ إِبْلِيسُ وَلَمْ يَسْجُدِ الْإِنْسَانَ. (.....)

۱۵۹۷. يَحْتَاجُ الْكُتَّابُ وَ الْمُؤَلِّفِينَ لِتَأْلِيفَاتِهِمْ إِلَى الْمَصَادِرِ. (.....)

(مرداد ۱۴۰۳ معارف)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۰ معارف)

ترجمة جملات (۱۰۳ سؤال)

جملات کتاب درسی

مشاوره: بعضی از جملات را می توان به دو صورت ترجمه کرد؛ مثلاً انحصار را می توان به شکل مثبت و منفی ترجمه کرد، بهتر و منطقی تر این است که هر دو حالت را بنویسید و ذهنیت مُصحِّح را با خود همراه کنید؛ چون او، شما را نمی شناسد و از دست خط شما (که این شاء الله خرجنگ قورباغه نیست) و نحوه نگارش شما پی به توانتان می برد. عزیزان دقت کنید که نگفتیم بروید سر جلسه و قصه بافی کنید و زیاد بنویسید، خیر! گفتیم جملات دو وجهی را در هر دو مدل ترجمه کنید؛ ضمناً تلاش کنید که ابتدا یک بار جمله را در ذهنتان بیاورید و منظم کنید و سپس آن را مکتوب کنید تا پاسختان منظم تر و منسجم تر و به فارسی روان باشد. در آخر باز هم تأکید می کنیم به محض دیدن سؤالات ترجمه در نهایی، آن را با جملات کتاب درسی مقایسه نکنید و ترجمه ای که در ذهن دارید را ننویسید، بلکه در ابتدا حتماً بررسی کنید که عبارت مورد نظر تغییر کرده است یا نه و اگر تغییر کرده، این تغییر شامل چه مواردی است؟

۱۱ ترجم الجمل التالية:

۱۵۹۸. انْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حِينَ رَأَى أَنَّهُ لَمْ يَتَّقِلْ إِلَّا ابْنَهُ.

۱۵۹۹. شَاهَدَ أَنْوَشِرَوَانُ يَوْمًا فَلَحَا عَجُوزًا يَغْرِسُ فَسِيلَةَ الْجَوْزِ.

۱۶۰۰. فَاسْلَمْتُ وَ دَافَعْتُ عَنْ أَخِيهَا وَ دَعْتُ قَوْمَهَا إِلَى الْإِسْلَامِ.

۱۶۰۱. فِي السَّنَةِ الثَّامِنَةِ بَعْدَ الْهِجْرَةِ وَقَعَتِ الشَّيْمَاءُ أُسِيرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ.

۱۶۰۲. قَبَّلَ الرَّجُلُ أَوْلَادَهُ إِلَّا ابْنَتَهُ.

۱۶۰۳. الظَّالِمَتَانِ تَقْرَأَنِ دُرُوسَهُمَا مُجَدِّثِينَ.

۱۶۰۴. مَا طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْإِمْتِحَانِ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ.

۱۶۰۵. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.

۱۶۰۶. «لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»

پرتکرار (شهریور ۹۸ معارف، دی ۱۴۰۰)

(دی ۹۸ معارف)

(خرداد ۱۴۰۰ معارف)

(خرداد ۱۴۰۲)

(شهریور ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

پرتکرار (خرداد ۱۴۰۱، خرداد ۹۹ و دی ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

۱۶۰۷. نَدِمَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ يَدَ بَنَتِهِ وَ قَبَّلَهَا وَ أَجْلَسَهَا عِنْدَهُ.
۱۶۰۸. كَانَتْ الشَّيْمَاءُ اخْتَارَتْ الْعَوْدَةَ إِلَى قَوْمِهَا سَالِمَةً رَاضِيَةً.
۱۶۰۹. ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ﴾
۱۶۱۰. الْوَلَدُ رَاحَ نَحْوَ وَالِدِهِ فَقَبَّلَهُ الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ.
۱۶۱۱. طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الصَّوْتِ.
۱۶۱۲. كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ.
۱۶۱۳. خَيَّرَهَا بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعَوْدَةِ إِلَى قَوْمِهَا سَالِمَةً رَاضِيَةً.
۱۶۱۴. ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾
۱۶۱۵. اِعْلَمُ بِأَنَّ خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ.
۱۶۱۶. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
۱۶۱۷. نَحْنُ نَعْرِشُ أَشْجَارًا لَيْكِي يَأْكُلَ الْآخَرُونَ مِنْ ثَمَارِهَا.
۱۶۱۸. أَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَعَرَفَهَا وَ أَكْرَمَهَا وَ بَسَطَ لَهَا رِدَاءَهُ.
۱۶۱۹. كُلُّ وِعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وِعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ.
۱۶۲۰. كَانَ الرَّجُلُ يَغْرِشُ فَسِيلَةً جَوِزَ وَ يَأْمُلُ أَنْ يَعْيشَ زَمَنًا طَوِيلًا.
۱۶۲۱. قَدْ صُنِعَ الْوِعَاءُ الْجَمِيلُ مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ.
۱۶۲۲. أَسْلَمَتِ الشَّيْمَاءُ فَاخْتَارَتْ قَوْمَهَا وَ دَعَتْهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ بَيَّنَّتْ أَخْلَاقَ النَّبِيِّ (ص) لَهُمْ.
۱۶۲۳. الْعَيْنُ الَّتِي فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَبْكِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۱۶۲۴. الْمُؤْمِنُ لَنْ يَقُولَ إِلَّا الْحَقَّ.
۱۶۲۵. ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾
۱۶۲۶. الزَّمْلَاءُ لَا يَعْتَمِدُونَ إِلَّا عَلَى أَنْفُسِهِمْ.
۱۶۲۷. لَمْ يُصَدِّقِ الْمُسْلِمُونَ قَوْلَ الشَّيْمَاءِ فَأَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

(۳۰ سؤال)

جملات ترکیبی و جدید



مشاوره: وقتی یک جمله جدید یا حالت تغییر کرده جملات کتاب را می بینید، قبل از اینکه آن را ترجمه کنید، ابتدا ساختار قواعدی و فعلی آن را بررسی کنید؛ مثلاً ببینید حال دارد یا نه؟ استثناء است یا انحصار؟ فعل آن ماضی است یا مضارع؟ بعید است یا نقلی؟ چه ضمایی دارد؟ و... پس همان اول به ترجمه اقدام نکنید، چون ممکن است به برخی ریزه کاری های عبارت دقت نکنید و کوچک ترین اشتباه نیز ۵/۷۰ نمره از شما می گیرد. نگران نباشید، در امتحان نهایی تنها چیزی که کم نمی آورید زمان است، پس با آرامش و صبوری، ترجمه مد نظرتان را بنویسید.

۱۶۲۸. رَأَى النَّبِيُّ (ص) رَجُلًا لَمْ يَقْبَلْ إِلَّا ابْنَهُ.
۱۶۲۹. فَلَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهَا فَأَخَذُوهَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص).
۱۶۳۰. اِنزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَقَالَ: لِمَ تُفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟
۱۶۳۱. ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾
۱۶۳۲. أَعْتَقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الشَّيْمَاءَ وَ أَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِإِعْزَازٍ.
۱۶۳۳. عَيْنٌ تَسْهَرُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَنْ تَبْكِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۱۶۳۴. زَمَيْلَتِي حَلَّتِ الْأَسْئَلَةَ كُلَّهَا إِلَّا سُؤَالَ غَرِيبًا.
۱۶۳۵. اللَّهُ يُجِبُّ عَيْنًا تُغَضُّ عَنْ مَحَارِمِهَا.
۱۶۳۶. قَالَ الْفَلَّاحُ الْعَجُوزُ فَرِحًا مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.
۱۶۳۷. وِعَاءُ الْعِلْمِ يَتَّسِعُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ.



(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۰)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۲)

پرتکرار (شهریور ۹۹ و ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

پرتکرار (دی و شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(معارف ۱۴۰۱)

(معارف ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۱)

پرتکرار (شهریور ۱۴۰۱، معارف ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۱۶۳۸. كَانَتِ السَّيْمَاءُ تَحْضُنُ النَّبِيَّ صَغِيرًا وَ تُلَاعِبُهُ.

۱۶۳۹. كِلَا الْفَرِيقَيْنِ يُفْلِحَانِ وَ لَكِنَّ الَّذِينَ يُفْقَهُونَ الْجَاهِلَ أَعْلَوْنَ.

۱۶۴۰. مَا شَاهَدَ أَنْوِشِرَوَانُ فِي الطَّرِيقِ إِلَّا عَجُوزًا يَغْرِشُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ.

۱۶۴۱. مَا شَاهَدْنَا فِي طَرِيقِ الْمَدْرَسَةِ إِلَّا طَالِبًا يَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ بِسُرْعَةٍ.

۱۶۴۲. لَا يَبِئْسَ النَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ.

۱۶۴۳. كَانَتِ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ.

۱۶۴۴. عَرَفَ النَّبِيُّ (ص) السَّيْمَاءَ وَ أَكْرَمَهَا وَ بَسَطَ لَهَا رِدَاءَهُ.

۱۶۴۵. قَدْ يَتَعَلَّمُ التَّلَامِيذُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ الشُّيَاحِ الَّذِينَ يَأْتُونَ إِلَى بِلَدِهِمْ.

۱۶۴۶. مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِشُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ.

۱۶۴۷. لَمْ يَقْبَلِ الْأَبُ بِنْتَهُ وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ.

۱۶۴۸. فَأَعْجَبَ أَنْوِشِرَوَانُ كَلَامَهُ وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى لَهُ أَلْفُ دِينَارٍ آخَرَ.

۱۶۴۹. يَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا / حَتَّى أَرَاهُ يَافِعًا وَ أَمْرًا

۲۰. ۱۶۵۰. هِيَ بَيَّتَتْ أَخْلَاقَ النَّبِيِّ (ص) لِقَوْمِهَا فَأَسْلَمُوا.

۱۶۵۱. مَا قَبَّلَ الْوَالِدُ بِنْتَهُ وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) لَهُ: «لَمْ تُفَرِّقْ بَيْنَ أَطْفَالِكَ»

۱۶۵۲. كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ.

۱۶۵۳. قُلِي الْحَقُّ فِي مَا لَكَ وَ عَلَيْكَ.

۲۰. ۱۶۵۴. لَعَلَّ صَدِيقِي الْعَزِيزَ يُوَاصِلُ الْمُسَابَقَةَ.

۱۶۵۵. لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانُ أَلَّا يَعْتَمِدَ عَلَى أَحَدٍ لِلنَّجَاحِ إِلَّا نَفْسَهُ.

۱۶۵۶. لَا نَطَالِغُ كُتُبًا لَا تَأْتِيَرُ لَهَا عَلَى حَيَاتِنَا.

۱۶۵۷. لَنْ تَكْثُرَ أَنْعُمُ اللَّهِ عَلَى شَخْصٍ لَا يَشْكُرُهُ.

(۲۵ سؤال)

انتخاب ترجمه درست

مشاوره: نکته‌های کلی را قبلاً گفتیم که این تیپ ترکیبی است و **طراح** می‌تواند از زمان فعل‌ها گرفته تا ضمایر استفاده کند و **دستش باز است**، اما به‌طور خاص درباره این درس دقت کنید که اگر مستثنی‌منه محذوف بود، **ترجمه مثبت** با قید «فقط» و **ترجمه منفی** با «به‌جز» هر دو **درست هستند** و هیچ کدام نسبت به دیگری **برتری ندارند**، پس دنبال غلط‌های دیگری باشید.

۱۲. اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۱۶۵۸. «لَمْ تُفَرِّقْ بَيْنَ أَطْفَالِكَ»:

☐ الف) بین فرزندان فرق نگذاشتی.

۱۶۵۹. «أَضَعَفَ النَّاسُ مَنْ ضَعَفَ عَنْ كَيْتَمَانٍ سِرٍّ»:

☐ الف) ضعیف‌ترین مردم کسی است که نمی‌تواند رازهای خود را پنهان کند.

☐ ب) ضعیف‌ترین مردم کسی است که از پنهان کردن رازش ناتوان باشد.

۱۶۶۰. «مَا اسْتَطَاعَتْ أَسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دِرَاسَتِهِ»:

☐ الف) خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد.

☐ ب) خانواده‌اش نمی‌تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد.

۱۶۶۱. «إِنِّي لَأُخِثُ النَّبِيَّ مِنَ الرِّضَاعَةِ (ص)»:

☐ الف) بی‌گمان من خواهر شیرخواره پیامبرم.

۱۶۶۲. «نَحْنُ نَغْرِشُ أَشْجَارًا لِنَأْكُلَ مِنْ ثِمَارِهَا الْآخِرُونَ»:

☐ الف) ما درختانی را می‌کاریم برای اینکه دیگران از میوه‌های آن بخورند.

☐ ب) من از جهت شیرخوارگی خواهر پیامبر هستم.

(دی ۱۴۰۰)

☐ ب) ما درخت‌هایی را می‌کاریم تا از میوه‌هایش آیندگان بخورند.



(خرداد ۱۴۰۰ معارف)

۱۶۸۰. «إِنَّ الْوَالِدَ لَمِ يُقْبَلْ وَلَدَهُ»:

☐ الف) پدر چرا فرزندش را نمی بوسد.

☐ ب) پدر فرزندش را نبوسید.

۱۶۸۱. «لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً»:

☐ الف) فقط عطیه از هم کلاسی هایم زبان فرانسوی می دانند.

☐ ب) همکارانم زبان فرانسوی نمی دانند، به جز عطیه.

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۶۸۲. «يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ»: ای پسر،

☐ الف) خود را میان خویشتن و دیگری ترازو قرار دادی.

☐ ب) خودت را میان خویشتن و دیگری ترازویی قرار ده.

(۱۸ سؤال)

پر کردن جای خالی در ترجمه

مشاوره: یک نکته کوتاه و کاربردی درباره این تیپ: ابتدا حتماً ترجمه ای را که طراح داده، کامل بخوانید و با عبارت عربی مقایسه کنید و ببینید دقیقاً معنای کدام کلمه را نداده و از شما می خواهد. خیلی از بچه ها جمله را تا آخر نمی خوانند و این موضوع گاهی باعث می شود آنچه را که در عبارت فارسی آمده دوباره بنویسند و متوجه کلمه درست نشوند.

۱۳) اكْمِلِ الْفَرَائِغَاتِ بِالترجمة المناسبة:

۱۶۸۳. «بَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بَنَتُهُ وَسَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ وَالِدَيْهَا»:

کمی بعد دخترش آمد و به پیامبر (ص) سپس به سوی پدرش

۱۶۸۴. «كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ اسْمُهَا الشَّيْمَاءُ»:

رسول خدا از خواهری که اسمش شیما بود.

(پرتکرار شهریور ۹۹، معارف ۱۴۰۰)

۱۶۸۵. «لَوْ كُنْتُ قَفْطًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ خَوْلِكَ»:

اگر و سنگدل بودی بی گمان از اطرافت

۱۶۸۶. «اخْتَارَتِ الشَّيْمَاءُ قَوْمَهَا فَأَعْتَقَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَأَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِاعْزَازٍ»:

شیما قوم خود را پس رسول خدا او را و به طرف قومش فرستاد.

۱۶۸۷. «كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُضُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَا»:

هر چیزی هرگاه زیاد شود، به جز ادب، پس آن اگر زیاد شود،

(خرداد ۹۸ معارف)

۱۶۸۸. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»:

پس به [برکت] رحمتی از سوی خدا با آنان

(خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی)

۱۶۸۹. «أَعْلَمُ بَأَنَّ خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ»:

می دانم که بهترین دوستان، آنان است.

۱۶۹۰. «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنُ سَهْرَتٍ وَ عَيْنُ غُضَّتٍ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنُ فَاضَتْ مِنَ الدَّمْعِ خَشْيَةً مِنْ رَبِّهَا»:

هر چشمی در روز قیامت است به جز سه چشم: چشمی که و چشمی که از محارم خدا بر هم نهاده شده و چشمی که برای پروا لبریز شد.

(مرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی)

۱۶۹۱. «لَا تَعْلَمُ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا السَّائِحُ»:

تنها زبان فرانسه را

(شهریور ۹۸)

۱۶۹۲. «كَانَتِ الشَّيْمَاءُ ثَلَاثَ عَشْرَ النَّبِيِّ (ص) صَغِيرًا»:

شیما در با پیامبر (ص)

(دی ۱۴۰۲ معارف)

۱۶۹۳. «مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ»:

میوه دادن این درخت

۱۶۹۴. «صَنَعْتُ وَعَاءً جَمِيلًا مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ»:

..... زیبایی از چوب درخت ساختم.

(دی ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

۱۶۹۵. «يَنْقُضُ كُلُّ شَيْءٍ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ فَإِنَّهُ يَزِيدُ»:

..... با انفاق کم می شود به جز علم؛ زیرا آن

۱۶۹۶. «الَّذِينَ يُفْقَهُونَ الْجَاهِلَ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص):»

..... کسانی که نادان را، اینان نزد فرستاده خدا (ص)

(معارف ۱۴۰۰)

۱۶۹۷. «كُلُّ وِعَاءٍ يُضَيِّقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وِعَاءُ الْعِلْمِ، فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ»:

..... هر ظرفی با چیزی که در آن تنگ می شود به جز ظرف علم، پس همانا با آن

۱۶۹۸. «أَلَا تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ؟»:

آیا که آن معمولاً فقط بعد از ده سال

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)

۱۶۹۹. «يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ»:

..... برادران هنگام سختی ها

۱۷۰۰. «كَانَتْ الشَّيْمَاءُ تَحْضُنُ النَّبِيَّ (ص) صَغِيرًا وَتُلَاعِبُهُ»:

..... شیما پیامبر (ص) را در آغوش می گرفت و با او

• • • • • ترجمه انواع فعل و اسم (۹۹ سؤال) • • • • •

(۶۰ سؤال)

نوشتن ترجمه درست

مشاوره: یکی از قسمت های کتاب که شخصاً آن را خیلی دوست دارم همین بخش است؛ چون **بچه ها در این بحث ضعف دارند!** نه، علت علاقه من ضعف شما نیست، علتش این است که **حجم تمرین این تیپ زیاد است** و در سایر کتاب ها خیلی کمتر به آن پرداخته شده و شما می توانید با حل این سؤالات مشکلاتتان را حل کنید و تفاوت ها را احساس نمایید. اما نکته مهم: تمرین های این بخش را **تقسیم بندی** کنید و مثلاً روزانه ۵ تا از آن حل کنید تا به تسلط برسید، پس از **حل یک باره** و **یکجای** آن ها **خودداری کنید** و **به خودتان زمان بدهید** و از نکاتی که در دو درس قبل گفتم استفاده کنید، چون این **۲ نمره** بسیار حساس و تعیین کننده است که نباید ۰/۲۵ هم از آن از دست بدهید.

۱۴ ترجم الأفعال والأسماء:

۱۷۰۱. جَلَسَ (نشست)	الف) قَدْ جَلَسَ:	ب) إِنْ تَجَلَّسَ أَجْلَسَ:
۱۷۰۲. فَتَحَ (باز کرد)	الف) اِفْتَحِ النَّافِذَةَ:	ب) لَا تَفْتَحِ الْبَابَ:
۱۷۰۳. قَالَ (گفت)	الف) كَانَ يَقُولُ:	ب) كَانَ قَدْ قَالَ:
۱۷۰۴. عِنْدِي (دارم)	الف) مَا عِنْدِي:	ب) كَانَ عِنْدِي:
۱۷۰۵. حَفِظَ (حفظ کرد)	الف) قَدْ حَفِظَنِي إِيْمَانِي:	ب) كَانُوا يَحْفَظُونَ دَرَسَهُمْ:
	ج) الْمَحْفُوظُ:	د) سَنَحْفَظُ:
۱۷۰۶. جَلَسَ (نشست)	الف) لَنْ نَجْلِسَ قَبْلَ أَسْتَاذِنَا:	ب) رَجَاءً، اجْلِسُوا عِنْدَ الْوَلَدِكُمْ شَاكِرِينَ:
۱۷۰۷. نَظَرَ (نگاه کرد)	الف) أَنْظِرُوا إِلَيَّ مَا قَالَ:	ب) ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾:
	ج) كُنْتُ قَدْ نَظَرْتُ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي:	
۱۷۰۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)	الف) لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْمُطَالَعَةِ:	ب) سَوْفَ نَمْتَنِعُ عَنِ الْأَكْلِ:
	ج) لَمْ يَمْتَنِعْ عَنِ الْخُرُوجِ:	
۱۷۰۹. يَسْتَرْجِعُ (پس می گیرد)	الف) مَا اسْتَرْجِعَ:	ب) لَا تَسْتَرْجِعِي:
	ج) اسْتَرْجَاعُ:	د) مُسْتَرْجِعُ:
۱۷۱۰. مُجَادَلَةٌ (بحث کردن)	الف) مَا جَادَلَ:	ب) لَمْ يُجَادِلْ:
	ج) لَا تُجَادِلُوا:	د) مُجَادِلَانِ:
۱۷۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن)	الف) تَذَكَّرَ:	ب) يَتَذَكَّرَانِ:
	ج) تَذَكَّرَ:	د) الْمُتَذَكِّرَاتُ:
۱۷۱۲. عَبَدَ (عبادت کرد)	الف) لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ:	ب) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ:

(دی ۱۴۰۲)



- (ب) لَمْ نَسْمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا: (دی ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
 (ب) الْيَوْمَةُ وَالْخُقَافُشُ يَقْفِرَانِ فِي اللَّيْلِ: (دی ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
 (ب) هُوَ كَانَ يُعَامِلُ التَّلَامِيذَ بِصَدَاقَةٍ: (خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی)

- (الف) لَا تَسْمَحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ:
 (الف) مَا قَفَرْتُ مِنَ الظَّائِرَةِ:
 (الف) إِلَهِي، لَا تُعَامِلْ عِبَادَكَ بِالْعَدْلِ:
 (ج) لِمَ لَا تُعَامِلُونَ كَالْإِخْوَانِ؟

۱۷۵۸. سَمَحَ (اجازه داد)
 ۱۷۵۹. قَفَرَ (پرید)
 ۱۷۶۰. عَامَلَ (رفتار کرد)

(۳۹ سؤال)

انتخاب ترجمه درست

۱۵. اِنْتَحَبِ التَّرْجَمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْأَفْعَالِ وَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ:

- | | |
|---|--|
| ☐ (الف) منتقل شونده | ☐ ۱۷۶۱. مُنْتَقِلٌ: +۲۰ |
| ☐ (ب) منتقل کننده | ☐ ۱۷۶۲. لِمَ نَقَلْنَا: +۲۰ |
| ☐ (الف) برای چه منتقل کردیم؟ | ۱۷۶۳. كُنْتُ قَدْ نَقَلْتُ: |
| ☐ (الف) منتقل شده ای | ☐ ۱۷۶۴. سَيَنْتَقِلُونَ: +۲۰ |
| ☐ (الف) منتقل خواهند کرد | ۱۷۶۵. اِنْتَقَلْنَا: |
| ☐ (الف) منتقل شدند | ۱۷۶۶. لَمْ تَكُنْ تَقُولُ: |
| ☐ (الف) نمی گفت | ☐ ۱۷۶۷. اِنْتَقَلِي: +۲۰ |
| ☐ (الف) مرا منتقل کن | ۱۷۶۸. نَقَلْنِي: |
| ☐ (الف) مرا جابه جا کرد | ۱۷۶۹. لَنْ نَدْفَعَ: |
| ☐ (الف) پرداخت نخواهیم کرد | ۱۷۷۰. لَعَلَّهُمْ يُدَافِعُونَ: |
| ☐ (الف) شاید دفاع می کنند | ۱۷۷۱. أَلَا تَدْفَعُ: |
| ☐ (الف) مگر اینکه دور کنی | ۱۷۷۲. لَمْ يُدَافِعْ: |
| ☐ (الف) برای چه دفاع می کنند | ☐ ۱۷۷۳. قَدْ أَدَفَعُ: +۲۰ |
| ☐ (الف) گاهی دفاع می کنم | ☐ ۱۷۷۴. دَافِعٌ عَنِ الْوَطَنِ: +۲۰ |
| ☐ (الف) از وطن دفاع کن | ۱۷۷۵. لَمَّا اِتَّصَلْتُ بِصَدِيقِي: |
| ☐ (الف) هنگامی که تماس گرفتم | ۱۷۷۶. أَوْصَلْنَا: |
| ☐ (الف) رسیدیم | ☐ ۱۷۷۷. كَانَتْ قَدْ وَصَلْنَا: +۲۰ |
| ☐ (الف) رسیده بودند | ۱۷۷۸. لِنَتَّصِلُ: |
| ☐ (الف) باید تماس بگیریم | ۱۷۷۹. لَا أَخْرُجُ: |
| ☐ (الف) خارج نمی شوم | ۱۷۸۰. الْإِخْرَاجُ: |
| ☐ (الف) بیرون آوردن | ☐ ۱۷۸۱. أَنْ نَتَخَرَّجَ: +۲۰ |
| ☐ (الف) اگر خارج بشویم | ۱۷۸۲. أَخْرَجَ: |
| ☐ (الف) بیرون می آورم | ۱۷۸۳. أَخْرَجُوا: |
| ☐ (الف) خارج کردند | ۱۷۸۴. أَخْرَجُونِي: |
| ☐ (الف) من را بیرون آوردند | ۱۷۸۵. كُنَّا نَسْتَخْرِجُ: |
| ☐ (الف) استخراج کرده بودیم | ۱۷۸۶. الْمُخْرَجُ: |
| ☐ (الف) حرکت دهنده | ۱۷۸۷. سَتُخْرَكُونَ: |
| ☐ (الف) حرکت خواهید داد | ۱۷۸۸. قَدْ تَخَرَّكَ: |
| ☐ (الف) گاهی حرکت می کند | ۱۷۸۹. كَانَ الطَّلَابُ مَا تَخَرَّكُوا: |
| ☐ (الف) حرکت نکرده بودند | ۱۷۹۰. خَرَّكَتُ: |
| ☐ (الف) حرکت داده شد | |

۲۰. ما كانوا يُخَرِّمونَ: ☐ الف) حرکت نمی دادند ☐ ب) حرکت داده نمی شدند
۲۰. لَتَتَرَاخَمَ: ☐ الف) باید به یکدیگر مهربانی کنیم ☐ ب) تا به یکدیگر مهربانی کنیم
۱۷۹۳. لَيَتَهُمْ يَتَرَاخَمُونَ: ☐ الف) کاش به یکدیگر مهربانی کنند ☐ ب) کاش به یکدیگر مهربانی می کردند
۱۷۹۴. احترموا: ☐ الف) احترام گذاشتند ☐ ب) احترام بگذارید
۱۷۹۵. لا تُخَرِّمِي: ☐ الف) نباید حرام کنی ☐ ب) حرام نکن
۱۷۹۶. كانوا يحترمون: ☐ الف) محترم می شمارند ☐ ب) احترام می گذاشتند
۱۷۹۷. ألا تُخَرِّمِ: ☐ الف) مگر اینکه حرام کنی ☐ ب) تا حرام نکنی
۱۷۹۸. المُحَرَّم: ☐ الف) حرام کننده ☐ ب) حرام شده
۲۰. لَنْ يُخَرِّمُوا: ☐ الف) هرگز حرام نمی کنند ☐ ب) حرام نخواهند کرد

درک مطلب (۲۲ سؤال)

مشاوره: توقع نداشته باشید که در درک مطلب فقط از لغات سال دوازدهم استفاده شود! مثلاً در درک مطلب امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ از کلمات پایه نیز استفاده شده بود که اصلاً آن‌ها را در کتاب دوازدهم نداشتیم، البته منظورمان این نیست که بروید تمام لغات دهم و یازدهم را بخوانید، نه! اما توقع داریم که صفر کیلومتر نباشید و معنای کلمات معروف را بدانید، اگر هم نمی دانید سعی کنید گاهی به شکل محدود لغات دهم و یازدهم را توزق کنید تا برایتان مرور شود. ضمناً باز هم تأکید می کنیم که روی کلمات پرسشی حساس باشید و کاملاً آن‌ها را یاد بگیرید.

۱۶. اقرأ النصوص ثم أجب عن الأسئلة التالية:

«دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي مَسْجِدٍ. كَانَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ. جَمَاعَةٌ يَتَفَقَّهُونَ وَجَمَاعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَيَسْأَلُونَهُ. فَقَالَ: كَيْلَا الْجَمَاعَتَيْنِ إِلَى خَيْرٍ. أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَأَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَيُفْقَهُونَ الْجَاهِلَ، هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ.»

(دی ۱۴۰۱)

۱۸۰۰. أَيْ جَمَاعَةٌ أَفْضَلُ فِي رَأْيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟

۱۸۰۱. كَمْ جَمَاعَةٌ كَانُوا فِي الْمَسْجِدِ؟

«شَاهَدَ «كَيْسَرِي أَنْوَشِرَوَانُ» يَوْمًا فَلَحَا عَجُوزًا يَغْرِشُ فَسِيلَةَ جَوْزٍ، فَتَعَجَّبَ وَقَالَ: «أَيْهَا الْفَلَاخُ، أَتَأْمُلُ أَنْ تَعِيشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا؟ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ؟» فَقَالَ الْعَجُوزُ: «غَرَسَ الْآخَرُونَ أَشْجَارًا، نَحْنُ نَغْرِشُ أَشْجَارًا لِكَيْ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا الْآخَرُونَ». فَقَالَ أَنْوَشِرَوَانُ: «أَحْسَنْتَ يَا شَيْخُ». وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى الْفَلَاخُ أَلْفَ دِينَارٍ، فَقَالَ الْفَلَاخُ الْعَجُوزُ فَرَحًا: «مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ!»

(خرداد ۱۴۰۱ معارف)

۱۸۰۲. ماذا كَانَ يَغْرِشُ الْفَلَاخُ الْعَجُوزُ؟

۱۸۰۳. بَعْدَ كَمْ سَنَةٍ تُثْمِرُ شَجَرَةُ الْجَوْزِ؟

۱۸۰۴. مَا قَالَ الْفَلَاخُ فَرَحًا؟

۱۸۰۵. مَا أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَاخِ؟

«لِبَعْضِ الْأَوْلَادِ أُمٌّ أَوْ أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ (شیرخوارگی) لَيْسُوا مِنْ أُمٍّ وَاحِدَةٍ. هَؤُلَاءِ الْإِخْوَانُ وَالْأَخَوَاتُ يَلْعَبُونَ مَعًا فِي صِغَرِ سِنِّهِمْ، وَهُمْ كَالْأَصْدِقَاءِ وَعِنْدَمَا يُوَاجِهُونَ مُشْكِلَةً يَتَعَاوَنُونَ عَلَى حُلِّهَا. هَذِهِ الْمُسَاعَدَةُ تُسَبِّبُ تَعْزِيزَ الْعِلَاقَاتِ (تحکیم روابط) بَيْنَهُمْ.»

۱۸۰۶. ماذا يَفْعَلُ الْأَوْلَادُ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ مُشْكِلَةٍ؟

۱۸۰۷. مَتَى يَلْعَبُ الْأَوْلَادُ مَعًا؟

۱۸۰۸. مَا هِيَ نَتِيجَةُ مُسَاعَدَةِ الْأَوْلَادِ؟

۱۸۰۹. عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبَ النَّصِّ:

☐ ب) الْأَوْلَادُ مِنَ الرِّضَاعَةِ لَيْسُوا مِنْ أُمٍّ وَاحِدَةٍ.

☐ الف) لَعِبَ الْأَوْلَادُ لَيْسَ لَهُ دَوْرٌ فِي الصَّدَاقَةِ بَيْنَهُمْ.



«إِنْ يَغْرِسِ الْفَلَّاحُ فَسِيلَةَ (شَجَرَةً صَغِيرَةً) الْجَوْزِ فِي حَدِيقَتِهِ يَحْصُدُهَا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ. قَدْ تُغْرِسُ أَشْجَارٌ وَ نَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا وَ نَحْنُ نَغْرِسُ أَشْجَارًا لَكِي يَأْكُلَ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ.» (شهریور ۱۴۰۲)

۱۸۱۰. أَيْنَ يَغْرِسُ الْفَلَّاحُ فَسِيلَةَ الْجَوْزِ؟

۱۸۱۱. مَتَى يَحْصُدُ الْفَلَّاحُ فَسِيلَةَ الْجَوْزِ؟

۱۸۱۲. مَنْ يَأْكُلُ ثَمَارَ الْأَشْجَارِ الَّتِي نَغْرِسُهَا؟

۱۸۱۳. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِمَفْهُومِ النَّصِّ:

□ الف) بکاشتند و بخوردند و کاشتیم و خوردند

□ ب) بسیار دیده ایم درختان میوه دار

چو بنگری همه برزیگران یکدیگریم

زین به ندیده ایم که در بوستان دوست

«كَانَ النَّبِيُّ يُحِبُّ الْأَطْفَالَ وَ يَحْتَرِمُهُمْ دَائِمًا. ذَاتَ يَوْمٍ كَانَ رَجُلٌ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص). وَ بَعْدَ لَحَظَاتٍ جَاءَ ابْنُهُ وَ سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ وَالِدِهِ فَقَبَّلَهُ (بوسید) الْأَبُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ. فَرَحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عَمَلِهِ. وَ بَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَتْ بِنْتُهُ وَ سَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ رَاحَتْ نَحْوَ وَالِدِهَا. أَمَّا الْوَالِدُ فَلَمْ يَقْبَلْهَا وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ. فَانْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ قَالَ: لِمَ تُفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟ فَتَدِيمَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ يَدَ بِنْتِهِ وَ قَبَّلَهَا وَ أَجْلَسَهَا عِنْدَهُ.»

۱۸۱۴. مَاذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلرَّجُلِ؟

۱۸۱۵. لِمَاذَا انْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)؟

۱۸۱۶. مَا هِيَ تَرْجُمَةُ «ال» فِي كَلِمَةِ «الرَّجُلُ» فِي النَّصِّ؟

۱۸۱۷. أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطُّ.

«فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهَدَ أَنْوِشِرَوَانُ فَلَّاحًا عَجُوزًا يَغْرِسُ فَسِيلَةَ (شَجَرَةً صَغِيرَةً) جَوْزٍ وَ قَالَ: أَتَيْهَا الْفَلَّاحُ أَتَأْمُلُ أَنْ تَعِيشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا؟ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ؟ فَقَالَ الْفَلَّاحُ: غَرَسَ الْآخَرُونَ أَشْجَارًا وَ نَحْنُ أَكَلْنَا مِنْ ثَمَارِهَا وَ نَحْنُ نَغْرِسُ أَشْجَارًا لَكِي يَأْكُلَ الْآخَرُونَ. قَالَ أَنْوِشِرَوَانُ: «أَحْسَنْتَ يَا شَيْخُ» وَ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ أَلْفُ دِينَارٍ. قَالَ الْفَلَّاحُ فَرَحًا: مَا أَسْرَعَ إِثْمَارُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.» (دی ۹۹)

۱۸۱۸. مَاذَا كَانَ يَغْرِسُ الْفَلَّاحُ؟

۱۸۱۹. مَاذَا سَأَلَ أَنْوِشِرَوَانُ مِنَ الْفَلَّاحِ؟

۱۸۲۰. بَعْدَ كَمْ مُدَّةٍ تُثْمِرُ فَسِيلَةُ جَوْزٍ؟

۱۸۲۱. مَاذَا قَالَ الْفَلَّاحُ حِينَمَا أَخَذَ أَلْفَ دِينَارٍ؟

قواعد دوازدهم (۷۲ سؤال)

(۷۲ سؤال)

شناخت مستثنی و مستثنی منه

مشاوره: رایج ترین سؤال قواعدی که از درس سه داریم این است که باید **مستثنی و مستثنی منه** را پیدا کنید که هر کدام ۰/۷۵ نمره دارد. به طور کلی پیدا کردن مستثنی بسیار ساده است چون اسمی است که بلافاصله بعد از «إلا» می آید، ولی ممکن است در پیدا کردن مستثنی منه، دچار شک و چالش شوید. به همین خاطر، این موضوع و نکات آن را به طور مفصل در درسنامه بررسی کرده ایم.

۱۷. عَيِّنِ الْمُسْتَثْنَى وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱۸۲۲. لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةَ.

۱۸۲۳. حَلَّ الطُّلَّابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةَ.

۱۸۲۴. حَضَرَ الطُّلَّابُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا.

۱۸۲۵. اشْتَرَيْتُ أَنْوَاعَ الْفَاكِهَةِ إِلَّا أَنْانَاسَ.

۱۸۲۶. يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا الشُّرْكَ بِاللَّهِ.

پرتکرار (خرداد ۹۹ و شهریور ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)

پرتکرار (شهریور ۹۹ و ۱۴۰۰ و خرداد ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)

پرتکرار (دی ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)

(دی ۹۸ ریاضی و تجربی)

(دی ۹۷ ریاضی و تجربی)

قواعد پایه (۱۶۵ سؤال)

(۱۱ سؤال)

مقدمه و مرور کلیات

۱۹) انتخابِ الجوابِ الصَّحیحِ حسبِ قواعدِ المفردات:

- | | | |
|-----------------------------|--|--|
| ۱۸۹۴. شیرازی: | ☐ الف) اسمُ العَلَمِ | ☐ ب) التَّكْرَةِ |
| ۱۸۹۵. الأَسْئَلَةُ: | ☐ الف) المؤنَّث | ☐ ب) المذکر |
| ۱۸۹۶. مُحَافَظَةُ مازندران: | ☐ الف) اسمُ المَفْعُولِ | ☐ ب) المَصْدَرُ والمؤنَّث |
| ۱۸۹۷. تَصَرُّف: | ☐ الف) اسمُ المَفْرَدِ | ☐ ب) الفِعْلُ المُضَارِع |
| ۱۸۹۸. الأَرْزَق: | ☐ الف) اسمُ التَّفْضِيلِ | ☐ ب) لیس اسمُ التَّفْضِيلِ |
| ۱۸۹۹. مِصر: | ☐ الف) المؤنَّث | ☐ ب) المذکر |
| ۱۹۰۰. الرُّجُل: | ☐ الف) المذکر | ☐ ب) المؤنَّث |
| ۱۹۰۱. الخُسران: | ☐ الف) المثنی للمذکر | ☐ ب) المَفْرَدُ لِلْمُذَكَّرِ |
| ۱۹۰۲. مُغْتَنِمین: | ☐ الف) المثنی المذکر | ☐ ب) الجمع المذکر |
| ۱۹۰۳. العراق: | ☐ الف) مُعَرَّفٌ بِالْعَلَمِیَّةِ | ☐ ب) مُعَرَّفٌ بِأَل |
| ۱۹۰۴. الْمُتَكَثِّر: | ☐ الف) اسمُ الفاعِلِ | ☐ ب) اسمُ المَفْعُولِ |

(۲۱ سؤال)

شناخت و ترجمه انواع اسم

مشاوره: در پیدا کردن انواع اسم، تمرکز اصلی طراح روی کلمات کتاب درسی است و از لابه لای جملات کتاب انواع اسم را پیدا می کند، پس به قسمت کتابنامه بسیار توجه کنید، البته منظورمان این نیست که فقط کلمات کتاب را بخوانید، نه! بلکه حرفمان این است که روی خود کتاب تمرکز ویژه کنید و منتظر اسم های جدید نیز باشید و از دیدن لغات نو جا نخورید، مثلاً ممکن به شما کلمه «البارد» را بدهند که بر وزن «فاعل» و اسم فاعل است ولی در کتاب دوازدهم نیست یا مثلاً کلمه «أجدر» سزاوارتر را بدهند که بر وزن «أفعل» است و... پس به حرکات کلمه دقت کنید و ذهنتان را محدود نکنید.

۲۰) عَیِّن اسمَ الفاعِلِ و اسمَ المَفْعُولِ و اسمَ التَّفْضِيلِ و اسمَ المُبَالَغَةِ و اسمَ المَكانِ فی العباراتِ التَّالِیَةِ:

۱۹۰۵. اللَّهُ أَعْلَمُ وَ هُوَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ وَ تُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. - كانَ فی المَسْجِدِ جَماعَتانِ. (دی ۹۹)
۱۹۰۶. «غَفَر لی رَبِّی وَ جَعَلَنی مِنَ الْمُکْرَمِينَ» - الظَّالِمَتانِ تَقْرانِ دُرُوسَهُما أَكْثَرَ مِنْ صَدِیقَتِهِما. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)
- اِسْتَدَّ الزَّادِحامُ أَمامَ المَلْعَبِ - الطَّلَبانُ وَضَعَ الطَّلَعامَ عَلى المِنْضَدَةِ.
۱۹۰۷. رَمِیلتی الفَهامَةُ تَسْتغِیلُ فی المَكْتَبَةِ. - لا کَنْزَ أَغْنِی مِنَ القَناعَةِ. - هَذا کِتابُ ماخُودٍ عَنِ المَقالاتِ. - كانَ الفَرزَدَقُ مُجَبِّلاً لِأَهْلِ البَیتِ (ع). (شهریور ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)
۱۹۰۸. «... أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ» - «... لَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا یَشْکُرُونَ» - شاهَدَ المُزارِعُ أَنَّ الخَضراواتِ بِالْمَرْزَعَةِ مُسْتَهْلَکَةٌ. (دی ۱۴۰۱)
۱۹۰۹. شَجَرَةُ السُّکُویا مِنْ أَطوَلِ أَشجارِ العالَمِ. - لِلکَلامِ آدابٌ یَجِبُ عَلى الْمُتَکَلِّمِ أَنْ یَعْمَلَ بِها. - ذلَکَ مَتَجَرَّ صَدِیقِی. (خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی یازدهم)
۱۹۱۰. العَقادُ أَدِیبٌ وَ مُفَكِّرٌ مِصریٌّ، قَرَأَ فی المَوْضوعاتِ کَثیرَةً. - هُوَ أَضَافَ إلى المَکْتَبَةِ العَرِیْثَةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ کِتابٍ. (شهریور ۹۸ ریاضی و تجربی)
۱۹۱۱. لا تَعْمُرُ الحِکْمَةُ فی قَلْبِ الجَبَّارِ. - المُزارِعُونَ یَجْمَعُونَ مَحاصیلَهُمْ. - هَذا ابْنُ خَیرِ عِبادِ اللَّهِ. - أَصَدِقاؤِی یَسْتَغِیلُونَ فی المَصانِعِ. (خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
۱۹۱۲. صَدِیقِی كانَ طالِباً صَبَراً وَ مِنْ أَفْضَلِ التَّلَامِیذِ فی مَدْرَسَتِنا. - بَعَدَ تَخَرُّجِهِ مِنَ الجامِعَةِ أَصْبَحَ مَسْؤُولاً فی المَدِیْنَةِ. (شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)
۱۹۱۳. «إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِينَ» - لا سَوءَ أَسْوَءٍ مِنَ الكَذِبِ. - الفَأْسُ مُعَلَّقٌ عَلى الجِدارِ. - تَعَلَّمْنا العَرِیْثَةَ مِنَ الشِّیاحِ. (شبه نهایی اصفهان ۱۴۰۳)
- اِسْتَدَّ الزَّادِحامُ أَمامَ المَلْعَبِ.
۱۹۱۴. مَنصُورَةُ جامِعَةِ الزَّوَّارِ الیَومِ!



۲۰. ۱۹۱۵. أَبْعَدُ الْمَصَابِيحِ هُنَاكَ مُنْقِذُ الْجُهَالِ!

۲۰. ۱۹۱۶. أَصْلَحَ الْمُعْتَرِضُونَ أَعْمَالَهُمُ الْمُؤْلَمَةَ!

۲۰. ۱۹۱۷. مَحَبَسُ الْمُتَكَبِّرِينَ عُجْبُهُمْ وَ هُمْ مَحْبُوسُونَ!

۲۰. ۱۹۱۸. أَصْلَحَ التَّلَامِيذُ أَكْمَلَ وَاجِبَاتِهِ وَ كَانَتْ يَدِيهِ مَكَاتِبُ!

۲۰. ۱۹۱۹. كَاتِبُوا الشُّعْرَاءَ حَتَّى تَرَوْا الْمُسْتَقْبَلَ الْجَمِيلَ!

۲۰. ۱۹۲۰. الْمَجْمَعُ الْعَظِيمُ مُعْتَرِفٌ بِأَنَّ شَرَّ الظَّوَاهِرِ هُوَ الْكَذِبُ!

۲۱. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

۱۹۲۱. أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا. - يَعْتَقِدُ الْقَارِئُ أَنَّ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ مُفِيدَةٌ لِلطُّلَابِ.

۱۹۲۲. أَقْرَأُ فِي حَيَاةِ نَابِلْيُونِ آرَاءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا. - هَذَا الْعَمَلُ أَمْتَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ.

۱۹۲۳. الشَّخْصُ الَّذِي يَكُونُ مُعَلِّمًا لِنَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبًا لَهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ.

- هُوَاةُ أَسْمَاكِ الزَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ بِسَمَكَةِ السَّهْمِ.

۱۹۲۴. سَمَكَةُ السَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ فِي الصَّيْدِ. - ذَهَبَ إِلَى مَوْقِفِ السَّيَّارَاتِ. - «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

- لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْإِنْسَانِ الْجَبَّارِ.

۱۹۲۵. طَبَخَ: پخت، آشپزی کرد

الف) الطَّبَاخ:

ب) المطبوخ:

ج) المطبخ:

شهریور ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی

(۴۶ سؤال)

نقش‌یابی (محل اعرابی)

مشاوره: بهترین روش برای نقش‌یابی، توجه به حرکت آخر اسم‌ها و قرینه‌ها و جای کلمات در جمله است؛ مثلاً اسم اول جمله مبتدا است یا اسم مرفوع (ل، ت، ان، ون) بعد از فعل، فاعل است و... که همگی را در بخش ویژه توضیح داده‌ایم، حتماً آن‌ها را بخوانید. دقت کنید که در این تیپ سؤالات در امتحان نهایی، معمولاً طراح حرکات پایان کلمه را می‌گذارد، اما گاهی فاصله بین نقش‌ها و یا ندادن حرکت، کار را سخت می‌کند؛ به همین خاطر در این بخش تمرین‌های متعدد و متنوعی را برایتان آورده‌ایم، از حرکت‌دار تا بی‌حرکت و...! بریم سراغشون.

۲۲. عَيْنُ الْمَخَلِّ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ:

۱۹۲۶. سِعْرُ الْعَنْبِ يَرْخُصُ فِي نِهَائِيَةِ الصَّيْفِ.

۱۹۲۷. الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ.

۱۹۲۸. يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً.

۱۹۲۹. أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ.

۱۹۳۰. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.

۱۹۳۱. الثَّقَافَةُ قِيَمٌ مُشْتَرَكَةٌ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ.

۱۹۳۲. يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجْدُّ أَشْجَارَ الثَّفَاحِ.

۱۹۳۳. يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ.

۱۹۳۴. لَا تَقُولُ كَلَامًا إِلَّا الْحَقُّ أَبَدًا.

۱۹۳۵. يَظْهَرُ الْكَذِبُ فِي فَلَاتَاتِ لِسَانِهِ

۱۹۳۶. الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ.

۲۰. ۱۹۳۷. إِنْ تَقَرَّرَ انْشَاءُكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَنْتَبَهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

۱۹۳۸. تَعَلَّمَ الْعَقَادُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنْ سُيَاحٍ يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ.

۱۹۳۹. أَعْمَالُ الْمَلِكِ الْعَادِلِ سَبَّبَتْ أَنْ يُرْحَبَ بِهِ النَّاسُ.

دی ۹۷ ریاضی و تجربی

شهریور ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی

خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی دهم

خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی یازدهم

خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی یازدهم

خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی یازدهم

شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم

خرداد ۱۴۰۳ ریاضی و تجربی

شهریور ۹۹ ریاضی و تجربی

خرداد ۱۴۰۳ یازدهم

خرداد ۹۸ ریاضی و تجربی



٢٣ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ:

١٩٧٢. قَالَ الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ: لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكَرَّرَةً. (اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْمُبَالِغَةِ - نَوْعُ «لَا»):

پُرتکرار (خرداد ۹۹ و ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

١٩٧٣. فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْمَكَانِ):

پُرتکرار (دی ۹۷ و شهریور ۱۴۰۰ ریاضی و تجربی)

١٩٧٤. «إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَازَةٍ بِالسَّوَاءِ» (اسْمُ الْمُبَالِغَةِ - الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٧٥. كَانَ الْعَقَّادُ أَدِيبًا وَمُفَكِّرًا وَطَالَعَ مَوْضُوعَاتٍ كَثِيرَةً. (الصِّفَةُ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ):

(شهریور ۹۸ ریاضی و تجربی)

١٩٧٦. هَذَا الْكِتَابُ مَا خُوِّدَ عَنِ الْمَقَالَاتِ. (الْمُبْتَدَأُ - اسْمُ الْمَفْعُولِ):

(شهریور ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

١٩٧٧. قَرَأْتُ الْكِتَابَ الثَّارِيخِيَّ إِلَّا مَصَادِرَهُ. (الْمَفْعُولُ - اسْمُ الْمَكَانِ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٧٨. هَذِهِ مَسْأَلَةٌ لَمْ يَسْتَطِعِ الْآخَرُونَ أَنْ يَكْشِفُوهَا حَتَّى الْآنَ. (الْجُمْلَةُ الْوَصْفِيَّةُ - الْفَاعِلُ - الْخَبَرُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٧٩. قَدْ تَعَلَّمْتُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ الثُّجَّارِ الَّذِينَ كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى النَّجْفِ. (اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْعَلَمِ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٠. الْمُتَكَاسِلُونَ يُضَيِّعُونَ فِي أَكْثَرِ الْأَحْيَانِ عُمْرَهُمْ وَ يَنْدَمُونَ. (الْمُبْتَدَأُ - الْمَفْعُولُ - الْمَضَافُ إِلَيْهِ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨١. سَافَرْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ مَتْرُوكَةً وَرَأَيْتُ بَيْتًا وُلِدَتْ فِيهِ. (الْجُمْلَةُ الْوَصْفِيَّةُ - الْحَالُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٢. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (الْمَفْعُولُ - الْمُؤَكَّدَاتُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٣. جَلَبَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ جَوَائِزَ الظَّالِمَاتِ الْمُتَمَارِزَاتِ وَ هُنَّ مَسْرُورَاتٌ. (الْمَفْعُولُ - الصِّفَةُ - الْحَالُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٤. كُنَّا نَسْمَعُ صَوْتَ الثَّلَافِازِ وَ تُقَالُ أَخْبَارٌ سَيِّئَةٌ فِي أَحَدِ الْبَرَامِجِ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ - الصِّفَةُ - الْمَفْعُولُ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٥. أَسْرَعَ الْمُجَاهِدُونَ لِلدِّفَاعِ عَنِ الْحُدُودِ مَثْوُوكِلِينَ عَلَى اللَّهِ. (الْفَاعِلُ - الْحَالُ - الْمَجْرُورُ بِالْحَرْفِ الْجَارِ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٦. عَلَّمَنِي الْمُعَلِّمُ دَرَسًا لَمْ أَتَعَلَّمْهُ جَيِّدًا. (الْفَاعِلُ - الْمَفَاعِيلُ - مَصْدَرُ الْفِعْلَيْنِ):

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٧. اسْمُ فَاعِلِ «تَسْقُطُ»؟

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٨. اسْمُ مَكَانِ «رَجَعَ»؟

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٨٩. وَزَنَ «يَسْتَلِمُ»؟

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٩٠. مَاضِي «تَكْتَسِبُونَ»؟

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

١٩٩١. مَصْدَرُ «أُظْلِقْتَا»؟

(خرداد ۹۹ ریاضی و تجربی)

٢٤ اِنْتْخِبِ الصُّحُوحَ:

١٩٩٢. الْمَخْلُ الْإِعْرَابِي لِيُضْمِرَ «نَا» وَ «اللَّهُ»: «لَا يُسَاعِدُنَا عِنْدَ الشَّدَائِدِ إِلَّا اللَّهُ».

☐ الف (الفاعل - المُسْتَثْنَى)

☐ ب (المفعول - المُسْتَثْنَى)

١٩٩٣. عَيْنُ «الْخَبَرِ وَ الْمَجْرُورِ بِالْحَرْفِ الْجَارِ»: «الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ».

☐ الف (المُجْتَهِدُونَ - فِي الْمَصْنَعِ)

☐ ب (يَشْتَغِلُونَ - الْمَصْنَعِ)

١٩٩٤. عَيْنُ «الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ»: «تَقْدِفُ الْفِرَاحُ نَفْسَهَا مِنْ جَبَلٍ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُهُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفٍ مِثْرًا».

☐ الف (الارتفاع - نَفْسِ)

☐ ب (الفراخ - ارتفاع)

١٩٩٥. عَيْنُ «الْخَبَرِ، الْمَضَافِ إِلَيْهِ، الْمُبْتَدَأِ وَ الْمُسْتَثْنَى» عَلَى التَّرْتِيبِ: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عَيْنٍ».

☐ الف (بَاكِئَةٌ - عَيْنٍ - كُلُّ - ثَلَاثَ)

☐ ب (يَوْمَ - الْقِيَامَةِ - كُلُّ عَيْنٍ - ثَلَاثَ)



۲۰۱۰. «أَقْرَأُ عَنِ الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آراءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ وَ أَطْرَحُهَا مَعَ زَمِيلَاتِي مُنْتَظِرَاتٍ»

- الف) الجَزَّاءُ وَ الْمَجْرُورُ: ☐ عَنِ الْمَوْضُوعِ ☐ مَعَ زَمِيلَاتِي
 ب) الْمَفْعُولُ: ☐ عِدَّةُ ☐ ضَمِيرُ «هَا»
 ج) الصِّفَةُ: ☐ مُنْتَظِرَاتٍ ☐ الْوَاحِدِ

۲۰۱۱. «مَا الْقُرْآنُ إِلَّا هَادٍ يَهْدِينَا سَبِيلَ الْحَقِّ»

- الف) الصِّفَةُ: ☐ الْحَقُّ ☐ يَهْدِينَا
 ب) عَدَدُ الْمَفْعُولِ: ☐ وَاحِدٍ ☐ اِثْنَانِ

۲۰۱۲. «بَحَثَتِ الطَّالِبَةُ عَنْ مَوْضُوعٍ حَوْلَ مَزَايَا الْأَعْشَابِ الطَّبِئَةِ مُجْتَهِدَةً»

- الف) الصِّفَةُ: ☐ الطَّبِئَةِ ☐ مُجْتَهِدَةً
 ب) الْمُضَافُ: ☐ حَوْلَ ☐ الْأَعْشَابِ

۲۰۱۳. «سَقُوطُ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ فِي الْخَرِيفِ مَشْهُدٌ جَمِيلٌ وَ يَصْنَعُ لَنَا ذِكْرِيَّاتٍ حَسَنَةً»

- الف) الْمَفْعُولُ: ☐ أَوْرَاقِ ☐ ذِكْرِيَّاتٍ
 ب) الْخَبَرُ: ☐ مَشْهُدٌ ☐ فِي الْخَرِيفِ

(سؤال ۲۰)

انتخاب گزینه صحیح، صرف فعل و ساختار جمله

مشاوره: یکی از تمرین‌های کاربردی و اصولی برای صرف فعل، ضمایر و... همین سؤال است؛ یعنی شما عملاً فقط در همین قالب است که از حالت‌های مختلف فعل و انواع آن، صرف آن‌ها، اهمیت صیغه و... سؤال می‌بینید و در نهایی سال دوازدهم دیگر این گونه نیست که مثلاً به شما ضمیر بدهند بگویند برای چه فعل و صیغه‌ای است یا فعل بدهند و بپرسند ضمیر مناسبش کدام است و...؛ بنابراین سعی کنید اطلاعاتتان را کاربردی کنید و ببینید از فلان مطلب چگونه سؤال می‌دهند. ضمناً از خواندن پاسخ‌نامه غافل نشوید؛ علت رد یا قبول گزینه‌ها هم مهم است.

۲۶. اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ لِلْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۲۰۱۴. الْعُلَمَاءُ عَلَى جَوَائِزِ نُبُولٍ فِي مَجَالَاتِ الْكِيمِيَاءِ. (حَصَلَتْ - حَصَلُوا - حَصَلَا)
 (دی ۹۹)
 ۲۰۱۵. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا» (تَشْكُرُونَ - يَشْكُرُونَ - يَشْكُرُوا)
 (شهریور ۹۹)
 ۲۰۱۶. كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبَ. (يَرْخُصُ - تَرْخُصُ - يَرْخُصُونَ)
 (پرتکرار (دی ۱۴۰۰، دی ۹۸ ریاضی و تجربی)
 ۲۰۱۷. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْدِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ» (لَا يَعْلَمُونَ - لَا تَعْلَمُونَ - لَا تَعْلَمُنَ)
 (خرداد ۱۴۰۱)
 ۲۰۱۸. الشَّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. (يَحْضُرُونَ - يَحْضَرُ - يَحْضُرْنَ)
 (دی ۱۴۰۱)
 ۲۰۱۹. شَبَابُنَا عَلِمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (رَفَعُوا - رَفَعَتْ - رَفَعَ)
 (خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)
 ۲۰۲۰. أُريدُ تَرْجَمَةَ النَّصِّ. (أَنْ أَكْتُبَ - لَمْ أَكْتُبَ - أَكْتُبُ)
 (خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)
 ۲۰۲۱. وَقَدَرْتُ كُلَّ امْرِئٍ مَا كَانَ هـ. (تُحْسِنُ - يُحْسِنُ - يُحْسِنُ)
 (شهریور ۱۴۰۲)
 ۲۰۲۲. كَانَتْ صَدِيقَتِي وَالذَّهْلُ لِلزُّجُوعِ. (الْمُضَارِعُ مِنْ «إِنْتَظَرِ») (يَنْتَظِرُ - تَنْتَظِرُ - إِنْتَظِرْ)
 (شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)
 ۲۰۲۳. يَا حَبِيبَتِي! هَلْ إِلَى كَرْبَلَاءَ حَتَّى الْآنَ. (الْمَاضِي مِنْ «سَافَرَ») (سَافَرَتْ - سَافَرْتَ - تُسَافِرِينَ)
 (شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)
 ۲۰۲۴. الطَّلَابُ وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ. (خَجَلْتُمْ - خَجَلُوا - خَجَلْنَ)
 (شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)
 ۲۰۲۵. مِنْ فَضْلِكُمْ بِطَاقَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ. (اجْعَلُوا - جَعَلُوا - اجْعَلِي)
 (خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای دهم)
 ۲۰۲۶. أَنْتُمَا الْعَزِيزَانِ. (صَاحِبَايَ - صَاحِبَانِي)
 (شهریور ۹۹ معارف)
 ۲۰۲۷. ظَنَنْتُ أَنَّكَ الْأُسْتَاذِ! (الْأَحْسَنُ - أَحْسَنُ - أَحْسَنُ)
 ۲۰۲۸. نَجْمَانِ فِي السَّمَاءِ. (هَذِهِ - أُولَئِكَ - هَذَانِ - هَاتَانِ)

(دی ۹۸)

۲۰۲۹..... الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. (يُشَجِّعُونَ - تُشَجِّعُ - يُشَجِّعُ)

(مرداد ۱۴۰۳ معارف)

۲۰۳۰..... الْأُمُّ..... طِفْلَهَا عَلَى الْكُرْسِيِّ الصَّغِيرِ. (أَجْلَسَتْ - جَلَسَتْ - جَالَسَتْ)

(خرداد ۹۸ ریاضی و تجربی)

۲۰۳۱..... الْأَصْدِقَاءُ..... عَلَى أَنْفُسِهِمْ. (تَعْتَمِدُونَ - يَعْتَمِدُونَ - يَعْتَمِدُنَ)

۲۰۳۲..... صَدِيقَكَ الْمُحْتَرَمَ..... نَا مُنْصِيفًا. (يُعَايِلُ - نُعَايِلُ - تُعَايِلُ)

۲۰۳۳..... إِنْهُمْ لَمْ..... شَيْئًا. (تَكْتُبُوا - يَكْتُبُوا - يَكْتُبُونَ)

(۲۵ سؤال)

تحليل صرفی

۲۷) اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

(خرداد ۱۴۰۱ ریاضی و تجربی)

۲۰۳۴..... «الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ».

☐ (ب) فعل ماضٍ، مجهول / فعل

يَجْذِبُ: ☐ (الف) فعل مضارع، معلوم / خبر

☐ (ب) اسم، مفرد، مُذَكَّر، نكرة / صفة

مُنَاسِبًا: ☐ (الف) اسم، مفرد، مُذَكَّر، معرفة / مضاف إليه

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

۲۰۳۵..... «أَوْصَتْ شَيْمِلُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْخَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا».

☐ (ب) ثلاثي مجرّد، مجهول / اسم فاعله: كاتب

يُكْتَبُ: ☐ (الف) فعل مضارع، ثلاثي مزيد، معلوم

(دی ۹۹ ریاضی و تجربی)

۲۰۳۶..... «عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ».

☐ (ب) اسم، مفرد، مُذَكَّر، نكرة / مبتدأ

عَدُوٌّ: ☐ (الف) اسم، جمع تكسير، نكرة / فاعل

☐ (ب) اسم مبالغة، مفرد، مُذَكَّر، نكرة / مضاف إليه

جَاهِلٍ: ☐ (الف) اسم فاعل، مفرد، مُذَكَّر، نكرة / صفت

(دی ۱۴۰۰)

۲۰۳۷..... «يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ».

يُشَجِّعُ: ☐ (الف) فعل مضارع، مفرد مُذَكَّر غائب، ثلاثي مزيد من باب تفعيل، معلوم / فعل و الجملة فعلية

☐ (ب) فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، ثلاثي مزيد من باب تفعّل، مجهول / خبر

الْمُتَفَرِّجُونَ: ☐ (الف) اسم مفعول، نكرة، جمع تكسير، مُذَكَّر / خبر

☐ (ب) اسم فاعل، جمع مُذَكَّر سالم، مُعَرَّف بِأَل / فاعل

(دی ۱۴۰۱)

۲۰۳۸..... «هُمْ يَغْرِسُونَ أَشْجَارًا لِكَيَّ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ».

يَغْرِسُونَ: ☐ (الف) فعل مضارع، ثلاثي مجرّد، معلوم، جمع مُذَكَّر غائب / خبر

☐ (ب) فعل مضارع، ثلاثي مزيد، مُنْتَهَى مُذَكَّر غائب / فعل و فاعل

الْآخَرُونَ: ☐ (الف) اسم فاعل، جمع مُذَكَّر سالم، نكرة / صفة

☐ (ب) اسم تفضيل، جمع مُذَكَّر، مُعَرَّف بِأَل / فاعل

(خرداد ۱۴۰۲ ریاضی و تجربی)

۲۰۳۹..... «الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ».

☐ (ب) اسم، مُنْتَهَى، مُذَكَّر، مُعَرَّف بِالْعِلْمِيَّةِ / مبتدأ

الْإِنْسَانُ: ☐ (الف) اسم، مفرد، مُذَكَّر، مُعَرَّف بِأَل / مبتدأ

☐ (ب) اسم مفعول، مفرد، مُذَكَّر، نكرة / مضاف إليه

مَوْضُوعٍ: ☐ (الف) اسم مفعول، جمع، مُذَكَّر، نكرة / مجرور بحرف جرّ

(شهریور ۱۴۰۲)

۲۰۴۰..... «يُطَالَعُ مَنَصُورُ الدَّرْسِ فِي الْمَكْتَبَةِ».

يُطَالَعُ: ☐ (الف) فعل معلوم، مفرد مُذَكَّر غائب، ثلاثي مزيد / فعل و فاعله منصور

☐ (ب) فعل مضارع، مفرد مُذَكَّر غائب، مجهول، ثلاثي مجرّد / فعل و الجملة فعلية

الْمَكْتَبَةُ: ☐ (الف) اسم، مفرد مؤنث، نكرة / مضاف إليه

☐ (ب) اسم، مفرد مؤنث، مُعَرَّف بِأَل / مجرور بحرف جرّ

پاسخ سؤالات درس «۳»

۱۴۰۴. شیرخوارگی
۱۴۰۶. با گرمی داشتن، با عزت
۱۴۰۸. تنگ می شود
۱۴۱۰. نهال گردو
۱۴۱۲. کاشتند
۱۴۱۴. در آغوش می گرفت
۱۴۱۶. نرم شدی
۱۴۱۸. منابع
۱۴۲۰. نگه دار
۱۴۲۲. امید داری
۱۴۲۴. نشست
۱۴۲۶. چرا، برای چه
۱۴۲۸. بسیار امرکننده
۱۴۲۹. نبوسید (نبوسیده است) - آزرده شد، ناراحت شد
۱۴۳۰. دیده بود - میوه نمی داد
۱۴۳۲. آزاد کرد
۱۴۳۴. بازی می کرد
۱۴۳۶. وعاء (ظرف)
۱۴۳۸. زمیل (هم کلاسی)
۱۴۴۰. قصه (داستان)
۱۴۴۲. غرس (نهال، کاشتن نهال)
۱۴۴۴. رسول (رسول، پیامبر)
۱۴۴۶. مطعم (رستوران)
۱۴۴۸. جهال (نادان)
۱۴۵۰. مصادر (منبع)
۱۴۵۲. شیوخ (پیر)
۱۴۵۴. ذنوب (گناهان)
۱۴۵۶. ب. الملبس: لباس، مفرد: البسة است.
۱۴۵۷. ب. الأفراس: اسب ها، الفرس: ایرانی ها، جمع: الفارسی است.
۱۴۵۸. الف. الذناب: مگر ها، الأذنان: جمع: الذنوب، ذم است.
۱۴۵۹. الف. المحارم: حرام ها، الأحرام: جمع: الحرم است.
۱۴۶۰. ب. الثمر: الإثمار: میوه دادن، مصدر است.
۱۴۶۱. ب. الجذ: پدر بزرگ، الجد: تلاش کردن، مصدر است.
۱۴۶۲. الف. المسألة: سؤال، مفرد: أسئلة است.
۱۴۶۳. ب. شياح: شياح، اسم مبالغه و مفرد است.
۱۴۶۴. ب. الشيوخ
۱۴۶۵. ب. العام: جمع: العم، عمو، أعمام است.
۱۴۶۶. ب. الملعب: ورزشگاه، اللعب: بازی کردن، مصدر است.
۱۴۶۷. الف. السنة: سال، جمع: السن: دندان، الأسنان: است.
۱۴۶۸. ب. الأعزاء: عزیزان، الإعزاز: گرمی داشتن، مصدر است.
۱۴۶۹. ب. الأخوات: خواهران، الإخوة: جمع: الأخ، برادر است.
۱۴۷۰. حنون (مهربان) غلیظ القلب (سنگدل)
۱۴۷۱. الفسيلة = الغرس (نهال)
۱۴۷۲. انتخب = اختار (برگزید، انتخاب کرد)
۱۴۷۳. تجتمع (جمع شد) = انفص (پراکنده شد)
۱۴۷۴. خز = أعتق (آزاد کرد)
۱۴۷۵. ذهب = راح (رفت)
۱۴۷۶. الشاب (جوان) = العجوز (پیر)
۱۴۷۷. سهل (آسان کرد) = صعّب (سخت کرد)
۱۴۷۸. الشفاء = الصحة (سلامتی)
۱۴۷۹. يافع (جوان) = عجوز (پیر)
۱۴۸۰. مزارع = فلاح (کشاورز)
۱۴۸۱. يغلو (گران می شود) = يرخض (ارزان می شود)
۱۴۸۲. الضبي = الولد (پسر، فرزند)
۱۴۸۳. الشمال (چپ) = اليمين (راست)
۱۴۸۴. أعطى (داد، بخشید) = أخذ (گرفت)
۱۴۸۵. ضاق (تنگ شد) = اتسع (فراخ شد)
۱۴۸۶. فاض = امتلأ (لبریز شد)
۱۴۸۷. سهر (بیدار ماند) = نام (خوابید)
۱۴۸۸. وجد (یافت) = فقد (گم کرد)
۱۴۸۹. قدر = استطاع (توانست)
۱۴۹۰. ب. الطفولة = الصغر (کودکی) / الصغير (کوچک)
۱۴۹۱. ب. المكرم = المعزز (گرامی) / العزيز (عزیز)
۱۴۹۲. الف. اتسع = انبسط (فراخ شد، گسترده شد) / ضاق (تنگ شد)
۱۴۹۳. الف. ظن = حسب (گمان کرد، پنداشت) / سحب (کشید)
۱۴۹۴. ب. الإقامة (ماندن) = الذهاب (رفتن) / الإذهاب (بردن)
۱۴۹۵. ب. غليظ الطبع = الفظ (تندخو) / الفضة (نقره)
۱۴۹۶. ب. اختار = انتخب (برگزید) / خير (اختیار داد)
۱۴۹۷. ب. مدح (ستایش) = ذم (سرزنش، نکوهش) / مذموم (سرزنش شده)
۱۴۹۸. الف. الفلاح = المزارع (کشاورز) / المزارع (مزرعه ها)
۱۴۹۹. ب. المسرور = الفرح (شاد) / الفرح (شادی) مصدر است.
۱۵۰۰. ب. حسر (زیان) = نفع (سود) / نافع (سودرسان)
۱۵۰۱. ب. بنى = صنع (ساخت) / حدث (اتفاق افتاد)
۱۵۰۲. ب. حمول، كسل (سستی) = نشاط (فعالیت) / نشيط (کوشا)
۱۵۰۳. الف. الجودة = الحسن (خوبی) / ب. العجوز (پیر) = اليافع (جوان)
۱۵۰۴. الف. المتاع = البضاعة (کالا) / ب. جاع (گرسنه شد) = شبع (سیر شد)
۱۵۰۵. الف. راح = ذهب (رفت) / ب. خاسراً (بازنده) = فائزاً (برنده)
۱۵۰۶. الف. الرجوع = العودة (برگشتن) / ب. المرض (بیماری) = الصحة (سلامتی)
۱۵۰۷. أيسر (اسیر کرد) = أعتق (آزاد کرد)
۱۵۰۸. يرخض (ارزان می شود) = يغلو (گران می شود)
۱۵۰۹. الف. يبكي (گریه می کند) = يضحك (می خندد) / ب. يقدر = يستطيع (می تواند)
۱۵۱۰. الف. سعى = حاول (تلاش کرد) / ب. البيع (فروش) = الشراء (خرید)
۱۵۱۱. أسفل (پایین، پایین تر) = أعلى (بالا، بالاتر)
۱۵۱۲. الف. يتسع (فراخ می شود) = يضيق (تنگ می شود) / ب. فرحاً = مسروراً (شاد، خوشحال)

۱۷۲۴. الف تَدید (ندیده است) / ب ببینید، مشاهده کنید («شاهدوا» فعل امر و «شاهدوا» فعل ماضی است.) / ج بیننده («مُشاهد» را با «مُشاهد: صحنه‌ها» اشتباه نگیرید.) / د دیدند، مشاهده کردند («شاهدن» فعل ماضی «وشاهدن» فعل امر است.)

۱۷۲۵. الف کمک نخواهم کرد / ب کمک نکردند (نکرده‌اند) / ج کمک کن ۱۷۲۶. نا امید نشوید

۱۷۲۷. می‌اندیشند

۱۷۲۸. الف برنگرد / ب باز خواهد گشت / ج باز نخواهد گشت / د برنگشت (برنگشته است) / ه برنگشت / و اگر بازگردی، برمی‌گردم / ز برمی‌گشت

۱۷۲۹. الف به یاد می‌آورند / ب به یاد نمی‌آورد (ماضی استمراری) / ج به یاد آورید

نکته: حواستان باشد که فعل ماضی (جمع مؤنث غایب) و فعل امر (جمع مؤنث مخاطب) در باب «تفعّل»، از نظر ظاهری مانند یکدیگر هستند. برای تشخیص آن‌ها، باید به شواهد و قرائن موجود در جمله دقت کنید، سپس تشخیص دهید که فعل امر است یا ماضی.

مثال: هُنَّ طَالِبَاتٌ تَخْرُجْنَ مِنَ الْجَامِعَةِ.
• يَا صَدِيقَاتِي تَعْلَمْنَ دُرُوسَكُنَّ جَيِّدًا.

۱۷۳۰. الف نفرست / ب نفرستادند (نفرستاده‌اند) / ج فرستاده است / د فرستنده

۱۷۳۱. الف چرا ناامید می‌شوی / ب ناامید نشو

۱۷۳۲. الف محدود نمی‌کند / ب محدود خواهد کرد

۱۷۳۳. الف بنشینید / ب ننشست

۱۷۳۴. الف پخته‌اند / ب نپخت (نپخته است) / ج آشپز / د باید بپزد

نکته: از حرکت کسره (ـِ) در انتهای فعل می‌فهمیم که فعل مجزوم شده و «لِ» امر داریم نه تعلیل؛ چون کسره در پایان مضارع، یعنی قبلاً ساکن (ـَ) بوده و به دلیل برخورد ساکن با «ال»، تبدیل به «ـِ» شده است.

مثال: لِيَخْرُجَ الرَّجُلُ ← لِيَخْرُجَ الرَّجُلُ

۱۷۳۵. بوزش بخواهد

۱۷۳۶. باید گوش فرا دهند («التَّاس» جمع است.)

۱۷۳۷. دیده بود / میوه نمی‌داد (میوه نمی‌دهد)

۱۷۳۸. نباید بحث کند

۱۷۳۹. الف نشستیم / ب ننشینید / ج نشسته / د بنشینید

۱۷۴۰. الف بنشان / ب نشان / ج نشانده‌اند، نشانده‌اند / د خواهد نشانده

۱۷۴۱. الف دانسته‌ای / ب ندانستم، ندانسته‌ام / ج بدان / د نمی‌داند

۱۷۴۲. الف گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد / ب یاد نخواهد داد / ج یاد می‌دهم / د باید یاد بدهد

۱۷۴۳. الف درس می‌دهد / ب درس دادن

۱۷۴۴. الف نویسنده / ب نوشته‌شده

۱۷۴۵. الف داناتر / ب بسیار دانا

۱۶۹۳. چه شتابان است ۱۶۹۴. ظرف - گردو

۱۶۹۵. هر چیزی - زیاد می‌شود ۱۶۹۶. دانا می‌کنند - برترند

۱۶۹۷. قرار داده شد - فراخ می‌گردد ۱۶۹۸. نمی‌دانی - میوه می‌دهد

۱۶۹۹. شناخته می‌شوند ۱۷۰۰. در کودکی - بازی می‌کرد

۱۷۰۱. الف نشسته است / ب اگر بنشینم، می‌نشینم. (ساختار شرط)

۱۷۰۲. الف پنجره را باز کن. / ب در را باز نکن.

۱۷۰۳. الف می‌گفت / ب گفته بود

۱۷۰۴. الف ندارم / ب داشتم (كَانَ + لِ، عِنْدَ ← داشت)

۱۷۰۵. الف مرا حفظ کرده است. / ب حفظ می‌کردند / ج حفظ شده / د حفظ خواهیم کرد

۱۷۰۶. الف نخواهیم نشست / ب بنشینید

۱۷۰۷. الف نگاه کنید / ب باید نگاه کند / ج نگاه کرده بودم

۱۷۰۸. الف خودداری نکنید / ب خودداری خواهیم کرد / ج خودداری نکرد (نکرده است)

۱۷۰۹. الف پس نگرفت / ب پس نگیر / ج پس گرفتن / د پس گیرنده

۱۷۱۰. الف بحث نکرد / ب بحث نکرد (نکرده است) / ج بحث نکنید / د بحث‌کنندگان

۱۷۱۱. الف به یاد آورد / ب به یاد می‌آورند / ج به یاد بیاور / د به یادآورندگان

۱۷۱۲. الف عبادت نکنید / ب عبادت نمی‌کنم

۱۷۱۳. الف تشویق نمی‌کردند (دقت کنید که قبل از آن «ما كَانَ» آمده.) / ب تشویق کرده بود (كَانَ + قَدْ + ماضی ← ماضی بعید) / ج تشویق‌شدگان (اسم مفعول است.) / د تشویق می‌شویم (فعل مضارع (شَ)، مجهول می‌باشد.)

۱۷۱۴. الف تا پس بگیریم / ب پس نمی‌گیری (نفی است؛ زیرا انتهای فعل، تغییری نکرده است.)

۱۷۱۵. که تغییر بدهند

۱۷۱۶. باید عمل کنیم

۱۷۱۷. تا (برای اینکه) هدایت کند

۱۷۱۸. الف باید نامه‌نگاری کنند / ب نباید نامه‌نگاری کنند / ج نامه‌نگاری کنید

۱۷۱۹. الف رفتار کرده‌ای / ب رفتار نکن

۱۷۲۰. الف هم‌نشینی نکنید / ب هم‌نشینی نخواهد کرد / ج هم‌نشینی می‌کردند (كَانَ + مضارع ← ماضی استمراری) / د هم‌نشینی کنید

نکته: «جَالِسَن» ← فعل امر / «جَالِسَن» ← فعل ماضی؛ باب «مُفَاعَلَة» است.

۱۷۲۱. الف خودداری کرده بود / ب خودداری نخواهیم کرد / ج خودداری نکردند (نکرده‌اند)

۱۷۲۲. الف شما می‌کرد / ب باید اتفاق کند / ج ننوشتید (ننوشتاید) / د حکایت می‌شود

۱۷۲۳. الف ارزان نشد (نشده است) / ب ارزان شده است / ج [هرگز] ارزان نخواهد شد / د ارزان شده بود



۱۷۶۹. الف «دَفَعَ: پرداخت کرد، کنار زد، دور کرد» / «دَافَعَ عَنْ: از... دفاع کرد»
 ۱۷۷۰. ب «لَعَلَّ: + فعل مضارع ← مضارع التزامی (شاید دفاع کنند)
 ۱۷۷۱. ب «أَلَّا: مخفف «أَنْ + لا» است، آن را با «إِلَّا» اشتباه نگیرید.
 ۱۷۷۲. ب «لَمْ: حرکت دارد و طبیعتاً آن را با «لِمَ» اشتباه نمی‌گیرید.
 ۱۷۷۳. الف «قَدْ: به همراه فعل مضارع آمده، ولی در گزینه «ب» ترجمه به شکل ماضی التزامی آمده است.

۱۷۷۴. الف انتهای «دَافَعَ» ساکن شده، پس قطعاً فعل است نه اسم.
 ۱۷۷۵. الف «اتَّصَلَ بِ: تماس گرفت» / «وَصَلَ: رسید»
 ۱۷۷۶. ب «أَوْصَلَ: رساند» / «وَصَلَ: رسید»
 ۱۷۷۷. الف «كَانَ: + قَدْ + فعل ماضی ← ماضی بعید
 ۱۷۷۸. الف «لِ: امر + فعل مضارع ← باید + مضارع التزامی
 ۱۷۷۹. ب انتهای فعل ساکن شده، پس فعل نهی داریم نه نفی و با «نباید» ترجمه می‌شود.

۱۷۸۰. الف «إِخْرَاج: مصدر باب «إفعال» به معنای «بیرون آوردن» یا «خارج کردن» است. («أَخْرَجَ: بیرون آورد» / «خَرَجَ: خارج شد»)
 ۱۷۸۱. ب «تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد، فارغ التحصیل شد» / «أُنْ: که، این؛ اگر»
 ۱۷۸۲. ب «أُخْرِجَ: بیرون آورده شد» ماضی مجهول است. / «أَخْرَجَ: بیرون می‌آورم»
 ۱۷۸۳. ب «أُخْرِجُوا: فعل امر و «أَخْرَجُوا: فعل ماضی از باب «إفعال» است.
 ۱۷۸۴. الف «أُخْرِجُوا + نِ: مرا بیرون آورند»
 ۱۷۸۵. ب «كَانَ: + فعل مضارع ← ماضی استمراری
 ۱۷۸۶. الف «مُحَرِّك: اسم فاعل است نه اسم مفعول.
 ۱۷۸۷. الف «حَرَكَ: حرکت داد، تکان داد» / «تَحَرَّكَ: حرکت کرد»
 ۱۷۸۸. ب «قَدْ: + ماضی ← ماضی نقلی

تذکر: «تَحَرَّكَ» ماضی از باب «تَفَعَّل» است. گول حرف «ت» در ابتدای آن را نخورید!

۱۷۸۹. الف «كَانَ تَحَرَّكَ» ماضی بعید است و «كَانَ يَتَحَرَّكُ» ماضی استمراری.
 ۱۷۹۰. الف فعل ماضی مجهول است، پس در ترجمه باید «شد» بگیرد.
 ۱۷۹۱. الف «يُخَرِّكُونَ» مضارع معلوم است که با «كانوا» آمده و ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

۱۷۹۲. ب انتهای «تَتَرَاخَمَ» منصوب شده و با «ت» آمده، پس «لِ» تعلیل (به معنای «برای این که، تا») داریم، نه «لِ» امر.
 ۱۷۹۳. الف «أَلَيْتَ + مضارع»، مضارع التزامی می‌سازد نه ماضی استمراری.
 ۱۷۹۴. ب «إِحْتَرَمُوا: فعل امر / «إِحْتَرَمُوا: فعل ماضی
 ۱۷۹۵. ب «لَا تُحَرِّمِي: حرام نکن»

تذکر: در ترجمه فعل امر یا نهی مخاطب از «باید» و «نباید» استفاده نمی‌کنیم.

مثال: «اعْلَم: بدان» ← «باید بدانی» نادرست است.

۱۷۹۶. ب «كَانَ + مضارع ← ماضی استمراری»
 ۱۷۹۷. ب «أَلَّا: أَنْ + لا» را با «إِلَّا» اشتباه نگیرید.
 ۱۷۹۸. ب «مُحَرِّم: اسم مفعول است و «مُحَرَّم: اسم فاعل.
 ۱۷۹۹. ب «لَنْ: + مضارع ← آینده منفی

۱۷۴۶. الف صبرکننده / ب بسیار صبرکننده

۱۷۴۷. الف عبادتگاه‌ها / ب عبادت شده

۱۷۴۸. الف کوچک‌تر / ب کوچک‌ترها

۱۷۴۹. الف باید موفق شود / ب موفق خواهد شد / ج تا (تا اینکه) موفق بشوید

یادآوری: «لِ، لِي، لَكَ، حَتَّى، كَيْ، أَنْ» + مضارع ← مضارع التزامی

- د شاید موفق بشوم، امید است که موفق بشوم

- نکته:** «لَعَلَّ: + فعل مضارع ← شاید، امید است» + مضارع التزامی
 ۱۷۵۰. الف سخن بگوید (فعل شرط ← مضارع التزامی و جواب شرط ← مضارع اخباری) / ب سخن گفتن / ج گاهی سخن می‌گوییم، شاید سخن بگوییم / د سخن گفتند

یادآوری: قَدْ + فعل مضارع ← ۱ گاهی + مضارع اخباری
 ۲ شاید + مضارع التزامی

۱۷۵۱. لطفاً پیشنهاد بدهید ۱۷۵۲. دور نشو
 ۱۷۵۳. بشتاب ۱۷۵۴. بوزش می‌خواهم
 ۱۷۵۵. نباید بجنگد ۱۷۵۶. مصرف نکردیم
 ۱۷۵۷. الف جمع شدید / ب جمع نکردیم (نکرده‌ایم) / ج باید جمع کنند / د جمع کرده‌ای / ه جمع نکن / و جمع کرده بودید / ز جمع می‌کردم / ح گاهی جمع می‌شوند، شاید جمع بشوند / ط جمع کنید / ی جمع خواهند کرد / ک نباید جمع کنند / ل جمع نخواهند کرد / م تا جمع کنید (لِ امر با صیغه مخاطب نمی‌آید) / ن برای چه جمع کردند (لِمَ + «ماضی» است) / س جمع می‌کردیم (ماضی + مضارع ← ماضی استمراری)

۱۷۵۸. الف اجازه نده / ب اجازه ندادیم (نداده‌ایم)
 ۱۷۵۹. الف نپریدم / ب می‌پرند
 ۱۷۶۰. الف رفتار نکن / ب رفتار می‌کرد / ج رفتار نمی‌کنید
 ۱۷۶۱. الف «انْتَقَلَ: منتقل شد» (لازم) / «مُنْتَقِل: منتقل شونده» / «نَقَلَ: منتقل کرد» (متعدی)؛ «ناقل: منتقل کننده»
 در ترجمه اسم‌ها به لازم یا متعدی بودن فعل مرجع توجه کنید.
 ۱۷۶۲. ب «نَقَلَ + نا: ما را منتقل کرد»

نکته: «لِمَ: مخفف «لِمَاذَا: چرا، برای چه» است و آن را با «لَمْ» اشتباه نگیرید.

۱۷۶۳. ب «كَانَ: + قَدْ + فعل ماضی ← ماضی بعید
 ۱۷۶۴. ب «انْتَقَلَ: منتقل شد» (لازم) / «نَقَلَ: منتقل کرد» (متعدی)
 ۱۷۶۵. الف «انْتَقَلْنَ: ماضی / «انْتَقِلْنَ: امر
 ۱۷۶۶. الف «لَمْ يَكُنْ» و «لَمْ تَكُنْ» معادل «ما كان» و «ما كانت» هستند. «لَمْ تَكُنْ» + مضارع ← ماضی استمراری منفی
 ۱۷۶۷. ب نون وقایه و ضمیر «ی» نداریم که بخواهیم از «مرا» استفاده کنیم.
 ۱۷۶۸. الف «نَقَلْنِي: دارای نون وقایه و ضمیر «ی» است، پس در ترجمه از «مرا» استفاده می‌کنیم. / «جابه‌جا کردم: نَقَلْتُ»

ترجمه متن پیامبر خدا (ص) وارد مسجدی شد. دو گروه در مسجد بودند. گروهی دانش فرا می‌گرفتند و گروهی به درگاه خدا دعا می‌کردند و از او درخواست می‌کردند. پس [ایشان] فرمودند: هر دو گروه در راه خوبی هستند؛ اما این‌ها به درگاه خدا دعا می‌کنند و اما اینان دانش فرا می‌گیرند و نادان را دانا می‌کنند؛ اینان برترند.

۱۸۰۰. از نظر رسول خدا (ص) کدام جماعت برتر است؟ الَّذِينَ يَتَعَلَّمُونَ و يُفْقَهُونَ الْجَاهِلِينَ.

۱۸۰۱. چند گروه در مسجد بودند؟ كَانَتْ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ.

ترجمه متن روزی، کسری انوشیروان کشاورز پیری را دید که نهال گردویی می‌کاشت؛ پس تعجب کرد و گفت: «ای کشاورز! آیا امید داری که زندگی کنی تا از میوه آن بخوری؟ آیا نمی‌دانی که آن [نهال گردو] معمولاً فقط بعد از ده سال میوه می‌دهد؟» پس پیرمرد گفت: «دیگران درختانی کاشتند، ما [نیز] درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه‌هایش بخورند.» پس انوشیروان گفت: «آفرین بر توای پیرمرد.» و دستور داد که هزار دینار به کشاورز داده شود؛ پس کشاورز سالخورده گفت: «میوه دادن این درخت، چه شتابان است!»

۱۸۰۲. کشاورز پیر، چه چیزی می‌کاشت؟ فَسِيلَةَ جَوْزٍ.

۱۸۰۳. درخت گردو بعد از چند سال میوه می‌دهد؟ بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ.

۱۸۰۴. کشاورز با خوشحالی، چه چیزی گفت؟ مَا أَسْرَعَ إِيْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.

۱۸۰۵. انوشیروان دستور داد که به کشاورز چه چیزی داده شود؟ أَلْفَ دِينَاراً.

ترجمه متن بعضی فرزندان برادر یا خواهری از شیرخوارگی دارند که از یک مادر نیستند. این برادران و خواهران با هم در خردسالی‌شان بازی می‌کنند و همانند دوست هستند و هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، برای حل آن با یکدیگر همکاری می‌کنند. این کمک کردن باعث تحکیم روابط در میان آن‌ها می‌شود.

۱۸۰۶. فرزندان هنگام برخورد با یک مشکل چه کار می‌کنند؟ يَتَعَاوَنُونَ عَلَى حَلِّهَا.

۱۸۰۷. فرزندان چه زمانی با یکدیگر بازی می‌کنند؟ فِي صِبَرٍ سِنِهِمْ.

۱۸۰۸. نتیجه کمک کردن فرزندان چیست؟ تَعَزِيزُ الْعِلَاقَاتِ.

۱۸۰۹. ب

ترجمه متن اگر کشاورز نهال گردو (درخت کوچکی) در باغش بکارد بعد از ده سال آن را برداشت می‌کند. شاید درختانی کاشته بشوند و از میوه‌شان بخوریم در حالی که درختانی را می‌کاریم تا دیگران از میوه‌هایش بخورند.

۱۸۱۰. کشاورز کجا نهال گردو را می‌کارد؟ يَغْرِسُ الْفَلَاخُ فَسِيلَةَ الْجَوْزِ فِي حَدِيقَتِهِ.

۱۸۱۱. چه زمان کشاورز نهال گردو را برداشت می‌کند؟ يَخْصُدُهَا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ.

۱۸۱۲. چه کسی میوه‌های درختانی را که آن‌ها را می‌کاریم می‌خورد؟ يَأْكُلُهَا الْآخَرُونَ.

۱۸۱۳. الف

ترجمه متن پیامبر کودکان را دوست می‌داشت و همواره به آنان احترام می‌گذاشت. روزی یک مرد نزد رسول خدا نشسته بود و پس از لحظاتی (چند لحظه) پسرش آمد و به پیامبر سلام کرد؛ سپس به سوی پدرش رفت. پس پدر او را بوسید و او را نزد خود نشاند، رسول خدا از کارش خوشحال شد. پس از اندکی دخترش آمد و به پیامبر سلام کرد، سپس به سوی پدرش رفت، اما پدر او را نبوسید و او را نزد خود نشاند. رسول خدا ناراحت شد و فرمود: چرا بین فرزندان تفاوت فرقی می‌گذاری؟ پس [آن] مرد پشیمان شد و دست دخترش را گرفت و او را بوسید و نزد خود نشاند.

۱۸۱۴. رسول خدا به مرد چه گفت؟ لِمَ تُفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟

۱۸۱۵. چرا پیامبر ناراحت شد؟ لِأَنَّ الرَّجُلَ فَرَّقَ بَيْنَ أَطْفَالِهِ وَ مَا قَبِلَ بَنْتَهُ.

۱۸۱۶. «این» یا «آن»

نکته: اگر یک اسم در جمله، بار اول به صورت «نکره» بیاید و همان اسم در ادامه جمله با «ال» و به شکل «معرفه» تکرار شود، حرف «ال» را می‌توان به شکل «این» یا «آن» ترجمه کرد. مثلاً در این عبارت، در ابتدا «رَجُلٌ» نکره آمده که در ادامه جمله، با «ال» و به شکل «الرَّجُلُ» تکرار شده است.

۱۸۱۷. «هَمٌّ»: مفعول / «الْأَبُ»: فاعل / «يَدٌ»: مفعول

ترجمه متن در روزی از روزها انوشیروان، کشاورز سالخورده‌ای را دید که نهال گردویی می‌کاشت و گفت: ای کشاورز! آیا آرزو داری که زندگی کنی تا از میوه‌اش بخوری؟ آیا نمی‌دانی که معمولاً [درخت گردو] تنها پس از ده سال ثمره می‌دهد؟ پس کشاورز گفت: دیگران درختانی کاشتند و ما از میوه‌هایش خوردیم و ما درختانی می‌کاریم تا دیگران بخورند. انوشیروان گفت: آفرین ای شیخ. و دستور داد که به کشاورز هزار دینار داده شود. کشاورز با خوشحالی گفت: میوه دادن این درخت چه سریع است!

۱۸۱۸. کشاورز چه می‌کاشت؟ فَسِيلَةَ جَوْزٍ.

۱۸۱۹. انوشیروان از کشاورز چه پرسید؟ هَلْ تَأْمُلُ أَنْ تَعِيشَ حَتَّى تَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِهَا.

۱۸۲۰. پس از چه مدت، نهال گردو میوه می‌دهد؟ بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ.

۱۸۲۱. کشاورز هنگامی که هزار دینار را گرفت چه گفت؟ مَا أَسْرَعَ إِيْمَارَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.

۱۸۲۲. مستثنی: عَطِيَّةٌ / مستثنی منه: زَمِيلَات

۱۸۲۳. مستثنی: مَسْأَلَةٌ / مستثنی منه: مَسَائِل

۱۸۲۴. مستثنی: حَامِداً / مستثنی منه: الظُّلَاب

۱۸۲۵. مستثنی: أَنَانَاَسَ / مستثنی منه: أَنْوَاعُ الْفَاكِهَةِ

۱۸۲۶. مستثنی: الشُّرَكَ / مستثنی منه: الذُّنُوب

۱۸۲۷. مستثنی: الَّذِينَ / مستثنی منه: الْإِنْسَان

۱۸۲۸. مستثنی: وَجْهٌ / مستثنی منه: كُلُّ شَيْءٍ

۱۸۲۹. مستثنی: الْحَرِيَّةُ / مستثنی منه: مَا

۱۸۳۰. مستثنی: الْكَسْلَانِ / مستثنی منه: النَّاسُ

۱۸۳۱. مستثنی: الْفَاسِقُونَ / مستثنی منه: نَدَارِدُ: اسلوب حصر

۱۸۳۲. مستثنی: الْمُتَكَبِّرُ / مستثنی منه: جَمِيعُ النَّاسِ

۱۸۳۳. مستثنی: صَفْحَةٌ / مستثنی منه: مَقَالَةٌ

۱۸۳۴. مستثنی: مَصَادِرُ / مستثنی منه: الْكِتَاب

۱۸۳۵. مستثنی: الْأَطْعِمَةُ / مستثنی منه: كُلُّ شَيْءٍ

۱۸۳۶. مستثنی: شَابَاتٍ / مستثنی منه: كُلُّ الْمُؤَظَّفِينَ

۱۸۳۷. مستثنی: كَاطِلَمًا / مستثنی منه: أَخَذُ

۱۸۳۸. مستثنی: الْجَاهِلِينَ / مستثنی منه: الْأَقْرَبَاء

۱۸۳۹. مستثنی: عَامِلًا / مستثنی منه: الْعُمَال

۱۸۴۰. مستثنی: الْمُتَكَاسِلِينَ / مستثنی منه: النَّاسُ

۱۸۴۱. مستثنی: الَّذِينَ / مستثنی منه: أَوْلِيكَ

۱۸۴۲. مستثنی: بَعْضُ / مستثنی منه: الْمُسْلِمُونَ

۱۸۴۳. مستثنی: رَجُلًا / مستثنی منه: مَنْ (کسی که)

۱۸۴۴. مستثنی: الْمَرَّةُ / مستثنی منه: الْمُؤَفَّقِينَ



۱۸۸۱. مستثنی: القیام / مستثنی منه: أمر
 ۱۸۸۲. مستثنی: واحداً / مستثنی منه: الرُّملاء
 ۱۸۸۳. مستثنی: الفاکهة / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۸۴. ب مستثنی منه نداریم و جمله انحصار دارد.
ترجمه: «خداوند از مردم فقط خلوص می خواهد»
 ۱۸۸۵. ب «الشفاة» مستثنی و «دواء» دارویی «مُستثنی منه» است.
ترجمه: «از خداوند برای بیماران، دارویی جز شفاء نمی خواهیم»
 ۱۸۸۶. ب «هذا المزارع» یک انسان است، ولی از گروهی از انسان‌ها قبل از «إلا» جدا نشده و انحصار داریم.
ترجمه: «فقط این کشاورز، درختان ثمربخش را کاشت»
 ۱۸۸۷. ب «تعلیم» مستثنی و «غایة» هدفی «مُستثنی منه» می باشد.
ترجمه: «استاد هدفی به جز یاد دادن به دانشجویش نداشت»
 ۱۸۸۸. الف «التلاميذ» مُستثنی منه برای «قلیلاً» می باشد.
ترجمه: «دانش آموزان در این امتحانات موفق نخواهند شد به جز [تعداد] کمی از آن‌ها»
 ۱۸۸۹. الف «صديقي» یک شخص است؛ در نتیجه «أخذ» کسی به عنوان یک شخص، مُستثنی منه جمله است.
ترجمه: «کسی به جز دوست بیمارم در انجام تکالیف، کوتاهی نکرد»
 ۱۸۹۰. ب جمله قبل از «إلا» ناقص است و مفعول می خواهد، پس مستثنی منه نداریم و ساختار انحصار آمده.
ترجمه: «مردم در روزهای سخت، فقط نزدیکان خود را یاری کردند»
 ۱۸۹۱. الف «التدّم» مستثنی است و «ثمرة» نتیجه مُستثنی منه.
ترجمه: «هر کس زیاد طمع کند، نتیجه‌ای به جز پشیمانی را به دست نخواهد آورد»
 ۱۸۹۲. ب بر اساس ترجمه جمله متوجه می شویم که مستثنی منه نداریم: «زندگی دنیا، فقط وهم و خیال است»
 ۱۸۹۳. الف «مَحْفَظَة» مستثنی و «وسائل» مستثنی منه می باشد.
ترجمه: «مادر وسائل فرزندش را به جز کیفش تمیز کرد»
 ۱۸۹۴. ب «شیراز» یک اسم علم است، ولی هرگاه اسم علم، «ی» نسبت بگیرد، دیگر اسم علم به شمار نمی آید؛ بنابراین «شیرازی» نکره است.
 ۱۸۹۵. ب «الأسئلة» جمع «سؤال» و مذکر است.
 ۱۸۹۶. ب وزن «مُحَافَظَة»: استان «مصدر باب «مُفاعلة» است، نه اسم مفعول.
 ۱۸۹۷. الف «تَصَرَّف» بر وزن «تَفَعَّل» و مصدر است نه فعل.
 ۱۸۹۸. ب «الأزرق» آبی اسم تفضیل نیست و بیانگر «رنگ» است.
 ۱۸۹۹. الف نام شهرها و کشورها و قاره‌ها، «مؤنث» است.
 ۱۹۰۰. ب اعضای زوج بدن با اینکه علامت تأنیث ندارند، ولی «مؤنث» هستند: «عین، رجل، ید، أُذن، قَدَم و...»
 ۱۹۰۱. ب «الخُسران» به معنای «زیان» بوده و این اسم «مفرد مذکر» است.
 ۱۹۰۲. الف «-ین، -ان» علامت مثنی مذکر و «-ون، -ین» علامت جمع مذکر است.
 ۱۹۰۳. الف اسم‌های علم اگر «ال» یا «تنوین» بگیرند، باز هم اسم علم هستند.
 ۱۹۰۴. الف «المُتَكَثِّر» دارای «مُ+» و اسم فاعل است. (حواستان باشد که ملاک ما، حرکت دومین حرف اصلی (ث) است.)
 ۱۹۰۵. اسم فاعل: المُحَسِّن / اسم مبالغه: عَلَام / اسم مکان: المَسْجِد / اسم تفضیل: أَعْلَم

۱۸۴۵. مستثنی: الأعشاب / مستثنی منه: الأشجار
 ۱۸۴۶. مستثنی: الأعمال / مستثنی منه: عملاً
 ۱۸۴۷. مستثنی: الحق / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۴۸. مستثنی: حامداً / مستثنی منه: التلاميذ
 ۱۸۴۹. مستثنی: كاظمًا / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۰. مستثنی: الأقویاء / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۱. مستثنی: الصادق / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۲. مستثنی: القوم / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۳. مستثنی: النشاط / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۴. مستثنی: کتاب / مستثنی منه: کتاباً
 ۱۸۵۵. مستثنی: كاظمًا / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۶. مستثنی: جدی / مستثنی منه: كُل الضیوف
 ۱۸۵۷. مستثنی: الفلاحون / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۵۸. مستثنی: وُسع / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 كَلَّفَ «دومفعولی است، ولی قبل از «إلا» یک مفعول گرفته، پس جمله ناقص است و انحصار داریم.
 ۱۸۵۹. مستثنی: وعاء / مستثنی منه: كُل وعاء
 ۱۸۶۰. مستثنی: الخیر / مستثنی منه: ما
 ۱۸۶۱. مستثنی: إبليس / مستثنی منه: الملائكة
 ۱۸۶۲. مستثنی: لعب / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۶۳. مستثنی: كَرَّة / مستثنی منه: المباريات
 ۱۸۶۴. مستثنی: شجرة / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۶۵. مستثنی: المُدیر / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۶۶. مستثنی: الله / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۶۷. مستثنی: الدعاء / مستثنی منه: عمل
 ۱۸۶۸. مستثنی: السعی / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر.
تذکر: دقت کنید که جمله قبل از «إلا» ناقص است و «السعی» مرجعی ندارد، پس حصر داریم. (چون «السعی» مرفوع است، می فهمیم مستثنی منه نداریم.)
 ۱۸۶۹. مستثنی: ضیف / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۷۰. مستثنی: راضياً / مستثنی منه: الناس
 ۱۸۷۱. مستثنی: قصّة / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۷۲. مستثنی: المؤدّة / مستثنی منه: أجراً
 ۱۸۷۳. مستثنی: بعد / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 ۱۸۷۴. مستثنی: التائبين / مستثنی منه: العباد
 ۱۸۷۵. مستثنی: ثلاثة / مستثنی منه: المسافرين
 ۱۸۷۶. مستثنی: الإستراحة / مستثنی منه: دواء
 ۱۸۷۷. مستثنی: الخائفين / مستثنی منه: الناس
 ۱۸۷۸. مستثنی: منصور / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر
 حواستان باشد که «من بين الأصدقاء» جار و مجرور و مضاف الیه هستند، پس حذف می شوند و نمی توانند مستثنی منه باشند.
 ۱۸۷۹. مستثنی: قلیلاً / مستثنی منه: الناس
 ۱۸۸۰. مستثنی: جکایات / مستثنی منه: ندارد: اسلوب حصر